

نماز و جامعه شناسی

مؤلف: علیرضا وحدت پناه

ناشر: ستاد اقامه نماز و احیای زکات

نوبت چاپ: سوم

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۸۶ ش

چاپ: مرکز خدمات فرهنگی مطهر

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

مقدمه ناشر

نماز تنها یک عبادت در میان فرائض و تکالیف عبادی نیست، بلکه نماد و نمود دین و دینداری است. در تعابیر دینی از آن به عنوان پرچم و نشانه دین و عمود خیمه دیانت نام رفته است.

قبولی نماز پیش شرط پذیرش سایر اعمال انسان مسلمان است و اسلامیت هر یک از آحاد مسلمانان با آن شناخته می شود و جامعه اسلامی در تعظیم و بزرگداشت فریضه ی نماز می کوشد و آن را به عنوان نشان تمکن خویش در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پاس می دارد.

حیات انسانی انسان و به تعبیر قرآن «حیات طیبه انسانی» وامدار بیادداشت نماز و ذکر الهی است. در طول تاریخ، تمامی انبیاء به نماز سفارش کرده اند و بر اقامه آن نیز کوشیده اند. نماز میراث پیامبران الهی است، از آدم تا خاتم، «صلوة» فریضه ی شناخته شده در میان پیروان شرایع آسمانی بوده است.

به همین دلیل است که حضور نماز را در جای جای زندگی انسان مسلمان می توان سراغ گرفت؛ از هنگام ولادت که ذکر «الله اکبر» گوش او را می نوازد تا پایان حیات مادی که «لااله الاالله» به زبان جاری می سازد و حتی بعد از آن نیز نماز در زندگی اخروی وی تاثیرگذار و نقش آفرین است. علاوه بر آثار فردی و نتایج شخصی نماز که در عرصه حیات هر نمازگزار پدیدار می شود، آثار عمومی و اجتماعی آن نیز اندک نیست و ای بسا در مواضع و مواقعی اثرات اجتماعی آن بسیار فراوان تر از سایر ابعاد آن باشد.

شناخت کارکردهای نماز در ابعاد اجتماعی آن و بررسی آثار و نتایج حاصله ی آن در شکل گیری رفتارها، اتخاذ روش ها، تعیین استراتژی ها و اهداف عمومی اجتماعی و به تعبیر دیگر ظهور نهاد اجتماعی به نماز که در شکل جمعه، جماعت و عیدین تجلی می یابد، می تواند پرده ای دیگر از اسرار نماز را بگشاید و رازهای نا یافته ی جدیدی را برای ما واگویی کند.

[صفحه ۶]

در نوشتاری که در پیش رو دارید، نویسنده تلاش کرده است بین مباحث جامعه شناسی و رفتار مذهبی نماز روابط و نسبت ها را کشف کرده و مآلاً آرزومند است با پرداختن به این موضوع به تفکرات اجتماعی در اسلام کمک کند.

هر چند معتقدیم نویسنده ی محترم در بسیاری از مواضع، مبانی نظری و آراء «پاراسونز» را دستمایه ی خود قرار داده و گاهی نیز به دلیل دشوار و دیر فهم بودن آراء مذکور، کتاب را از حالت یک نوشته عمومی خارج کرده و آن را به یک متن تخصصی نزدیک کرده است که لازمه ی آن آشنایی با زبان جامعه شناسی است، اما باز به دلیل گشودن یک مدخل جدید در مباحث مربوط به نماز به آن رضایت داده ایم.

البته شاید برخی نیز این نظر را داشته باشند که از نماز به عنوان یک ادب دینی بیشتر در حوزه ی روان شناسی و یا تأثیر روانی آن باید سخن گفت و یا حداقل باید با دیدگاه های روان شناسی اجتماعی به آن نگریست. امام با اندک تأملی می توان دریافت که صاحب این نظر برای نماز کارکرد و اثر اجتماعی قایل نیست و آن را تنها در حوزه یک رفتار عبادی فردی مورد ملاحظه قرار می دهد.

شاید بهتر این باشد که یکبار نیز با شیوه ای تعقلی و تجربی با در نظر گرفتن روابط و قواعد جامعه شناختی تأثیرات نماز و تبعات اجتماعی آن را مورد مطالعه قرار دهیم.

البته پرواضح است که این گام، قدم اول است، پرداختن به نماز از این زاویه کاری است نو، و به قدم برداشتن در زمین ناهموار می ماند، اما امید این است که اندیشمندان و صاحب نظران همین دفتر را بهانه ی نقد و بررسی و ورود کارشناسانه قرار دهند و با پروردن بحث، آن را از کاستی ها پیراسته و به نظر صواب و شایسته آراسته کنند.

دکتر محمدیان

معاون تحقیق و تألیف

مقدمه

به نام خداوندی که نماز خواندن را برای ما مقرر فرمود
تا از خواندن آن لذت ببریم

سفر بسوی تو پویم، حضر بکوی تو جویم
سخن برای تو گویم، خُمُش برای تو باشم

تا کنون آثار و کتب ارزشمندی درباره نماز نوشته شده است. این دفتر در مقابل آن آثار، قطره ای در مقابل دریا است؛ ولی اهمیت نماز بیش از آن است که این کتب و آثار بتوانند بیانگر و منعکس کننده آن باشند. هر تعداد کتاب در این مورد به رشته تحریر درآید و آن را تعریف و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، باز هم کم است.

۱- ضرورت طرح مسأله

الف . بررسی جامعه شناسانه نماز و شناخت تأثیرات اجتماعی نماز کمتر مورد توجه اساتید و علما بوده است؛ لذا ضرورت داشت این کار آغاز شود. دفتر حاضر به عنوان فتح بابی در این مورد تلقی می شود و امید است در

[صفحه ۸]

آینده کتب پرمحتواتری در این مورد به رشته تحریر درآید.

ب . جا دارد نماز با آن همه اهمیت، مورد بررسی و تحلیل جامعه شناسانه قرار گرفته و تأثیرات عمیق و همه جانبه آن مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

ج . با توجه به اینکه موضوعات و پدیده های مختلف اجتماعی، انسانی و ... در جامعه شناسی و دیگر علوم اجتماعی (علوم انسانی) مورد بررسی قرار گرفته، در مراکز علمی تدریس می شود، لازم است به این موضوع (نماز) که پایه فرهنگ اسلامی و یکی از نیازهای فطری انسان است، توجه خاصی شود و به عنوان یک بخش مستقل در مباحثی چون جامعه شناسی دینی و شناخت مسائل اجتماعی اسلام در نظر گرفته شود.

۲- موضوع و محتوای تحقیق

موضوع اصلی تحقیق، ارائه تعریفی از نماز و بررسی مسائل اجتماعی آن است. ارائه تعریفی از نماز، ما را قادر می سازد تا با تعدادی از اهداف نماز، بیشتر آشنا شویم؛ هم در زندگی شخصی به آن بها دهیم و هم شرایط و امکانات برقراری و اقامه آن را در سطح جامعه فراهم کنیم. بررسی مسائل اجتماعی نماز، به ما کمک می کند تا زمینه شخصیت رشد یافته را در خود فراهم نموده، با تأثیرات نماز بر توسعه همه جانبه جامعه و راه آن آشنا شویم.

۳- روش

با توجه به اینکه موضوع مورد بررسی از مقوله مطالب دینی - اجتماعی می باشد، از روش «تحقیق کتابخانه ای» استفاده به عمل آمده است. در

[صفحه ۹]

نوشتن این اثر از اساتید گرانقدر و برجسته ای به صورت حضوری و غیرحضوری (از طریق کتب آن بزرگان) استفاده کرده، فیض برده ام که در همین جا از یکایک آن عزیزان کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم. این دفتر شامل دو بخش است؛ بخش اول که جنبه آشنایی با بعد دینی و اعتقادی نماز را دارد؛ شامل دو فصل است؛ در فصل اول به معنا و تعریف و تاریخچه ی نماز پرداخته می شود و در فصل دوم مبنای تئوریک آن تبیین می شود؛ که شامل: آثار نماز، رمز و رازها در نماز و آفات نماز می گردد. بخش دوم این دفتر شامل دو فصل است؛ در فصل اول، مسائل اجتماعی نماز در دو سطح خرد و کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و در فصل دوم تأثیرات نماز در جلوگیری از اختلالات مورد بررسی قرار می گیرد.

۴- کاربرد

الف . کاربرد در سطح عام: این دفتر ضمن کمک به گسترش تحقیق در ابعاد مختلف نماز؛ پاسخی است به برخی سؤالاتی که نسل نو در این مورد مطرح می کنند.

ب . کاربرد در سطح خاص: این اثر در خصوص موضوعاتی چون جامعه شناسی دینی و تفکرات اجتماعی در اسلام قابل استفاده است.

با توجه به نام این دفتر، نوشته ای را که در پیش رو دارید به زبان جامعه شناسی نوشته شده؛ لذا مخاطبان آن باید با این زبان آشنایی لازم را داشته باشند.

امیدوارم اساتید و علمای معظم اشتباهات متعدد بنده حقیر را نشانه ی فراموشی یا عدم آگاهی بدانند و اینجانب را
از راهنمایی های مفید خود

[صفحه ۱۰]

محروم ننمایند.

از کلیه عزیزان و سرورانی که در این امر به نوعی کمک نموده اند، سپاسگزاری می نمایم.

[صفحه ۱۵]

آشنایی با نماز

ماهیت نماز

معنای لغوی نماز

«نماز» [ن] (ا)... خدمت و بندگی... خدمتکاری... بندگی. اطاعت. فرمانبرداری. سجده. سجود... سر بر زمین نهادن. سر فرود آوری برای تعظیم... کرنش. تکریم، تعظیم... پرستش... ادای طاعت. طاعت و عرض نیاز به سوی خدای عالمیان به طریقی که در شریعت پیغمبران وارد شده... نیاز» [۱] همچنین در پاورقی صفحه ۷۷۲ جلد «ن» لغت نامه دهخدا درباره نماز آمده «پهلوی: namac، از ایرانی باستان: nam (خم شدن، تعظیم کردن)، قیاس شود با اوستایی: nemah: [دعا]، هندی باستانی namas، یازند namazh، افغانی nmunj، بلوچی nawash، namash کردی nymij، nymi: [نماز]، زازا nemaj، اورامانی namaz، گیلکی: namaz»
«در عربی صلوة به معنی نماز، دعا، طلب رحمت و ثنای نیکو آمده

[صفحه ۱۶]

است.» [۲]

به انگلیسی (prayer) و به فرانسوی (priere) می باشد.

[۱] لغت نامه دهخدا، جلد «ن».

[۲] فرهنگ جدید عربی به فارسی، بندر ریگی و فرهنگ بزرگ جامع نوین.

تعریف نماز

ارائه تعریفی جامع و مانع از نماز کار بسیار مشکلی است؛ بدلیل:

- تأثیرات بسیار وسیع نماز بر انسان و زندگی، مرگ و بعد از مرگ انسان.

- تأثیرات فراوان نماز بر جامعه و زندگی گروهی و اجتماعی.

- وجود نمازهای بسیار متعدد و متنوع. [۱]

- وجود نماز در همه ادیان و جوامع در همه زمان ها با تفاوت های کمی و کیفی [۲]

با این اوصاف و با توجه به نوع مقاله و با تأکید بر اسلام عزیز تعریف زیر ارائه می شود:

«نماز فعالیتی عبادی است که وادارکننده انسان به فضایل اخلاقی بوده، با تأکید بر درون انسان (خود حقیقی) او را به سوی کمال مطلوب سوق می دهد و بیانگر شناخت شناسی، جهان بینی و ایدئولوژی اسلام است.»

در این تعریف به پنج مسأله توجه شده است.

فعالیتی عبادی، وادارکننده انسان به فضایل اخلاقی، تأکید بر درون انسان (خود حقیقی)، کمال طلبی و شناخت شناسی، جهان بینی و ایدئولوژی

[صفحه ۱۷]

[۱] به نمازهای مستحبی، عباس عزیزی مراجعه کنید.

[۲] ر. ک به ادیان زنده جهان، رابرت ا. هیوم، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۲۰.

فعالیت عبادی (جسمی، فکری و روانی)

انسان برای انجام نماز یک سری فعالیت های مختلف جسمی، فکری و روانی خاصی را انجام می دهد. فعالیت جسمی انسان در نماز همان حرکات جسمی، ترتیب و توالی، تقدّم و تأخّر آنها بوده که عدم توجه به سیر این حرکات ابطال نماز را به دنبال دارد. «رسول اکرم(ص) می فرماید: ارزشی برای گفته ها و عمل ها و نیت ها نیست، مگر آنکه طبق دستور و سنت انجام گیرد.» [۱] البته لازم به بیان است که این حرکات جسمی و سیر آن در اسلام طوری انتخاب نشده تا اختیار و آزادی انسان محو و نابود گردد؛ بلکه در محدوده ای خاص این اختیار و آزادی به انسان داده شده تا بعضی از حرکات جسمی را در صورتی که مایل باشد انجام دهد. [۲]

فعالیت های فکری، تفکر، اندیشه و تعمق در الفاظ، معانی و درک عقلی نماز است. میزان فعالیت های فکری نمازگزار در نماز متناسب با میزان علم، اطلاعات، اندیشه و قوه عقلی وی می باشد.

فعالیت های روانی همان به یاد معبود و خدای خود بودن و با او صحبت کردن و در محضرش بودن است. «در حال نماز، تن و اندیشه و روان، هر سه به کار و فعالیت اند؛ تن، با حرکات دست و پا و زبان، با خم شدن، نشستن و به خاک افتادن، و فکر، با اندیشیدن در مضامین و الفاظ نماز... و روان: با یاد

[صفحه ۱۸]

خدا و پرواز در صفای معنوی و روحانی...» [۳].

[۱] پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص ۵۰؛ به نقل از قصار الجمل، ۷۳ / ۲.

[۲] مانند الف: مستحبات نماز که نمازگزار اختیار انجام آنها را دارد. ب: نوع سوره ای که در رکعت اول و دوم بعد از سوره حمد می تواند بخواند. ج: در محدوده ای، طولانی و یا کوتاه برگزار نمودن اجزاء و یا قسمتهای نماز. د: خواندن یکبار و یا سه بار تسبیحات اربعه و یا خواندن سوره حمد به جای آن. ه: در شرایط و موقعیتهای خاص، نمازگزار می تواند در نماز دگرگونیهای خاصی انجام دهد. مثل نماز غرقا، نماز خوف و... و:

[۳] از ژرفای نماز، مقام معظم رهبری، ص ۱۴ - ۱۵.

فضایل اخلاقی

فعالیت های یاد شده؛ از قبیل درک عقلی نماز و احساس حضور در محضر حضرت حق، باعث می شود تا انسان از رذایل دوری نماید. «همانا نماز نهی کننده از فحشا و منکرات است» [۱]؛ همچنین موجب می شود انسان رو به سوی فضایل اخلاقی بگذارد.

اهمیت فضایل اخلاقی و تکریم آن در اسلام به حدی است که هدف بعثت یا حداقل یکی از اهداف مکارم اخلاقی بیان شده است؛ به طوری که پیامبر اکرم (ص) - به تعبیری که اهل تسنن روایت کرده اند - فرمود:

بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ و یا - به تعبیری که شیعه روایت کرده است - فرمود:

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا که مضمون هر دو یکی است. [۲].

به جهت همین اهمیت فضایل و مکارم اخلاقی است که در بینش اسلامی، موارد متعددی بیان شده که بسیاری از نمازها و عباداتی که بدون توجه به اخلاق و تعمیق و تکریم آن صورت می گیرد، مقبول درگاه حضرت حق قرار نمی گیرد. «مولای متقیان (ع) می فرماید: به قبولی عمل، بیش از

[صفحه ۱۹]

اصل عمل توجه داشته باشید.» [۳].

اسلام عزیز برای وجود ارتباط بین نماز و عبادت با فضایل اخلاقی و تکریم آن موارد زیادی را متذکر شده که در ذیل جهت جلوگیری از اطاله کلام به ذکر مواردی چند اکتفا می شود.

۲ - ۱ - ترک کردن غیبت: «رسول اکرم(ص) فرمود: ترک کردن غیبت در نزد خداوند متعال محبوبتر است از ده هزار رکعت نماز.» [۴].

«رسول اکرم(ص) فرمود: هر که غیبت مرد یا زن مسلمانی کند، خداوند چهل شبانه روز نماز و روزه او را قبول نمی کند؛ مگر آنکه شخص غیبت شده از او درگذرد.» [۵].

۲ - ۲ - عدم آزار و اذیت مردم: «پیامبر اکرم(ص) فرمود: زنی که شوهر خود را می آزارد، خداوند نمازها و کارهای نیک او را نمی پذیرد، تا وقتی که حق همسرش را ادا کند و او را از خود خشنود سازد،... همچنین است مردی که همسر خود را آزار رساند...» [۶] در روایت آمده است که «رسول خدا (ص) به نماز جماعت مشغول بود، چون صدای طفلی به گوشش رسید، نماز را زودتر به پایان برد.» [۷] (تا مادر آن کودک که در نماز جماعت حاضر بود سراغ فرزندش رود و او را آرام کند).

۲ - ۳ - رفق و مدارا با مردم: «رسول اکرم(ص) فرمود: پروردگارم همچنان که مرا امر کرده است به ادای فرایض، به رفق و مدارا با مردم هم دستور داده است.» [۸].

[صفحه ۲۰]

۲ - ۴ - خیرخواهی و پاکدلی: «پیامبر اکرم(ص) فرمود: عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه ی مسلمین خیرخواه تر و پاکدل تر باشد.» [۹].

«امام صادق (ع) فرمود: خداوند از هیچ مؤمنی عملی را نپذیرد اگر چنانچه بدخواهی برادر ایمانی اش را در دل داشته باشد.» [۱۰].

۲ - ۵ - دوست داشتن و محبت کردن: «رسول گرانقدر(ص) فرمود: نظر کردن از روی محبت به برادر ایمانی، عبادت است.» [۱۱].

«پیامبر اکرم (ص) فرمود: سوگند به آنکه جانم بدست اوست، وارد بهشت نمی شوید مگر این که ایمان بیاورید، و ایمان نمی آورید مگر اینکه همدیگر را دوست بدارید.» [۱۲].

۲ - ۶ - بردباری: «امام رضا (ع) فرمود: آدمی به مقام عبادت خدا نائل نمی شود تا اینکه حلیم و بردبار شود.» [۱۳].

۲ - ۷ - دوری از بدگمانی و سوءظن: «مولای متقیان حضرت علی (ع) فرمود: پرهیز از اینکه گمان را بد گردانی زیرا به راستی بدگمانی عبادت را فاسد و گناه را بزرگ می گرداند.» [۱۴].

۸ - ۲ - صدق و راستی: «امام علی (ع) فرمود: صدق و راستی محکمترین پایه ایمان است.» [۱۵].

۲ - ۹ - دوری از گناه: «خدای متعال به حضرت داوود (ع) فرمود: چه بسیار رکعت های طولانی که نمازگزار با گریه و خشوع بجا آورده است اما نزد

[صفحه ۲۱]

من به فتیلی نمی ارزد، چون وقتی که به قلب او نظر کرده، می بینم پس از آن که از نمازش فارغ شد، و زنی با او خلوت و خود را بر او عرضه کند، او را اجابت کرده، مرتکب گناه خواهد شد. و اگر مؤمنی با او معامله کند به او خیانت خواهد کرد.» [۱۶].

«اگر روزه همراه با غیبت و چشم چرانی و خوردن مال حرام باشد، بی ثمر است؛ نماز هم باید همراه با ترک این گناهان باشد، وگرنه نماز نیست.» [۱۷].

۲ - ۱۰ - دوری از خشم: «پیامبر اکرم (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما خشمگین شد وضو بگیرد تا خشم او فرونشیند.» [۱۸].

امام صادق (ع) فرمود: هرکه با حالت خشم و کینه به پدر و مادرش نگاه کند، خداوند نمازش را قبول نخواهد کرد، گرچه آنها به او ستم کرده باشند.» [۱۹].

۲ - ۱۱ - رعایت حال مردم: «هرگاه رسول خدا (ص) مشغول نماز بود و کسی نزد آن حضرت می رفت نمازش را زودتر سلام می داد و می پرسید: آیا حاجتی داری؟ و آن گاه که خواسته اش را برآورده می کرد، دوباره به نماز می ایستاد.» [۲۰].

۲ - ۱۲ - دوری از حرام: «پیامبر اکرم (ص) فرمود: ذکر و یاد خدا آن است که هرگاه انسان در برابر حرام قرار گرفت از خدا بترسد و آنرا ترک نماید.» [۲۱].

«پیامبر اکرم (ص) فرمود: نماز حرامخواران، مثل بنای ساختمان بر ریگ است.» [۲۲].

[صفحه ۲۲]

۲ - ۱۳ - معطر و خوشبو بودن: «امام صادق (ع) فرمود: یک رکعت نماز که انسان با بدن و لباس معطر و خوشبو بخواند، برتر است از هفتاد رکعت نمازی که بدون استفاده از عطر و بوی خوش خوانده است.» [۲۳].

۱۴ - ۲ - داشتن اخلاق نیکو: یکی از بانوان مسلمان، روزها روزه می گرفت و شب ها در نماز و عبادت بسر می برد؛ اما بد اخلاق بود و با زبانش همسایگان خود را می آزد. شخصی به محضر رسول خدا (ص) شرفیاب شد و از این بانو تمجید کرد که او با نماز و روزه سروکار دارد و تنها دارای یک عیب است و آن این است که بد اخلاق است و با زبانش موجب اذیت و ناراحتی همسایه ها می شود. «پیامبر (ص) فرمود: در چنین زنی، خیری نیست. او اهل دوزخ است.» [۲۴] «رسول اکرم (ص) فرمود: کامل ترین مؤمنان در ایمان، خوش خلق ترین آنانست.» [۲۵].

۲ - ۱۵ - حفظ ناموس مردم: «خدای سبحان به حضرت داوود (ع) فرمود: چه بسا عبدی که نماز می خواند و من آن نماز را به صورتش می زنم و بین خود و صدایش حجاب قرار می دهم، می دانی چنین عبدی کیست؟ ای داوود! آن نمازگزار کسی است که به ناموس مردم مؤمن زیاد با دید گناه نگاه می کند و [همچنین] به خودش می گوید: اگر صاحب قدرتی شدم گردن مردم را می زنم آن هم به ستم.» [۲۶].

۲ - ۱۶ - آشتی دادن مردم با یکدیگر: «حضرت علی (ع) در وصیت به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمود: من از جد شما (پیامبر اکرم (ص))

[صفحه ۲۳]

شنیدم که می گفت: آشتی دادن میان مردم بهتر است از نماز و روزه سالیان.» [۲۷].

۲ - ۱۷ - دوری از ریا: در قرآن کریم، خداوند سبحان می فرماید: «وای بر نمازگزارانی که ... ریا و خودنمایی کنند...» [۲۸].

«رسول خدا (ص) فرمود: عملی که به مقدار ذره ای ریا در آن باشد خداوند آنرا نمی پذیرد.» [۲۹].

در رساله توضیح المسائل امام خمینی (ره) آمده: «انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است؛ خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد. [همچنین می فرماید:] اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا بجا آورده، نماز باطل است، چه آن قسمت، واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت؛ بلکه اگر تمام نماز را برای خدا

بجا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوص مثل مسجد، یا در وقت مخصوص مثل اول وقت، یا به طرز مخصوص، مثلاً با جماعت نماز بخواند، نمازش باطل است.» [۳۰].

۲ - ۱۸ - درس کرم : «رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما بخواهد دعا کند؛ دعایش را عمومیت دهد و همه را دعا کند؛ زیرا این کار دعا را زودتر مستجاب می کند. و نیز فرمود: کسی که با جمعی نماز بخواند و تنها برای خود دعا کند و آنان را فراموش نماید، به آنان جفا کرده است.» [۳۱].

[صفحه ۲۴]

۲ - ۱۹ - توجه به نیازمندان: «امام صادق (ع) فرمود: نماز کسانی که نسبت به برهنگان و آوارگان جامعه بی تفاوتند، قبول نیست.» [۳۲].

۲ - ۲۰ - پرداخت زکات و خمس: «نماز آنان که زکات مال خویش را نمی دهند، پذیرفته نمی شود.» [۳۳].
«رسول اکرم (ص): نماز بدون (پرداختن) زکات قبول نیست.» [۳۴].
«اگر لباس و مکان نمازگزار با پولی تأمین شده باشد که خمس و یا زکات آنرا پرداخت ننموده است، آن نماز باطل است.» [۳۵].

[۱] سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

[۲] ر. ک به فلسفه اخلاق، شهید مرتضی مطهری، ص ۲۰.

[۳] بحارالانوار، جلد ۸۱، ص ۱۷۳.

[۴] بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۶۱.

[۵] همان، ج ۷۵، ص ۲۵۹.

[۶] وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۸۲.

[۷] من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۰.

[۸] وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۳۰.

[۹] اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۸.

[۱۰] وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۰.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۹.

[۱۲] آداب تعلیم و تعلم در اسلام، شهید ثانی، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۴۵۸.

[۱۳] اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۱.

[۱۴] غررالحکم، ص ۱۶۴.

- [۱۵] وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۴۶۶.
- [۱۶] بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۳.
- [۱۷] رموز نماز یا اسرارالصلوة، محمد فرید نهاوندی، ص ۹۰ - ۹۱.
- [۱۸] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۱۲.
- [۱۹] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۸۷.
- [۲۰] تفسیرالمیزان، علامه طباطبائی، ج ۶، ص ۳۳۴.
- [۲۱] سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۸۴.
- [۲۲] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۴.
- [۲۳] اسرارالصلوة، ملکی تبریزی، ص ۶۹.
- [۲۴] بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۴.
- [۲۵] تحف العقول، حرانی، ص ۴۷.
- [۲۶] عرفان اسلامی، حسین انصاریان، ج ۵، ص ۹۱.
- [۲۷] نهج البلاغه، نامه ۴۷.
- [۲۸] سوره ماعون.
- [۲۹] میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۵.
- [۳۰] رساله امام خمینی (ره)، مسأله های ۹۴۶ و ۹۴۷.
- [۳۱] هزار و یک نکته، حسن زاده آملی، ص ۶۲۲، نکته ۷۷۷.
- [۳۲] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲.
- [۳۳] همان، ج ۸۴، ص ۳۱۷.
- [۳۴] منهج الصادقین، ج ۶، ص ۲۰۳.
- [۳۵] رساله امام خمینی (ره)، مسائل ۸۷۳ و ۸۲۰، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷.

تأکید بر خود حقیقی

بجا آوردن نماز برای دوری از منیت و خودخواهی و بدست آوردن وسیله و سرمایه ای برای وصول به حضرت حق است. ضرورت دارد که این سرمایه و وسایل مورد شناسایی قرار گیرند. اما برای شناخت ابزار و سرمایه این وصول، ابتدا لازم است انواع «خود» را مورد مطالعه قرار دهیم.

در تعالیم اسلامی به دو نوع «خود» یا «من» و یا «نفس» اشاره شده است:

۳ - ۱ - «خود خیالی» و یا «خود مذموم»: این «خود خیالی» یا «خود مذموم» سرچشمه ی همه ی رذایل اخلاقی و امراض روحی انسان است. توجه و علاقه به این «خود» باعث دوری از وصول به حضرت حق می شود. معمار بزرگ انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) می نویسد:

«خودخواهی منشاء همه مفاسد است» [۱].

علامه شهید مرتضی مطهری از این «خود» به «من طفیلی» و یا «ناخود» یاد می کند. [۲].

۲ - ۳ - «من اصیل» یا «خود حقیقی» و یا «خود ملکوتی»: این «خود حقیقی» یا «خود ملکوتی» سرچشمه فضایل اخلاقی بوده که عزت و کرامت آن بسیار مطلوب است و توصیه های فراوانی درباره آن شده است. مولای متقیان حضرت علی (ع) فرمود: «هرکس احساس کرامت نفس کند، دنیا در نظرش کوچک و ناچیز می شود.» [۳] و یا امام هادی (ع) فرمود: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» اگر کسی در نزد خود خوار شد از شر او ایمن مباش. بنابراین «خود حقیقی» یا «خود ملکوتی» ابزار و سرمایه حرکت انسان در مسیر وصول به حضرت حق بوده و منطبق با ارزش های والا و متعالی است، به همین جهت است که گفته می شود اگر کسی حقیقت نفس خود را دریابد، این دریافت به طور مستقیم او را به دریافت خداوند سبحان می رساند؛ زیرا «خود حقیقی» نفخه ی الهی است در وجود انسان و زمانی که حجاب ها کنار رود و حقیقت «خود ملکوتی» مورد شهود قرار گیرد، از دریچه ی آن، ذات اقدس الهی نیز در همان محدوده مورد شهود واقع خواهد شد و چون قرابت و درجات «خود حقیقی» در جریان سیر تکاملی روحی متفاوت است؛ لذا هرچه مرتبه «خود حقیقی» انسان بالاتر باشد، شهود ذات اقدس الهی نیز از

طریق معرفت نفس و «خود حقیقی» بیشتر و کامل تر می شود. با توجه به همین مطالب است که در تعالیم اسلامی به «معرفت نفس یا همان معرفت خود حقیقی» به عنوان کامل ترین راه معرفت خداوندی نظر شده است. در این مورد روایات و احادیث زیادی از معصومین گرانقدر رسیده است؛ از جمله، مولای متقیان حضرت علی (ع) فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.» [۴] هر کس خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است. [۵].

[۱] سرالصلوة، امام خمینی (ره)، ص ۶۸.

[۲] رک به فلسفه اخلاق، جلسه هفتم، خود و ناخود.

[۳] غرالحکم، ص ۷۳.

[۴] غرالحکم، ص ۶۲۵، ح ۳۰۱.

[۵] برای اطلاع بیشتر از بحث «خودحقیقی» و «خودخیالی» رجوع کنید به کتب فلسفه اخلاق، استاد شهید مرتضی مطهری؛ ذکر، دفتر هفتم، شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی، مرحوم استاد محمدتقی جعفری؛ عدل، استاد شهید مرتضی مطهری، بخش خود سازی؛ از سلسله مباحث معارف قرآن، استاد مصباح یزدی؛ و

کمال طلبی

«برای عبادات شریاطی وجود دارد که عبارتند از: شرایط صحت، قبول و کمال عبادت، غیر از شرایط صحت، شرایط «قبول» و «کمال» هم دارد؛ یعنی شریاطی که مراعاتش، انسان را به قرب خدا و رشد معنوی می رساند و در فرد و جمع، تأثیر می گذارد. گاهی عبادت، صحیح است، ولی رشدآور نیست؛ مثل دارویی که شفابخش نیست. گاهی عبادت، از کیفر می رهاند، ولی ما را محبوب خدا نمی سازد.» [۶] لذا لازم می آید تا نمازگزار به نحوی نماز بجا آورد تا خود را در محضر حضرت دوست حس نماید و این باعבודیت هرچه تمام تر امکان پذیر است. «پرستش و اطاعت ظاهری، اگر بدون تسلیم و پذیرش قلبی باشد، بی ارزش است. «بنده» باید تسلیم محض و بی قید

[صفحه ۲۷]

و شرط امر «خدا» باشد و در برابر فرمان الهی و دین خدا، سلیقه ها و خواسته های شخصی خود را کنار بگذارد و به نیش و نوش دیگران و خوش آمدن و بدآمدن مردم بی اعتنا باشد. این تسلیم محض و بی چون و چرا بودن، همان «عبودیت» است.» [۲] دوری از منیت و خودخواهی و تأکید بر خود حقیقی و ملکوتی و شناخت آن، ابزار و سرمایه وصول به حضرت حق می باشد. این وصول اظهار عبودیت در مقابل ذات احدیت بوده و باعث معناداری و آرامش زندگی می گردد. چگونگی روند ایجاد زندگی معنادار و آرام بدین قرار است:

برای تأمین زندگی معنادار و آرام باید هدفی والا را مدنظر قرار داد. مهمترین کاری که برای تأمین زندگی هدفدار لازم و ضروری است، احساس عمیق وابستگی به کمال است. این احساس وابستگی به کمال می تواند با صور گوناگون و طرق مختلف، در درون بشر فعالیت کند. در صورتی که انسان این احساس وابستگی به کمال را در یک کمال حقیقی اشباع نکند به طرف کمال خیالی و ساختگی کشیده شده و به پوچی منتهی می گردد.

استاد گرانقدر مرحوم علامه محمد تقی جعفری (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب نماز و نمازگزاران در این باره می نویسد:

- ۱- اگر انسان بخواهد در این دنیا با آگاهی و آزادی شخصیت انسانی زندگی کند... باید برای چنین زندگی حکمت و هدفی اعلا منظور بدارد...
- ۲- اساسی ترین کاری که برای تأمین زندگی هدفدار ضرورت دارد، به ثمر رساندن احساس عمیق وابستگی به کمال است که با تسلیم به آن و سر به

[صفحه ۲۸]

سجده نهادن در برابر آن، زندگی در هر فعالیت و هر پدیده ای که قرار بگیرد، دارای حکمت و معنای قابل تفسیر و توجیه می گردد.

۳- بدان جهت که احساس لزوم کمال جویی، فراگیرترین و عمیق ترین احساس است که در اشکال مختلف و با طرق گوناگون، در درون بشر فعالیت می کند؛ لذا هر انسانی که این احساس را در قرارگرفتن در جاذبیت کمال حقیقی اشباع نکند، باید آن را در کمال خیالی و تصنعی به پوچی بکشانند.

۴- از قضاای فوق به این نتیجه می رسیم که انسان برای قرار دادن زندگی خود در جاذبیت کمال بایستی بر یک حقیقتی تسلیم شود و در برابرش به زانو بیفتد و پیشانی برای سجده به آن بر زمین بگذارد. این تسلیم و سجده نه تنها احساس عمیق کمال گرایی را به بار می نشاند، بلکه پاسخ عملی برای چهار سؤال اساسی حیات (من کیستم؟ از کجا آمده ام؟ برای چه آمده ام؟ به کجا میروم؟) را نیز با کمال وضوح درمی یابد.» [۳].

«... انسان محتاج به ارتباط با الگو(خدا) و وجود بی نهایت بوده تا بتواند تکامل یابد. عدم ارتباط انسان با وجود بی نهایت و سرگردانی و سردرگمی بشر در این زمینه موجب میشود که انسان در سیر تکامل بسوی بی نهایت(نامحدود) نرود و در برخورد با مشکلات و گرفتاری های زندگی از آن وجود بی نهایت استمداد نطلبیده، سرخورده و بی هدف شود و یا هدف را فراموش کند. در صورتی که انسان وجود و الگویی محدود را به جای نامحدود انتخاب کند، از حرکت و تکامل باز می ماند و به هدف واقعی نمی رسد. اولاً؛ هیچ پیمودن و سیری نداریم که به سوی وجود

[صفحه ۲۹]

نامحدود (اگرچه نامحدود فرضی) نباشد، تا از آن وجود در سیر به طرف الگوها استمداد شود. ثانیاً: جز وجود نامحدود ذات پاک خداوند، هیچ وجودی قدرت آن را ندارد که خط سیر طولانی انسان را به سوی کمال رشد در بر بگیرد؛ ولی غیر از وجود نامحدود خدا، سایر معبودهای ساختگی و پوشالی به شکل های گوناگون موانع سر راه تکامل بشرند، و بشر را در چهار دیوار محدود خود، متوقف می سازند؛ بنابراین ارتباط با وجود نامحدود حق، یک نیاز ثابت است، و ترک سایر معبودهای پوشالی (و محدود که به جای نامحدود تصور می شوند) نیز یک نیاز ثابت است. و ثالثاً: برقراری ارتباط با وجود نامحدود خدا، جز از راه تعبیر و تلقین عملی که این ارتباط را پایدار و ثابت و دائم سازد، میسر نیست و این تعبیر و تلقین عملی همان «عبادت» است. [۴].

کمالی که در مطالب فوق به آن اشاره گردید، کمال مطلوبی است واحد، ذاتاً مطلوب، غیرتصنعی، عالم، عادل، کامل مطلق، زیبا و در یک کلام «الله» می باشد.

«کمال مطلق که وصول به فناء الله و اتصال به بحر غیر متناهی وجوبی است و شهود ازل و استغراق در دریای نور مطلق است، در نماز حاصل می شود.» [۵].

[صفحه ۳۰]

[۱] پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص ۵۳.

[۲] همان، ص ۳۹.

[۳] نماز و نمازگزاران، آیت ... جوادی آملی و استاد محمدتقی جعفری، ص ۳۲ - ۳۳.

[۴] نقش عبادت در سازندگی انسان، سید محمد باقر صدر، ترجمه محمد محمدی اشتهااردی صص ۶۱ - ۸۱ (نقل به معنی).

[۵] آداب الصلوة، امام خمینی (ره)، ص ۱۴۳.

شناخت شناسی، جهان بینی و ایدئولوژی

مبحث شناخت شناسی، جهان بینی و ایدئولوژی شامل سه قسمت می باشد:

شناخت شناسی در نماز

از جمله موضوعات بسیار مهم در هر مکتب، موضوع شناخت و شناخت شناسی آن مکتب است. شناخت شناسی، مقدمه و سنگ زیرین جهان بینی است. در اسلام عزیز، موضوع شناخت (معرفت) و شناخت شناسی دارای اهمیت

بسیار فراوانی است تا جایی که معرفت به حضرت حق و ذات یگانه و بی همتای او بالاتر از نماز و هر کار دیگری است.

در مبحث شناخت شناسی مسائل و سؤالاتی مطرح می شود که تعدادی از آنها عبارتند از.

۱- آیا جهان و موجودات، واقعیت دارند یا خیالی می باشند؟

۲- اگر موجودات واقعیت دارند، آیا قابل شناخت هستند؟

۳- اگر موجودات قابل شناخت می باشند، آیا به تمامی قابل شناخت هستند یا بعضی از قسمت های آنها غیر قابل شناخت و یا دیر شناخت هستند؟

۴- در صورتی که موجودات به تمامی قابل شناخت نباشند، علل دیرشناختی یا قابل شناخت نبودن آنها در چیست؟
الف . آیا علت آن، این است که ذهن انسان (فاعل شناسایی) ناتوان است؟

ب . آیا علت این موضوع عبارت از این است که موجودات جهان (موضوع شناخت) دست نیافتنی و یا دیرشناخت هستند؟

ج . آیا علت آن، این است که ابزارهای شناخت انسان ناقص هستند؟

[صفحه ۳۱]

در مقابل، مسائل و سؤالات مطرح شده را، نماز و اسلام به شیوه ای متین، استوار، مستدل و منظم پاسخ می دهد.

- در برابر بند اول پاسخ اسلام این چنین است

الف . در قسمت های مختلف نماز، نمازگزار به وجود دو نوع موجود مادی و غیرمادی، فیزیکی و متافیزیکی و یا جسم و روح اشاره دارد. نماز و اسلام، بنیان و جوهر حقیقی و اصلی هستی را ذات یگانه و بی همتایی می داند که جز او به هیچ وجود دیگری باور ندارد

ب . در سوره حمد می خوانیم «الحمد لله رب العالمین» و نوعاً در قنوت می خوانیم «ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و ...» این موارد بیان کننده وجود جهان واقعی است. زیرا خداوند را رب جهانی خیالی دانستن امری دور از ذهن، نامعقول و غیرممکن است. همچنین در قنوت که ما از خداوند سبحان نیکی در این دنیا را طلب می کنیم، خود دلیل خیالی نبودن و واقعی دانستن جهان است.

- در برابر بند دوم پاسخ این است که :

الف . شناخت و معرفت به حضرت حق و وجود والای بی همتا، نه تنها ممکن که شرط سلامت و ایمان و تنها راه رستگاری و هدف خلقت است.

ب . «دین عیسی و موسی(ع) هم که مانند اسلام پیرو دین فطری ابراهیم خلیل هستند، نمی توانند مخالف علم بوده باشند، زیرا آن دین الهی که می گوید: این جهان هستی و نوع انسانی آیات الهی بوده و باید آنها را درک کنید و بشناسید،...»[۱] و یا «دو رکعت نماز دانشمند بهتر است از هفتاد

[صفحه ۳۲]

رکعت نماز غیردانشمند.»[۲] و «هر رکعت نماز گزاردن پشت سر امام دانشمند برابر با هزار رکعت نماز می باشد.»[۳] و «رسول اکرم(ص) فرمود: خواب همراه با علم بهتر است از نماز همراه با جهل.»[۴] و یا فرمود: «مقدار اندکی از علم از مقدار زیاد عبادت بهتر است.»[۵] و همچنین «مولای متقیان(ع) فرمود: عبادتگر بی علم، همچون خر آسیاب است که همواره در یکجا می چرخد و گامی پیش نمی رود.»[۶] و مواردی از این دست، نشان دهنده قابل شناخت بودن جهان است.

- در برابر بند سوم چنین پاسخ داده می شود:

الف. شناخت و معرفت به یگانه بی همتا در همه ی ابعاد ممکن نیست که آن وجود والا فرمودند: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»[۷] می پرسند ترا از روح، بگو روح از امر پروردگارم است و داده نشدید از دانش مگر اندکی. شناخت صفات حضرت حق ممکن شرط و لازمه حرکت بسوی آن یار محبوب و معشوق است.

ب . شناخت و معرفت نسبت به اجسام و جهان و اسرار و رموز آن به تمامی امکان پذیر نیست. و یا دیر شناخت بوده و یا قابل شناخت نیست.

- در برابر بند چهارم پاسخ اسلام و نماز این است که:

الف . ذهن انسان توانایی آنرا ندارد که به طور کامل و همه جانبه و در همه ابعاد، وجود آن موجود والا، یگانه و بی همتا را بشناسد. حتی حضرت

[صفحه ۳۳]

ختمی مرتب محمد مصطفی(ص) نیز در این مورد فرمودند: حق ترا آنگونه که شایسته بود نشناختیم «ما عرفناک حق معرفتک». وجود آن موجود بی همتا و یگانه طوری نیست که بتوان به طور کامل آن را شناخت. میزان شناخت افراد نسبت به حضرت حق بستگی به میزان مجاهدت، ریاضت آنها در درک آن حقیقت ناب و میزان از خود بریدن و به خدا متصل شدن (و میزان عشق به آن زیبای مطلق) دارد.

ب. ذهن انسان آن قدرت را ندارد که بتواند تمام اسرار و رموز جهان هستی و موجودات (اجسام) را بشناسد؛ بلکه در هر زمان و دوره به میزانی از این اسرار و رموز آگاه می شود. این امر ناشی از این است که:

- جهان هستی دارای وسعت و گستردگی کمی و کیفی بسیار زیادی است و تمام جهات و ابعاد خود را در معرفی و شناخت انسان قرار نمی دهد.

- از طرفی، ابزار شناخت انسان ها یکسان نیست. از طرف دیگر این ابزارها قادر نیستند ذات اشیاء را بطور کامل، همه جانبه و در همه ابعاد هویدا سازند.

[۱] علم از دیدگاه اسلام، مرحوم استاد محمد تقی جعفری، ص ۱۳.

[۲] نهج الفصاحه، ص ۳۵۰، ش ۱۶۷۳.

[۳] محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۱۷ «از امام صادق(ع)».

[۴] بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۷.

[۵] همان، ج ۱، ص ۱۷۰.

[۶] غررالحکم، ص ۹۳، ح ۲۰۷۹.

[۷] سوره اسراء، آیه ۸۵.

جهان بینی نماز

«نماز بیان کننده جهان بینی و ایدئولوژی اسلام است.» [۱] «شناخت ما از جهان و هستی «جهان بینی» است.» [۲]

جهان بینی از مجموعه «هست ها» و «نیست ها»، «بودها» و «نبودها» سخن گفته تا تصویری کلی از جهان هستی برای ما بوجود آورد. تصویری که اساسی بوده و با مسائل جزئی سروکار ندارد. پس جهان بینی، شامل آگاهی های کلی و اساسی که ما درباره جهان داریم، می باشد.

مسائل اساسی و رؤوس هر جهان بینی متعدد است؛ ولی در اینجا فقط به شمه ای از آن اشاره می شود:

الف. آیا جهان و نظامات حاکم بر آن، زاییده خود جهان است یا موجودی والا، جهان و نظامات حاکم بر آن را بوجود آورده است؟

ب. اگر جهان و نظامات حاکم بر آن توسط موجودی والا و برتر بوجود آمده، دارای چه ویژگی هایی می باشد؟

ج. آیا انسان موجودی انتخابگر است و در این انتخاب کاملاً آزاد است و هیچ نوع محدودیتی برای او وجود ندارد؟

د. آیا انسان می تواند فقط با عقل و دانش خود زندگی خویش را از هر جهت اداره کند یا علاوه بر عقل و دانش نیاز به هدایت الهی نیز دارد؟

ه. اگر انسان محتاج هدایت الهی می باشد، این هدایت منقطع بوده یا همیشگی است؟

و. آیا جهان نسبت به کارهای انسان بی تفاوت است، عادل و ظالم و ... در برابر جهان یکسان است؟

ز. آیا زندگی انسان محدود به همین زندگی دنیوی است یا مرگ دروازه ی زندگی مجددی است؟

ح. آیا در آفرینش جهان و انسان هدفی در کار است یا نه؟ [۳].

در مقابل این مسائل و رؤوس مطالب، نماز به روشی شیوا، صحیح، دلنشین و زیبا پاسخی گویا و کامل دارد.

- در مورد بند «الف» نمازگزار در بیان جملات و عبارات نماز (در حمد،

[صفحه ۳۵]

سوره، تشهد، قنوت، تسبیحات اربعه و ...) به کرات شهادت بر وجود و یگانگی خداوند می دهد. همه این موارد نشان دهنده ی این مطلب است که نظامات حاکم بر جهان زاییده خود جهان نبوده؛ بلکه وجودی والا آنها را خلق و کارگردانی کرده و می کند. نمازگزار با قبول وجودی والا و شهادت بر یگانگی او در نماز، انواع توحید را به زبان جاری می کند. نمازگزار در سوره توحید (اخلاص)، توحید ذاتی را بیان می کند. «جمله ی «ولم یکن له کفوا احد» نشان دهنده توحید ذاتی است.» [۴] «در سوره حمد جمله ی «الحمد لله رب العالمین» و نوعاً در قنوت کلمه «ربنا» بیان کننده توحید ربوبی است توحید ربوبی جدا از توحید خالقیت نیست.» [۵] «هنگام برخاستن از سجده برای شروع رکعت بعد، ذکر «لا حول ولا قوة الا بالله» و یا «بحول الله و قوته اقوم و اقعده» نشان دهنده توحید افعالی است.» [۶] «کلمه طیبه «لا اله الا الله» بیش از هر چیز ناظر بر توحید عملی است.» [۷] «همچنین کلمه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بیان کننده توحید در عبادت (توحید عملی) است. «در روایت آمده است که: «رَحْمَنُ» همان کسی

است که به روزی بندگانش شدیداً متمایل است و مواد روزیش را از آنان بُرد؛ اگرچه آنان فرمانش نبرند.» [۸] که بیان کننده درجه توحید رازقیت است.

با توجه به اینکه کلمه طیبه «الله» جمیع صفات، ویژگیها و توانایی های خداوند سبحان را در خود جای داده، می توان ابراز داشت که، بکار بردن این

[صفحه ۳۶]

کلمه طیبه در نماز نشان دهنده بیان انواع و درجات توحید ذاتی و صفاتی و افعالی (ربوبیت، خالقیت، حکومت، تقنین، اطاعت، رازقیت، مالکیت، عبادت و...) در نماز بوده که نمازگزار آنها را بیان می کند.

- در مورد بند «ب» نمازگزار در مواردی چون: ابتدای سوره های حمد، اخلاص (توحید) و ...، با قرائت کلمه طیبه «بسم الله الرحمن الرحيم» و در سوره حمد با قرائت «الرحمن الرحيم» ویژگی های برترین وجود را به زبان جاری می نماید.

- در برابر بند «ج» در سوره حمد که جزء اصلی نماز است، نمازگزار می خواند: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» این مطلب گویای این است که نمازگزار به میل خود، آگاهانه و از روی انتخاب فقط خداوند سبحان را می پرستد و از او یاری می طلبد. البته دامنه آزادی نمازگزار کاملاً نامحدود نبوده بلکه حد و مرزی هم دارد. آنجا که نمازگزار در سوره حمد از خداوند طلب هدایت می کند، یا در قنوت از آن ذات اقدس تقاضاهایی دارد، یا با واجباتی در نماز مواجه می شود، همگی نشان دهنده حد و مرز آزادی عمل نمازگزار است.

- در مورد بند «د» شهادت نمازگزار بر رسالت پیامبر اکرم(ص) و صلوات فرستادن بر حضرت ختمی مرتبت در جای جای نماز، مؤید این مطلب است که در جهان بینی نماز انسان محتاج به هدایت الهی بوده و بدون آن نمی تواند زندگی خویش را از هر جهت اداره کند.

- در مورد بند «ه» اقرار نمازگزار بر ولایت حضرت علی(ع) و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد(ص) نشان دهنده این مطلب است که هدایت الهی منقطع نبوده؛ بلکه همیشگی است.

[صفحه ۳۷]

- در مورد بند «و» نمازگزار در سوره حمد می خواند «مالک يوم الدين» و به دنبال آن از خداوند سبحان تقاضا و درخواست دارد که جزو گروه مغضوبین و ضالین قرار نگرفته و در صراط مستقیم قرار گیرد. همچنین تأکیدی که بر بعد اخلاق در نماز می شود، مؤید این مطلب و موضوع است که جهان نسبت به کارهای انسان بی تفاوت نبوده، عادل و ظالم و ... در برابر جهان یکسان نیستند.

- در مورد بند «ز» نمازگزار در سوره حمد می خواند «مالک يوم الدين» که به معنی قبول اصل معاد است. علاوه بر این وقتی نمازگزار نوعاً در قنوت از خداوند رحیم چیزهای نیکو در آخرت را طلب می کند، به معنی آن است که زندگی انسان محدود به این جهان نبوده و مرگ پلی است برای ورود به جهان دیگر.

- در مورد بند «ح» یکی از اهداف خلقت انسان ستایش و عبادت خداوند سبحان است. در قرآن مجید آمده: «جن و انسان را نیافریدم مگر اینکه مرا پرستش کنند.» [۹] امیر مؤمنان حضرت علی (ع) فرمود: «هنگامی که انسان مشغول نماز است، بدن و لباسش و آنچه در اطراف اوست تسبیح خدا می گویند.» [۱۰] نمازگزار در سوره حمد با خواندن «ایاک نعبد» این هدف را تحقق می بخشد.

[۱] تفسیر نماز، محسن قرائتی، ص ۳۵.

[۲] جهان بینی اسلامی، استاد جعفر سبحانی، ص ۱۰.

[۳] جهت اطلاع بیشتر از رؤس جهان بینی به جهان بینی اسلامی، استاد جعفر سبحانی، ص ۱۱ - ۱۵ رجوع کنید.

[۴] جهان بینی اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۸۷.

[۵] جهان بینی اسلامی، استاد سبحانی، ص ۲۷۵ - ۲۷۷.

[۶] جهان بینی اسلامی، شهید مطهری، ص ۸۹ - ۹۰.

[۷] همان، ص ۹۲.

[۸] تفسیر فاتحه الكتاب، علامه امینی، ص ۳۳.

[۹] سوره زاریات، آیه ۵۶.

[۱۰] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۷.

ایدئولوژی نماز

همان طور که گفته شد، شناخت ما از جهان هستی، جهان بینی ما را تشکیل می دهد؛ در حالی که وظایف و تکالیفی که از این شناخت بر عهده می گیریم، «ایدئولوژی» می باشد. [۱] ایدئولوژی از

مجموعه «بایدها» و «نبایدها» سخن رانده تا رسیدن به هدف را میسر نماید. در واقع ایدئولوژی هم هدف (غیرغایی) را مشخص کرده و هم برنامه هایی را که برای رسیدن به آن هدف لازم است معین می کند. «نماز ایدئولوژی عملی مسلمان است که در آن عقاید، افکار، خواسته ها و الگوهای خود را بیان می کند.» [۲] نماز یک ایدئولوژی است؛ زیرا:

- نماز سیستمی از ایده ها و قضاوت های شفاف و صریح و سازمان یافته است که موقعیت نمازگزاران را توجیه، تفسیر، تشریح و اثبات می نماید. این سیستم می تواند باعث ظاهر شدن نیازها، آرزوها، تفکرات و احساساتی که احياناً تا کنون به صورت ناآگاه و یا نیمه آگاه باقی مانده اند گردد.

- این سیستم از ارزش هایی الهام گرفته و تأثیر پذیرفته و الگوی پیشنهادی برای کنش اجتماعی نمازگزاران ارائه داده است و کنش آنها را در جهتی معین و مشخص هدایت می کند.

- این سیستم، امکانی را به نمازگزاران می دهد تا موقعیت خود را بهتر معرفی نموده، درک کرده و اثبات نمایند. این ایدئولوژی برای نمازگزاران مشخص می کند که توسط چه افراد، گروه ها و یا عواملی به تضعیف یا انحراف کشیده می شود و چه افراد، گروه ها و یا عواملی به رشد و تعالی آن ها کمک می کند؛ برای مثال: افراد، گروه ها و عوامل تضعیف یا منحرف کننده عبارتند از: شیطان، مغضوبین، ضالین و معبودی غیر «الله» و و افراد، گروه ها و عوامل تقویت کننده و رشد و تعالی دهنده عبارتند از: خداوند سبحان، انبیاء(ع)، پیامبر گرامی(ص) و سایر معصومین(ع)، رهبران

[صفحه ۳۹]

دینی، پویندگان صراط مستقیم، مصلحان اجتماعی و... (در نمازهای جمعه به بهترین شکل این مسأله اتفاق می افتد). ایدئولوژی نماز دارای دو قسمت می باشد.

- قسمت ثابت و غیر قابل تغییر، آن قسمت از ایدئولوژی نماز است که شرایط و مقتضیات زمان و مکان روی آن اثر نمی گذارد.

- قسمت قابل تغییر ایدئولوژی نماز، آن قسمتی است که تحت تأثیر شرایط و مقتضیات زمان و مکان بوده و یا تحت تأثیر اراده افراد می باشد.

- در ایدئولوژی نماز، نمازگزاران درخواست ها و تقاضاهایی را از خداوند دارند؛ برای مثال: در سوره حمد، هدایت در صراط مستقیم و یا در قنوت این درخواست ها و تقاضاها منافی را برای نمازگزاران دارد. وجود رابطه بین منافع نمازگزاران با ایدئولوژی، حالات روانی خاصی را می تواند در آنان بوجود آورد. «... حالات روانی را می توان اساساً به دو دسته تقسیم کرد؛ اول: حالاتی که ممکن است اضطراب آمیز و نگران کننده باشند. ... حالات اضطراب ممکن است شدید باشند و به صورت نوعی ترس شدید و ناگهانی و دلهره آور درآیند. حالات یاد شده فوق معمولاً ایدئولوژی ئی از نوع محافظه کارانه یا ارتجاعی را بوجود می آورند. حالات روانی همچنین می توانند به صورت تهاجمی و خشن ظاهر شوند. ... این حالات تهاجمی بر خلاف حالات اضطراب، باعث بوجود آمدن ایدئولوژی بی از نوع اصلاح طلب یا انقلابی می گردند.» [۳] ایدئولوژی نماز با توجه به تأکید بر مفاهیمی چون: رحمان و رحیم بودن خداوند سبحان و اصل توحید در

[صفحه ۴۰]

اسلام و آرامش و اطمینان قلبی که برای نمازگزاران ایجاد می شود، از بروز ترس شدید و دلهره بی مورد جلوگیری می نماید؛ در نتیجه نماز یک ایدئولوژی محافظه کارانه یا ارتجاعی نیست. در ایدئولوژی نماز با توجه به نفی غیرالله و صف بندی در مقابل آن، و دوری از ضالین و مغضوبین، بصورت یک ایدئولوژی اصلاح طلب و یا انقلابی خود را مطرح می کند. در مواردی، ایدئولوژی نماز و اسلام طرحی اصلاح طلب برای تغییر وضع موجود و تبدیل آن به وضع مطلوب دارد؛ مثل: آزاد کردن برده به عنوان نوعی مجازات، کمک به نیازمندان و فقرا. ایدئولوژی نماز و اسلام در مواردی طرحی انقلابی و دفعی برای دگرگونی وضع موجود و تبدیل آن به وضع مطلوب دارد؛ برای نمونه می توان کلمه «لا» قبل از «... اله الا الله» را که نشان دهنده تصمیم قطعی و دفعی فرد نمازگزار در نفی معبودهای غیر واقعی است، ذکر نمود. متناسب با نوع و فاز جامعه، ایدئولوژی نماز (قسمت قابل تغییر آن که قبلاً بیان شد) می تواند حالات متفاوتی به خود بگیرد. در جامعه ای که فاصله بسیار زیادی تا جامعه مطلوب اسلامی دارد؛ تأکید بیشتر بر تغییر وضع موجود می باشد؛ ولی در جامعه ای که فاصله زیادی تا جامعه مطلوب اسلامی ندارد، تأکید بیشتر بر حفظ وضع موجود است. به بیان دیگر جنبه هایی از جامعه که با مطلوب های اسلامی فاصله زیادی دارند، تأکید بیشتر بر تغییر وضع موجود بوده و جنبه هایی از جامعه که با مطلوب های اسلامی فاصله نداشته و بر یکدیگر انطباق دارند، تأکید بیشتر بر حفظ وضع موجود است.

در واقع ایدئولوژی نماز هم جنبه انقلابی و هم جنبه ترقی خواهانه و اصلاح طلب دارد.

[صفحه ۴۱]

جنبه انقلابی آن مربوط به نفی الهه ها و عدم پذیرش قطعی معبودهای غیرواقعی و دوری از رذایل اخلاقی و ... بوده و جنبه اصلاح طلب و ترقی خواهانه آن مربوط به تقاضای نمازگزاران از خداوند سبحان برای مواردی چون هدایت می باشد. همچنین جنبه های انقلابی و یا اصلاح طلبانه ایدئولوژی نماز می تواند مربوط به مطالبی باشد که در نمازهای جماعت و جمعه به شکل خطبه ها و سخنرانی ها بیان می شود.

- ایدئولوژی نماز باعث بوجود آمدن «مای نمازگزار» می شود. این ایدئولوژی، مسلمانان را به گردهمایی در مکانی واحد برای انجام نماز فرامی خواند؛ جایی که نمازگزاران می توانند همدیگر را بشناسند و آن مکان به آنها روحیه و احساسی قوی و استوار ارائه دهد. این ایدئولوژی «مای نمازگزار» بوجود آمده را از یک طرف باز قرار می دهد تا هر فرد مسلمان بتواند در آن شرکت نماید و با دیگر نمازگزاران اتحاد برقرار نماید، و از طرف دیگر «مای نمازگزار» بوجود آمده را بسته قرار می دهد تا مرزبندی مشخصی را بین نمازگزاران و غیرنمازگزاران، مسلمانان و غیرمسلمانان بوجود آورد. ایدئولوژی نماز بین کسانی که با «مای نمازگزار» بستگی و همبستگی دارند و کسانی که نمی توانند با «مای نمازگزار» باشند تمایز قائل می شود.

- ارزش هایی که ایدئولوژی نماز بر آنها استوار است و به آنها متکی شده اند در «مای نمازگزار» متبلور و متجلی می گردند. به بیان دیگر، بر عهده نمازگزاران است ارزش هایی که مبنای ایدئولوژی نماز می باشند متجلی و متبلور نمایند. ارزش هایی که مبنای نماز قرار می گیرد عبارتند از توحید، نبوت، ارزش هایی که مبنای فضایل اخلاقی معرفی شده اند و ...

علاوه بر باور داشتن ارزش هایی چون توحید، نبوت، عمل نمودن به آنها

[صفحه ۴۲]

به معنی تجلی و تبلور این ارزش ها در «مای نمازگزار» است.

از طرف دیگر لازم به ذکر است گفته شود که، فضایل و کمالاتی که در تعالیم اسلامی مطرح می شوند در عین تعدد و تفاوت‌های موجود، در معنی همه صفاتی مرتبط به هم و دارای وحدت و هماهنگی هستند. در واقع همه کمالات و فضایل اخلاقی، صفات و حالاتی هستند که نتیجه توجه به حضرت حق و سیر و حرکت به سوی آن مبدء نور و کمال است. رذایل اخلاقی هم با وجود تعدد و اختلاف، نتیجه توجه و علاقه به دنیا و فراموشی و غفلت از خدا است. به بیان دیگر می توان گفت، همه فضایل اخلاقی از یک سو و همه رذایل اخلاقی از سوی دیگر، هر کدام دارای خاستگاه واحدی بوده، هدف واحدی را دنبال می کنند. در نتیجه می توان گفت که هر کدام از رذایل اخلاقی و فضایل اخلاقی در عین کثرت دارای وحدتی هستند (وحدت در کثرت) در صورتی که فضایل اخلاقی در بین مردم نمازگزار (به نیت خلوص و قصد قربت) مراعات شود، نشان دهنده تجلی و تبلور این ارزش ها در «مای نمازگزار» است.

- در ایدئولوژی نماز گاهی ارزش های جدید و نوی بوجود می آید. این ارزش ها ممکن است ارزش های خفته ای باشند که در قالب یک ایدئولوژی یا دنباله ایدئولوژی قبلی ظاهر شوند؛ به عنوان مثال: شهادت دادن بر ولایت و حجت مولای متقیان(ع) در اذان و یا این ارزش های نو، مفهوم خاصی به خود می گیرند که قبلاً به صورت ضمنی وجود داشته است. به عنوان مثال: نوع دعا‌هایی که در قنوت خوانده می شود. «مرحوم ملکی تبریزی(ره) در

[صفحه ۴۳]

قنوت بعضی از اشعار حافظ را می خواند».[۴] و یا این ارزش های نو و جدید همان ارزش های قبلی است که ایدئولوژی نماز آنها را در قالب جدیدی بیان نموده است؛ به عنوان مثال: تغییر تعداد رکعت های بعضی از نمازهای یومیه در زمان پیامبر اکرم(ص) یا این ارزش های نو، همان ارزش های قدیمی است که در زمان متفاوت دیگری با ترکیب و ترتیبی متفاوت در سیستمی نو از قضاوت و ایده هایی جدید انطباق حاصل می کند؛ به عنوان مثال: دوری از مغضوبین و ضالین امروزی مانند استکبار جهانی و ایادی آن.

- ایدئولوژی نماز، آنچه که وجود دارد را مورد قضاوت قرار داده و به شرح و توصیف آن می پردازد؛ به عنوان مثال: والاترین وجود، یعنی وجود خداوند سبحان است که نمازگزار وی را تأیید و مورد ستایش قرار داده و در مواردی چون سوره توحید به توصیف او می پردازد؛ همچنین در مورد پیامبر اکرم(ص)، مولای متقیان حضرت علی(ع) و صالحین به همین منوال است.[۵] .

- ایدئولوژی نماز با انتخاب خط مشی مشخص و داشتن هدف هایی غایی و ارائه راه هایی برای رسیدن به آن اهداف، نمازگزاران را بسوی خود می خواند؛ نمازگزارانی که دارای اختیار بوده و با میل خود به سوی نماز می روند. این ایدئولوژی سعی می کند نمازگزاران را بعنوان انسان هایی فعال و نه منفعل، سهیم در روند تاریخ نموده طوری که سرنوشت خود را در دست بگیرند.

[صفحه ۴۴]

- با توجه به بند فوق، ایدئولوژی نماز خصوصیتی سیاسی هم دارد خصوصاً زمانی این مسأله آشکارتر می شود که نمازگزاران چه به صورت نمازهای جماعت یا نماز فردی، ابتدا باید ولایت حق، ولایت پیامبر اکرم(ص) و سایر امامان معصوم(ع) را قبول داشته و سپس به اطاعت از ولی امر و پیروی از مراجع عظام بپردازند. این خصوصیت سیاسی ایدئولوژی نماز (قسمت قابل تغییر آن) متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی می تواند وضعیت خاصی بخود بگیرد. زمانی که در یک جامعه، نمازگزاران قدرت سیاسی را در اختیار دارند، نحوه عمل خاصی دارند که متمایز و متفاوت است با نحوه عمل نمازگزاران در جامعه ای که قدرت سیاسی در اختیار غیرنمازگزاران است.

- ایدئولوژی نماز، آینده احتمالی دور و نزدیک را مشخص می کند؛ بطوری که برخی مصداق های آن عبارتند از: دوری از فحشا و منکرات، اطمینان قلبی، آرامش درونی، پاداش نیک، رستگاری

- ایدئولوژی نماز مفاهیم بسیار پرمغز، وزین و قابل درک برای عرفا، علما و افراد آگاه را به زبان و مفاهیمی ساده، شفاف و قابل درک برای عموم نمازگزاران بیان می کند.

- ایدئولوژی نماز مربوط به نمازگزاران و مسلمانان بوده ولی برای گروه خاصی نیست و جنبه جهانی داشته و یا بهتر است گفته شود برای همه انسان هاست. هر انسانی که تمایل دارد می تواند مفاهیم آن را قبول کرده و اعمال آن را انجام دهد. شعار این ایدئولوژی اتحاد، برادری و برابری مسلمانان زیر لوای پرچم «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله(ص)» می باشد.

[صفحه ۴۵]

[illegible]

می تواند پیدا کند.» [۸] نماز آهنگ‌رهایی از روزمرگی بودن است. گرفتاری‌های زندگی، اشتغالات ذهنی و فرورفتن در دنیا باعث می‌شود که انسان گذر عمر و ایام و توجه به اهداف واقعی را فراموش کند. عامل یا عواملی مورد نیاز است تا انسان را از فرورفتن در دنیا و گرفتاری‌های زندگی برهاند؛ یکی از بهترین عوامل برای رهایی انسان از دنیازدگی و بی‌توجهی به اهداف، نماز می‌باشد.

از او تعهد می خواهد، به روز و شبش معنا می دهد و از گذشت لحظه ها حساب می کشد، در آن هنگام که او مشغول و بی خبر از طی زمان و انقضای عمر است او را می خواند، به او می فهماند که روزی گذشت، روزی آغاز شد، باید فعالیت کنی، مسئولیتی بزرگتر بر عهده بگیری و کار مهمتری انجام دهی؛ به دلیل آنکه بخشی از عمر، از فرصت عمل، به سر آمد باید بیشتر تلاش کرد و پیشتر رفت؛ زیرا هدف بزرگ است مگر تا وقت نگذشته به آن دست یافت» [۹] .

[صفحه ۴۷]

«انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر، محتاج تر.» [۱۰] .

[۱] ر. ک به جهان بینی اسلامی ، استاد سبحانی، ص ۱۰.

[۲] تفسیر نماز ، محسن قرائتی ، ص ۳۵.

[۳] تغییرات اجتماعی، ترجمه دکتر وثوقی، ص ۱۰۰ - ۱۰۱.

[۴] ر. ک به ، نماز نشانه حکومت صالحان، ص ۱۰۲ - ۱۰۳.

[۵] پیامبر اکرم(ص) به عنوان بنده و رسول خدا، حضرت علی (ع) به عنوان ولی خدا، و در انتهای نماز سلام بر صالحین فرستاده می شود و

[۶] جهانی از خود بیگانه، اریک فروم، ص ۱۰۰.

[۷] سوره اسراء، آیه ۴۴.

[۸] احیای فکر دینی، اقبال لاهوری، ص ۱۰۵.

[۹] از ژرفای نماز ، مقام معظم رهبری، ص ۱۰.

[۱۰] نماز نشانه حکومت صالحان ، ص ۱۳.

تاریخچه نماز

نماز عبادتی است که در تمام ادیان الهی وجود داشته و به آن توصیه شده است. «در مورد سابقه تاریخی نماز در روایتی چنین می خوانیم: «هی آخر وصایا الانبیاء» از این روایت می توان استفاده کرد که تمامی یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر الهی، با نماز مأنوس و سفارش کننده به آن بوده اند.» [۱] حتی در ادیان غیر الهی که توسط انسان ها بوجود آمده، وجود داشته است. [۲] هرچند در ادیان گوناگون نماز به شکل ها و در زمان ها و مکان ها، متفاوت

و به میزان تعداد رکعت ها مختلف برگزار می شده؛ ولی در همه ادیان سابقه داشته است. در اسلام هم با تغییراتی که در مواردی چون تعداد رکعت ها و شکل آن بوجود آمده؛ برگزار گردیده است.

در اسلام نماز متناسب با اموری از قبیل: زمان، مکان، شرایط و موقعیت فردی، اجتماعی به شکل های متفاوت برگزار می گردد. [۳] ذیلآ به آدرس آیات و روایاتی که در مورد وجود نماز در شرایع مختلف و اقامه آن توسط پیامبران(ع) آمده، اشاره می شود:

حضرت عیسی(ع) (سوره مریم آیه ۲۹)، حضرت موسی(ع) (سوره طه آیه ۱۴)؛ حضرت نوح(ع) (بحارالانوار ج ۱۱ ص ۳۳۳) و حضرت ابراهیم(ع)

[صفحه ۴۸]

(سوره ابراهیم آیه ۳۷) نماز را برپا داشته و سعی در گسترش آن داشتند. همچنین سایر انبیاء(ع) و بزرگان مانند، حضرت اسماعیل(ع) [۴] ، حضرت اسحاق، یعقوب و لوط(ع) [۵] ، حضرت زکریا(ع) [۶] ، حضرت ایوب(ع) [۷] ، حضرت سلیمان(ع) [۸] ، حضرت یونس(ع) [۹] ، حضرت شعیب(ع) [۱۰] ، حضرت داوود(ع) [۱۱] ، حضرت لقمان(ع) [۱۲] ، حضرت خضر(ع) [۱۳] ، حضرت ذوالکفل(ع) [۱۴] ، حضرت صالح(ع) [۱۵] ، حضرت ادریس(ع) [۱۶] ، حضرت شیث(ع) [۱۷] ، حضرت آدم(ع) [۱۸] ، و ... از اقامه کنندگان نماز بودند.

[صفحه ۵۱]

[۱] پرستش آگاهانه، دکتر محمدرضا رضوانطلب، ص ۶۸.

[۲] ادیان زنده جهان ، رابرت ا. هیوم ، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی.

[۳] ر.ک به کتاب نمازهای مستحبی، نوشته عباس عزیزی.

[۴] مریم، آیه ۵۴.

[۵] انبیاء، آیه ۷۳.

[۶] آل عمران ، آیه ۳۸.

[۷] بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

[۸] همان، ج ۱۳، ص ۹۹.

[۹] مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۹.

[١٠] هود، آیه ٨٧.

[١١] بحار الانوار، ج ١٤، ص ٢٠.

[١٢] لقمان، آیه ١٧.

[١٣] بحار الانوار، ج ١٣، ص ٣٣٠.

[١٤] همان، ج ١٢، ص ٤٠٧.

[١٥] همان، ج ١١، ص ٣٨٣.

[١٦] همان، ج ١١، ص ٢٨٠.

[١٧] همان، ج ١١، ص ٢٦٣.

[١٨] همان، ج ١١، ص ١٩٦.

مبنای تئوریک نماز

نماز بالاترین و والاترین عبادت بوده که «ستون دین» [۱]، «پرچم اسلام» [۲]، «صورت و حقیقت دین» [۳]، «زینت اسلام» [۴] و «بیان کننده تمام دین است.» [۵] نماز عبادت جامعی است که «تمام عبادات و فروع دین را به نوعی در خود جا داده.» [۶]، «در قرآن از نماز به ایمان تعبیر شده است.» [۷]، «تنها از نماز است که به قرآن تعبیر شده» [۸]، «پیامبر اکرم (ص) از نماز به «طهر» و پاکی تعبیر نموده [۹]، آنرا «نور مؤمن» [۱۰] و «مهریه حورالعین» [۱۱] می داند. «اهمیت نماز در اسلام تا بدان جا است که در دو کتاب حدیث معتبر مکتب شیعی

[صفحه ۵۲]

(وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل) که شامل شصت هزار روایت می باشد، بیست هزار روایت از آن مربوط به نماز است. [۱۲] همچنین «در قرآن کریم درباره «خمس» یک آیه، درباره «روزه» ۱۳ آیه، درباره «حج» ۱۸ آیه و درباره «زکات» ۳۳ آیه آمده» اما «خداوند مهربان درباره نماز بیش از ۱۲۲ آیه نازل فرموده و اهمیت و احکام و مسایل مهم نماز را بیان کرده است.» [۱۳].

«نماز صحبت کردن با خدا و همنشین شدن با اوست.» [۱۴] نماز به یاد خدا بودن و او را حاضر و ناظر بر اعمال خود دانستن است. سیر و سفر و عروج به سرزمین نور [۱۵] و کم کردن دوری از محبوب است.

[۱] تهذیب الاحکام، ص ۲۳۷، ح ۹۳۶.

[۲] کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۸۷.

[۳] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۶.

[۴] مصباح الفلاح، محمد جواد گلپایگانی، ص ۱۷۳.

[۵] پرستش آگاهانه، ص ۸۱ - ۸۲ و راز نماز، علی دوانی، ص ۴۴.

[۶] هزار و یک نکته، آیت...حسن زاده آملی، ص ۱۰۰، نکته ۱۰۲.

[۷] نورالتقلین (تفسیر)، ج ۱، ص ۱۳۶.

[۸] سوره اسراء، آیه ۷۸ و نماز نشانه حکومت صالحان، ص ۴۸ و صد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۹۵.

[۹] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۵.

[۱۰] مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۳.

[۱۱] مصباح الفلاح، ص ۱۷۲.

[۱۲] نماز بهشت خلوت انس، ص ۶۵.

[۱۳] جلوه های نماز در قرآن و حدیث ، ص ۱۲.

[۱۴] غرالحکم، ص ۴۰۴ ، حدیث ۲.

[۱۵] ر . ک به اسرار نماز (معراج سالکین و صلوة العارفين)، ص ۶ - ۱۶ ، و معراج المؤمن، سید محمد تقی مقدم، ص ۲.

آثار نماز

نماز باعث آرامش دل، کوچکی غیر خدا، صداقت و اخلاص می شود. «نماز کرامت نفس به انسان عطا می کند و آنچنان روح بزرگی به انسان می دهد که ثناگوی غیر خدا نمی شود.» [۱] نماز باعث زنده ماندن و تقویت دین، حافظ قرآن [۲] ، گسترش دهنده شعور اجتماعی، عامل بالندگی فردی و جمعی نمازگزاران و ایجاد کننده قدرت فردی و جمعی در نمازگزاران می باشد. نماز، بخصوص بصورت جماعت انسجام دهنده اجتماع است. نماز ایجاد کننده هویت برای نمازگزار بوده، وسیله برائت از مشرکین [۳] و

[صفحه ۵۳]

ایجاد کننده جنبش اجتماعی است. نماز وسیله ای برای برقراری قسط و عدل بوده و مردم را به قسط و عدل ارشاد می نماید. (اگر عدالت را به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خود که استعداد آنرا داشته و شایسته آن است، بدانیم؛ در این صورت ستایش خداوند سبحان و شهادت بر رسالت حضرت محمد(ص) و همچنین عدم پذیرش الهه ها و قبول رب واقعی عالمین و تقاضا از او برای هدایت در صراط مستقیم و مواردی از این دست، نوعی عدالت است. شرکت در نماز جماعت و آگاه شدن از مشکلات مردم بخصوص ضعفا برای برقراری عدالت است. امام جماعت با بیان خطبه های خود، مردم را ارشاد نموده، باعث بالا رفتن آگاهی و شعور اجتماعی مردم و مطلع شدن آنها از گرفتاری ها و مشکلات هم کیشان خود و به دنبال آن رفع آن گرفتاری ها و مشکلات می شود؛ از این جهت نماز وسیله اقامه قسط و عدل، و ارشاد به آن می باشد.)

نماز فرایندی است که انسان را از خودخواهی به خداخواهی هجرت می دهد [۴] ، «نماز (بخصوص بصورت جماعت) بر افکار عمومی تأثیر گذاشته ، در شکل گیری اعتصابات، تحریم و تظاهرات ، تأثیر فراوانی دارد.» [۵] ، نماز وسیله ایجاد منزلت اجتماعی برای نمازگزار است.

نماز عامل جامعه پذیری است. نماز بصورت مستقیم و غیرمستقیم در جریان جامعه پذیری افراد تأثیر می گذارد. تأثیر مستقیم نماز در جامعه پذیری بدین صورت است که نمازگزاران با پذیرش و درونی ساختن ارزش های موجود در نماز، رفتاری مطابق با انتظارات جامعه اسلامی از خود بروز

[صفحه ۵۴]

می دهند. تأثیر غیرمستقیم نماز در جامعه پذیری بستگی به میزان تأثیر نماز و دین در سایر نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه دارد. با توجه به تأثیر فراوان نماز و دین در نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه اسلامی، می توان بیان نمود که نماز تأثیری بنیادی در نهادها و نظام های اجتماعی جامعه داشته و به همین میزان، نماز تأثیر غیرمستقیم فراوانی بر جامعه پذیری افراد دارد.

علاوه بر اینها، نماز وسیله ای برای تعلیم، تعلم و آموزش است. «نمازگزار اگر بخواهد نمازش صحیح باشد باید یک سری آموزش هایی را ببیند، آموزش کلمات عربی قرآن، آموزش احکام، آموزش قبله، آموزش تطهیر و غسل و وضو، آموزش شرایط نماز، مقدمات آن و ...» [۶] چون نماز با تفکر و تعمق و علم بهتر از نماز بدون تفکر و تعمق است، پس نماز باعث گرایش به علم و علم آموزی می شود. نماز وسیله ای برای دوری از زندگی نکبت بار است. «نماز ذکر خداوند است و کسی که از ذکر خداوند اعراض کند زندگی نکبت باری دارد.» [۷].

«نماز وسیله کنترل اجتماعی است. از نماز می توان به عنوان اهرم فشار و تنبیه اجتماعی استفاده کرد. قرآن می فرماید به جنازه فراریان از جبهه نماز نخوانید.» [۸].

نماز راهی برای خداشناسی است. این خداشناسی (البته آن هم تا حد و میزانی) مقدمه ای دارد که آن خودشناسی است. [۹] نماز بیمه کننده انسان در برابر حوادث است. انسان ها در طول زندگی در مقابل حوادث تلخ و شیرینی

[صفحه ۵۵]

قرار می گیرند که آن حوادث می تواند باعث درماندگی و یا غرور شود. نماز می تواند جلو این درماندگی و غرور را بگیرد. با خواندن نماز و تکرار آن بطور مرتب روحیه ای به انسان دست می دهد که در برابر حوادث زندگی مقاوم می گردد.

«نمازهای مرتب، انسان را در برابر حوادث تلخ و شیرین بیمه می کند.» [۱۰] نماز نوع رابطه کشور ما را با کشورهای دیگر سمت و سو می دهد. سیاست خارجی ما را در نماز، یکی جمله «غیر المغضوب علیهم» تعیین می کند و یکی «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» [۱۱] لباس، طرز پوشش، آرایش و ظاهر فرد تا حدی بیان کننده وقار، شخصیت، اعتبار و منزلت وی می باشد. نماز در این بین می تواند عاملی مهم در مرتب بودن، پاک بودن، معطر و شیک بودن انسان گشته و وقار، شخصیت، اعتبار و منزلت خاصی را به نمازگزاران بدهد. نماز تمرینی است برای اطاعت از رهبر؛ آن هم رهبری با خصوصیات و مشخصات قید شده در متون اسلامی. یکی از شرایط نماز صحیح، قبول و پذیرش ولایت و قرار گرفتن در صراط مستقیم است. «صراط مستقیم، راه خدا است.» [۱۲] ، «راه انبیاء است.» [۱۳] ، «راه بندگی خدا است.» [۱۴] و «توکل و تکیه بر خداوند است.» [۱۵] .

تجلی صراط مستقیم در قبول و پذیرش ولایت حضرت علی (ع) و امامان معصوم (ع) می باشد؛ برای نمونه به علل زیر می توان اشاره نمود: ۱- «فردی از امام زین العابدین (ع) پرسید: چه چیزی سبب قبولی نماز

[صفحه ۵۶]

- است؟ حضرت فرمود: ولایت (دوستی و پیروی از) ما و بیزاری از دشمنان ما.» [۱۶] .
- ۲- «انسان نمازگزار با گفتن جمله «اشهد ان علیاً ولی الله» در اذان و با قرائت آیه «اهدنا الصراط المستقیم» در نماز، به امامت ائمه (ع) اقرار می کند و شهادت می دهد.» [۱۷] .
- ۳- نماز با ولایت و رهبری معصومین (ع) ارتباطی مستقیم دارد. در سوره «حمد» که می گوئیم «اهدنا الصراط المستقیم» یعنی: خداوندا! ما را به راه امامان معصوم (ع) هدایت کن و پیرو امامت و دوستدار ولایت گردان. امام صادق (ع) می فرماید: مراد از «صراط المستقیم» امیرالمؤمنین علی (ع) است. و امام سجاد (ع) می فرماید: صراط مستقیم ما ائمه ایم. [۱۸] .
- ۴- «نماز بدون شناخت امام معصوم (ع) و بدون پیروی از او بی فایده است، آنها که برای کشتن امام حسین (ع) به کربلا رفته بودند همه تارک الصلوة نبودند؛ بلکه نماز جماعت می خواندند و خود یزید و معاویه پیشنماز بودند.» [۱۹] .

۵- «کدام نماز است که سخن از علی (ع) و اولاد علی (ع) در آن نیست؟ کدام نماز است که در آن تشهد نیست؟ در تشهد یکی از واجباتش این است که بگوییم «اللهم صل علی محمد و آل محمد» این در متن عبادت ماست. در کنار شهادتین درود بر این خاندان در متن عبادت است.» [۲۰].

[صفحه ۵۷]

۶- «رسول خدا (ص) فرمود: کسی که نماز بخواند و در آن بر من و اهل بیت صلوٰات نفرستد نمازش پذیرفته نمی شود.» [۲۱].

نماز (بخصوص نماز جماعت) باعث هم سویی و هم جهتی نمازگزاران و منظم شدن آنها (از جهت زمان و در صف بودن و هم در سایر اعمال نماز) می گردد. نماز دارای تأثیرات بهداشتی فراوانی است.

الف . بهداشت جسمی : تأثیرات بهداشتی (جسمی) وضو گرفتن بر کسی پوشیده نیست. بخصوص اگر به این امر توجه کنیم که تکرار وضو هم در اسلام توصیه شده. [۲۲] وصیت پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) مبنی بر اینکه «هر نماز با مسواک، برابر است با نماز چهل روز بدون مسواک.» [۲۳] و «مولای متقیان (ع) فرمود: بر تو باد مسواک زدن پیش از وضوی هر نماز.» [۲۴] یک عامل تشویقی برای رعایت بهداشت دهان و دندان می باشد. «نمازگزاری که می داند هر رکعت نماز با مسواک، برابر با هفتاد رکعت بدون مسواک است، مسواک زدن را رها نمی کند.» [۲۵].

نمازگزاری که می داند باید بخصوص هنگام نماز پاک باشد در فکر حمام کردن و بهداشت فردی می افتد و هم به فکر ضرورت حمام و ساختن آن بوده و بهداشت را برای دیگران ایجاد می کند. نمازگزاری که می داند عالم محضر خداوند سبحان است و می داند در موقع نماز باید خداوندی را

[صفحه ۵۸]

عبادت کند که زیبا بوده و زیبایی را دوست دارد؛ خداوندی که در جمیع جهات بهترین است، پس با رعایت نکات بهداشتی در مقابل معبود خود قرار می گیرد. این نمازگزار مسجد را پاک نگه داشته و در رعایت بهداشت در مسجد می کوشد.

ب. بهداشت روانی : نماز باعث آرامش روانی، اطمینان قلبی، سرور و شادمانی نمازگزاران می شود. [۲۶] تأثیر وضو و نماز بر تخفیف تشنجات روانی تا آنجاست که «پیامبر اکرم(ص) فرمود: هرگاه یکی از شما خشمگین شد وضو بگیرد.» [۲۷] و «ابن عباس می گوید: هرگاه رسول خدا (ص) از کاری محزون می شد به نماز پناه می برد.» [۲۸]، «رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه کار بر پیامبران الهی سخت می شد و بیمناک و اندوهگین می شدند به نماز پناه می بردند.» [۲۹].

دانش نوروفیزیولوژی (Neurophysiology) و شاخه های مختلف آن از جمله نوروسایکولوژی (Neuropsychology) که به بررسی کارکرد سیستم عصبی می پردازد، به پیشرفت های چشمگیری نایل آمده است. یکی از مباحث جالب که در این دانش مطرح شده این است که بخشی از حواس که در سرتاسر بدن وجود دارد و به «حواس پیگیری» معروف هستند با قسمتی از قشر خاکستری مغز (یعنی قشر حسی) در ارتباط است. این قشر حسی شکل یک آدمک را داراست و آن را آدمک حسی (homonculus Sensory)

[صفحه ۵۹]

نامیده اند. صورت و دستها و کف پای این آدمک حسی بسیار بزرگ بوده و تنه و ران و ساق پای کوچکی دارد. تعداد گیرنده های حسی صورت و دستها در انسان بسیار زیاد است. در نتیجه وضو گرفتن حدود ۲۰٪ از سطح بدن مرطوب میشود (کف دستها، داخل دهان، صورت، ساعدها، جلو سرو روی پاها) ولی گیرنده های حسی این مناطق اینقدر زیاد هستند که قسمت بسیار بزرگی از آدمک حسی را تحریک می کنند و هوشیاری انسان را به سطح بالایی می رسانند. شرع مقدس اسلام با سهل ترین عمل و کمترین زحمت (وضو) بیشترین نشاط، قدرت تمرکز و توجه کافی را با بهترین، بی خطرترین، بهداشتی ترین و خوشایندترین وسیله یعنی آب ایجاد می کند. البته اینها یک وجه از اغراض و اهداف وضو هستند و مطمئناً در وضو نکات و ظرایفی دیگر مانند اهداف معنوی و تربیتی نیز تربیتی نهفته است. نمونه این موارد را می توان در کلمات، مفاهیم و معانی که ضمن وضو می توان بیان نمود، ذکر کرد. [۳۰]

(ذکر و یاد خدا و تقاضا و درخواست نمودن از خداوند موقع وضو)

نماز باعث پیدایش و ساخت مساجد شده و به دنبال آن زمینه بروز هنرهایی در این مورد می شود مانند سبک معماری، کاشیکاری، گچ بری، آینه کاری، مقرنس و...؛ هنرهایی که دارای شهرت جهانی است. حضرت محمد (ص) فرمود: «نماز وسیله آبادی مساجد و زینت شهر است.» [۳۱] ، «فکر و فرهنگ نماز، مسأله مسجدسازی، موقوفات، هنرمعماری و تعاون مردمی

[صفحه ۶۰]

در بنای مسجد، اتفاق و ایثار مال و جان در تأسیس آن را در جامعه بوجود می آورد.» [۳۲] نماز گسترش دهنده هنر عظیم معماری در ایران، رشد کاشیکاری و هنرهای مربوط به آن گردیده است. نماز باعث ایجاد مساجدی شده که برای مسلمین افتخارآمیز بوده. نماز باعث شکل دهی به معابر و ساختمان ها می شود. «در جهت گیری خانه ها و شهرسازی مسأله قبله و نماز را فراموش نکنید.» [۳۳] نماز تأثیرات فراوانی را در دوست یابی دارد؛ آن هم دوستان خوب و ارزشمند.

«کسانی که به مسجد میروند برای بندگی خدا می روند. حيله ها و ناز و کرشمه ها و خودنمایی ها را کنار می گذارند. انسان می تواند در میان مردم مسجد، دوست خود را انتخاب کند.» [۳۴] .

نماز ایجاد کننده روحیه تعاون و همیاری و امداد بین مردم است. «یکی از برکات نماز بخصوص در مساجد، امدادگری است،... امداد رسانی به جبهه های جنگ و کمک به فقرا از مسجد و در سایه برکات نماز بوده و خواهد بود. مسلمین از پایگاه مساجد به جبهه می رفتند، انقلاب اسلامی ایران هم از مساجد شروع شد.» [۳۵] .

نماز تأثیر فراوانی در اقتصاد منزل و جامعه دارد. فرد نمازگزار باید با لباسی نماز بگذارد که حلال باشد. آب وضو و مکان نماز باید حلال باشد. غذایی که نمازگزار مصرف می کند باید حلال باشد. کلیه نمازگزاران از هر رنگ و نژاد، شغل، میزان و نوع تحصیلات و خانواده رو به سوی قبله برای

[صفحه ۶۱]

هدفی معین، بزرگ و مقدس به نماز می ایستند. این یگانگی در هدف باعث هماهنگی و مساوات در بین آنها می شود؛ بخصوص اگر این نماز به شکل جماعت برگزار شود این هماهنگی و مساوات بیشتر تجلی و بروز می

کند. «نماز جماعت تمرین از مردم بودن، در مردم بودن، با مردم بودن، است.» [۳۶] افرادی که به مسجد برای نماز می روند با یکدیگر الفت داشته و نسبت به هم محبت می ورزند و در غم و شادی همدیگر شریک بوده و با هم همکاری می کنند. فرد نمازگزار سعی می کند که عنوان مذهبی خود را لکه دار نکند و آبروی خود را حفظ نماید. نماز و سیاست رابطه تنگاتنگی دارند.

الف: نماز در حالت فردی علاوه بر یک عمل عبادی، یک عمل سیاسی هم می باشد؛ زیرا قبول خداوند و عدم تسلیم در مقابل غیر او به معنی تسلیم نشدن در مقابل هر طاغوت و هر حکومت مستبد است.

ب: نماز در حالت جماعت، بخصوص نماز جمعه کاملاً دارای بار سیاسی است. [۳۷] نماز هم خود یک مبارزه است و هم زمینه مبارزه را فراهم می کند. نماز مبارزه با الهه ها، شیاطین، منیّت ها و... است. وقتی نمازگزار در مقابل غیرخدا تسلیم نشود به معنی مبارزه با آنها است؛ این مبارزه می تواند اشکال مختلف به خود بگیرد. از طرف دیگر نمازگزار خود را موظف می داند که از رهبران و حکومت هایی که در راه تعالیم الهی قدم بر می دارند و در صراط مستقیم هستند، دفاع نموده و با مخالفان آنها به مبارزه برخیزد. پس نماز باعث دو شکل مبارزه می شود.

[صفحه ۶۲]

اول، مبارزه با حکومت های طاغوتی که بر جامعه مسلط شده اند و می خواهند ارزش ها و تعالیم الهی را کم رنگ کرده، یا از بین ببرند.

دوم، مبارزه با دولت ها و گروه هایی که می خواهند با حکومت موجود جامعه که در جهت ارزش ها و تعالیم الهی قدم بردارد، ضدیت کنند.

نماز با مشورت ارتباط دارد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «مؤمنین کسانی هستند که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنها است.» [۳۸] ارتباط نماز و مشورت باعث می شود:

۱- وقتی نمازگزار با دیگر نمازگزاران انس و الفت داشته باشد، صفا و صمیمیت بین آنها برقرار بوده و با آنها طرح دوستی برقرار می کند؛ در این حالت جهت انجام بعضی از امور با دیگر نمازگزاران مشورت می کند. این اقدامی است از طرف فرد نیازمند به حل مشکل خود؛ یعنی فردی که با مشکلی مواجه شده و می خواهند آنرا برطرف نمایند.

۲- وقتی نمازگزار با دیگر نمازگزاران ارتباط برقرار می کند و از مشکلات دیگران مطلع می شود سعی می کند آن مشکلات را برطرف کرده، فرد مبتلا به مشکل را برهاند. این اقدامی است از طرف افرادی که از مشکلات و گرفتاری های دیگران با اطلاع می شوند.

«نماز باعث رحمت بین مردم میشود زیرا در نمازهای یومیه شصت بار لغت رحمت را بکار می بریم.» [۳۹] نماز عامل بازدارنده از حرص و آز و کم طاقتی است. [۴۰] نماز باعث بروز شغل هایی در جامعه می شود؛ از جمله

[صفحه ۶۳]

این شغل ها عبارتند از: تولید و توزیع مهر و تسبیح (سبحه)، سجاده، قبله نما، زیلوی مساجد. نماز و اذان دارای آهنگ و موسیقی خاصی است. این موسیقی تأثیر فراوانی بر نمازگزاران و دیگر افراد بجا می گذارد. نماز باعث هم آوایی جهان هستی و نمازگزار با یکدیگر می شود. کلیه اشیاء در جهان هستی در حال تسبیح خداوند هستند. [۴۱] و همچنین در این زمینه «مولای متقیان (ع) فرمود: هنگامی که انسان مشغول نماز است، بدن و لباسش و آنچه در اطراف اوست تسبیح خدا می گوید.» [۴۲] بدین جهت ، بجاآوردن نماز، پرستش ، کرنش و ثنای معبود هم آوایی با جهان هستی است.

[۱] صدوچهارده نکته درباره نماز ، استاد قرائتی، ص ۶۰.

[۲] ر. ک به از ژرفای نماز ، مقام معظم رهبری ، ص ۱۵ - ۱۶ و تفسیر سوره حمد، سید مرتضی شبستری ، ص ۱۴.

[۳] صدوچهارده نکته درباره نماز، ص ۹۳ و تفسیر نماز، قرائتی، ص ۴۹.

[۴] جهت اطلاع بیشتر به اسرار نماز، حضرت امام (ره)، ص ۶ - ۱۶ رجوع کنید.

[۵] ر . ک به کتاب صد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۷۸.

[۶] همان، ص ۵۵-۵۶.

[۷] سوره طه، آیه ۱۲۴.

[۸] یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۶۲.

[۹] ر. ک به تعریف نماز ؛ بند «د» همین کتاب.

[۱۰] سوره معارج، آیات ۲۰ تا ۲۳.

[۱۱] یکصدوچهارده نکته درباره نماز، ص ۷۱.

[۱۲] سوره هود، آیه ۵۶.

[۱۳] سوره یس، آیات ۴ و ۳.

[۱۴] سوره یس، آیه ۶۱.

- [۱۵] سورة آل عمران، آیه ۱۰۱.
- [۱۶] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۵.
- [۱۷] رموز نماز یا اسرار الصلوٰۃ، محمد فرید نهانندی، ص ۸۹ - ۹۰.
- [۱۸] تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۴۱.
- [۱۹] تفسیر نماز، استاد قرائتی، ص ۳۹.
- [۲۰] اسرار عبادات، آیت الله جوادی آملی، ص ۲۶۲.
- [۲۱] کنز العرفان فی فقه القرآن، جمال الدین مقداد بن عبدالله سیوری، ج ۱، ص ۱۴۱.
- [۲۲] جهت اطلاع بیشتر به پرستش آگاهانه، ص ۵۸ - ۵۹؛ و قرآن و روانشناسی، دکتر محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب رجوع کنید.
- [۲۳] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۴۴.
- [۲۴] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۴۴.
- [۲۵] یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۷۶.
- [۲۶] ر. ک به سورة رعد، آیه ۲۸؛ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۲۳؛ غررالحکم، ص ۴۰۵، ح ۱۶.
- [۲۷] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۱۲.
- [۲۸] مجمع البیان، ج ۵ - ۶، ص ۴۴۹، ذیل آیه ۹۸ سورة حجر.
- [۲۹] فتح القدیر (تفسیر)، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، ج ۱، ص ۶۶.
- [۳۰] روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۶ آذر ۱۳۷۷، شماره ۲۱۵۱۳، ص ۷، دکتر سید علی مرعشی، حکم قرآنی وضو و ساختمان مغز (با تلخیص).
- [۳۱] مصباح الفلاح، ص ۱۷۳.
- [۳۲] یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۷۶.
- [۳۳] همان، ص ۸۶.
- [۳۴] همان، ص ۷۷.
- [۳۵] همان، ص ۷۸.
- [۳۶] همان، ص ۷۹.
- [۳۷] جهت اطلاع بیشتر به صحیفه نور، حضرت امام (ره)، ج ۱۸، ص ۲۷۶ رجوع کنید.
- [۳۸] سورة شوری، آیه ۳۸.
- [۳۹] یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۹۳.
- [۴۰] سورة معارج، آیات ۱۹ تا ۲۴.
- [۴۱] اسراء، آیه ۴۴ و رعد، آیه ۱۳.
- [۴۲] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۷.

رمز و رازها در نماز

هرکدام از اعمال و رفتاری که در نماز انجام می شود دارای رمز و رازهایی می باشد. در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می شود.

۲ - ۱ - رمز و راز وضو گرفتن : «شستن دست ها در وضو، اشاره به دست شستن از علایق نفسانیه و شهوات حیوانیه است.

آن وضو را تو وضو گوی که در شستن دست
شستن دست تو از خواهش دنیا باشد

و شستن صورت، شستن غبار توجه به غیر حق است و مسح سر، سر خط بندگی است و مسح پا، اشاره به پشت پا زدن به غیر خدا و قدم زدن در ساحت حرم حضرت الله است.» [۱] .

[صفحه ۶۴]

«امام محمد باقر (ع) فرمود: در بامداد یک روز، حضرت سید انبیاء (ص) با جمعی از یاران نشسته بود و با آنان سخن می گفت، تا آن که آفتاب برآمد و همه اصحاب رفتند جز دو تن که در محضر آن حضرت ماندند. پیامبر اکرم (ص) خطاب به ایشان فرمود: می دانم که شما حاجتی دارید، اگر دوست دارید من بگویم کار شما چیست و اگر می خواهید خود بیان کنید. با فروتنی عرض کردند: شما بفرمایید. آن حضرت فرمود:...اما تو ای برادر ثقفی ! می خواهی از ثواب وضو باخبر شوی. بدان که در وضو چون صورت خود را بشویی، گناهای که با زبان و چشمانت مرتکب شده ای پاک می شود، و چون دست هایت شسته شود گناهایت از جانب راست و چپ ریخته گردد. و آن گاه که پاهایت را مسح می کنی، گناهای که با پاهایت مرتکب شده ای، پاک می گردد.» [۲] «رسول اکرم (ص) بعد از نماز صبح، بین الطلوعین، در مسجد می نشستند و به سؤالات مردم پاسخ می گفتند. روزی دو نفر نوبت گرفتند تا در محضر حضرت، سؤالاتی مطرح کنند...در پاسخ یکی از آنها، پیامبر فرمودند: اما معنای وضو گرفتن؛ شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها در وضو رازی دارد. شستن صورت در وضو؛ یعنی خدایا! هر گناهی که با این

صورت انجام دادم آن را شستشو می کنم که با صورت پاک به جانب تو بایستم و عبادت کنم و با پیشانی پاک سر بر خاک بگذارم. شستن دست ها در وضو؛ یعنی خدایا از گناه دست شستم و به واسطه گناهایی که با دستم مرتکب شده ام، دستم را تطهیر می کنم، مسح سر در وضو؛ یعنی خدایا از هر خیال باطل و هوس خام که در سر پرورانده ام سرم را تطهیر می کنم و آن

[صفحه ۶۵]

خیال های باطل را از سر به دور می اندازم. مسح پا؛ یعنی خدایا من از رفتن در جای بد پا می کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده ام تطهیر می کنم. [۳].

«رسول اکرم(ص): اگر کسی با وضو از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است.» [۴].

۲ - ۲ - رمز و راز تیمم: «راز تیمم این است که: هرگاه آب نیافتی، پس خاک را که به ظاهر پست ترین پدیده های جهان است به دست و صورت خود بمال تا تمامی کبر و غرور و شهوات و هواهای فردی و شیطانی از تو دور گردد، و شاید خدای رحیم بر این همه ذلت و خاکساری تو رحمش آید و دستت گرفته و به راحت آورد.» [۵].

۲ - ۳ - رمز و راز بلند کردن دستها هنگام تکبیرات: «بعضی گویند: بلند کردن دستها در تکبیرة الاحرام نماز اشاره به این است که پروردگارا! در دریای معصیت غرق شده ام، برای نجاتم دستم را بگیر.» [۶] «اهل معرفت گویند که (نمازگزاران باید) به واسطه آن، غیر(خدا) را به پشت سر اندازند و خار طریق وصول را از میان بردارند و خود را منقطع از ماسوی و خالص و مخلص گردانند، آن گاه به معراج حقیقی، معنوی و مسافرت الی الله روند» [۷].

۲ - ۴ - رمز و راز دراز کردن گردن موقع رکوع: «شخصی از حضرت علی (ع) پرسید: مقصود از راست نگاه داشتن گردن در رکوع چیست؟

[صفحه ۶۶]

فرمود: یعنی (خدایا!) به فرمان توام گرچه به تیغم برزنی گردن.» [۸].

۲ - ۵ - رمز و راز سجده: «از حضرت علی (ع) راز تأویل سجدهتین پرسیدند، فرمود: سجده اولی که سر بر زمین نهد اشارت است به آنکه از خاک آفریده شده است و سر را که برمی دارد کفایت است به اینکه از زمین برآمده

است... و سجده ثانیة تلویح به این است که باز به زمین بازگردد و به خاک شود و باز که سر برمی دارد رمزی است به این که باردیگر از خاک برآید و برانگیخته گردد در روز رستاخیز» [۹] «حضرت علی (ع) فرمود: ظاهر سجده، صورت گذاردن بر خاک است از روی اخلاص و خشوع، اما باطن آن دل کندن از همه امور فانی و دل بستن به سرای باقی و رهایی از تکبر و تعصب و تمام وابستگی های دنیوی است» [۱۰] .

۲ - ۶ - رمز و راز رو به قبله بودن : خلاصه اینکه «قبله رمز استقلال، وحدت و همبستگی است» [۱۱] ، «قبله یا خانه خدا (کعبه) شعار و نشانه ای است که ... دارای بعد و جانب اجتماعی نیز هست با این وصف که نشانه و رمز وحدت این امت و استقلال آن می باشد» [۱۲] .

«امام خمینی (رحمت الله علیه) درباره «قبله» از یکی از آگاهان معاصرش در «آداب الصلوة» نقل میکند: نکته باریکی در واژه قبله هست که باید از آن غافل نبود. قبله در اصل لغت عرب اسم عمل ماست، نه اسم خانه (کعبه)، ولی چون این عمل رو به روی آن خانه انجام می گیرد، کم کم اسم خود خانه شده است. «قبله» بر وزن «جلسه» و «وجهه» طرز ایستادن و روبه رو شدن با

[صفحه ۶۷]

چیزی است که با حضور ذهن انجام گیرد. مواجهه ای است که انسان به حال خبردار می ایستد، که گویی رژه می رود و سان می دهد، نهایت این که باید این رژه و سان در مورد خانه خدا با همه اعضا و تمام اندام بدن بوده باشد آن هم با حال خبردار و با نظم و احترام و با حضور ذهن کلی. پس قبله به معنای اقبال کردن به چیزی است، اما طوری که اقبال و رو آوردن به آن همراه با گسستن از غیر باشد، که رنگ پیوستن به آن و گسستن از غیر آن، در عمل آشکار باشد» [۱۳] .

۲ - ۷ - رمز پیشانی بر مهر گذاشتن : «نماز باعث ارزش گذاشتن و یادآوری نام شهید و شهادت است زیرا به تربت شهید (در رأس آن سیدالشهداء) سجده می کنیم» [۱۴] .

۲ - ۸ - رمز و راز تشهد : «تشهد نماز شباهت دارد به زانو زدن خلائق در پیشگاه خدای متعال در روز قیامت» [۱۵] .

۲ - ۹ - رمز و راز سلام در نماز : امام صادق (ع) فرمود: معنای سلام در پایان هر نماز، امان است؛ یعنی هر کس امر خدا و سنت پیامبرش را با خشوع قلبی در مقابل خدا بجا آورد، از برای دنیا در امان و از عذاب آخرت برکنار

است. و «سلام» نامی از نامهای خداوند تعالی است که در میان خلق خود به ودیعت نهاده، تا معنا و محتوای آن را در داد و ستدها، امانتداری ها و در روابط با هم و برای تأیید و تصدیق همنشینی ها و صحت آمیزش

[صفحه ۶۸]

و معاشرتشان به کار برند.[۱۶] .

[۱] اسرار الصلوة، عبدالحسین تهرانی، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

[۲] مناهج الشارعی، ص ۱۶۵.

[۳] اسرار عبادت، آیت الله جوادی آملی، ص ۲۰.

[۴] وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۹ (نقل به معنی).

[۵] فرهنگ نماز، علاء الدین حجازی، ص ۵۲.

[۶] عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۲۰۳.

[۷] چهل حدیث، حضرت امام (ره)، ص ۴۳۱.

[۸] ترجمه الصلوة، فیض کاشانی، ص ۴۶.

[۹] همان، ص ۵۴ - ۵۵.

[۱۰] تفسیر نماز، محسن قرائتی، ص ۱۴۳.

[۱۱] همان، ص ۲۹.

[۱۲] نقش عبادت در سازندگی انسان، سید محمد باقر صدر، ص ۱۲۵.

[۱۳] عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۱۷۲ - ۱۷۳؛ به نقل از آداب الصلوة، امام خمینی (ره).

[۱۴] وسائل الشیعه، جلد ۳، ص ۶۰۸ (نقل به معنی).

[۱۵] اسرار الصلوة، عبدالحسین تهرانی، ص ۴۰ - ۴۱.

[۱۶] سرالصلوة، شیخ الرئیس ابو علی سینا، ص ۱۱۲.

آفات نماز

عوامل و اموری وجود دارد که باعث عدم قبولی یا کم ارزشی نماز نمازگزار در درگاه حضرت حق می شود. این عوامل و امور متعدد و زیاد می باشند که بنا به ضرورت و نیاز به تعدادی از آنها اشاره می شود.

۳ - ۱ - ارتکاب عمل زنا: «خدای متعال به حضرت داوود(ع) فرمود: ... چه بسیار رکعت های طولانی که نمازگزاری با گریه و خشوع بجا آورده است اما نزد من به فتیلی نمی ارزد، چون وقتی که به قلب او نظر کرده، می

بینم پس از آن که از نمازش فارغ شد، و زنی با او خلوت کرده و خود را بر او عرضه کند، او را اجابت کرده، مرتکب گناه خواهد شد.» [۱] .

۳ - ۲ - گناه و گناه آلوده بودن : «مسلمانی که به زنجیرهای گناه بسته شده باشد و بخواهد نماز بخواند و به معراج برود و روحش را به پرواز در آورد، مانند پرنده ای است که زنجیر به پایش بسته است و قدرت پرواز ندارد؛ انسان باید این زنجیرهای گناه را باز کند و هر چه زنجیرها سنگین تر باشد، زمین گیر شدن شدیدتر خواهد بود.» [۲] .

۳ - ۳ - ندادن زکات و خمس: «رسول خدا(ص) فرمود : نماز بدون (پرداختن) زکات قبول نیست.» [۳] ، «اگر لباس و مکان نمازگزار با پولی تهیه شده باشد که خمس و یا زکات آنرا پرداخت ننموده است، آن نماز باطل

[صفحه ۶۹]

است.» [۴] .

۳ - ۴ - جفا کردن بر یتیمان، طعام ندادن به مساکین و عدم احسان : خداوند سبحان در قرآن مجید می فرماید: «وای بر نمازگزارانی که ... جفا به یتیمان نمایند، به مساکین طعام ندهند، و احسان نمایند...» [۵] .

۳ - ۵ - توجه و حب دنیا و ریاست دوستی: «مولای متقیان(ع) می فرماید: «دوستی دنیا ریشه همه گناهان است.» [۶] رسول اکرم(ص) فرمود: «در شب معراج خدای متعال فرمود: ای احمد اگر بنده ای نماز اهل آسمان و زمین را بخواند و روزه اهل آسمان و زمین را بگیرد و چون ملائکه طعام نخورد و جامه ی عابدان را بپوشد، پس از آن در قلب او ببینم ذره ای از حب دنیا یا سمعه (آوازه) آن یا ریاست آن یا اشتها آن یا زینت آن را، با من مجاورت نمی کند در منزل و از قلب او محبت خود را بیرون می کنم و قلب او را تاریک می کنم تا مرا فراموش کند و نمی چشانم به او شیرینی محبت خود را.» [۷] .

۳ - ۶ - با دیده بد نگاه به ناموس مردم کردن و زدن مردم از روی ستم : «خداوند متعال به حضرت داوود(ع) فرمود: چه بسا عبدی که نماز می خواند و من آن نماز را به صورتش می زنم و بین خود و صدایش حجاب قرار می دهم، می دانی چنین عبدی کیست؟ ای داوود، آن نمازگزار کسی است که به ناموس مردم مؤمن زیاد با دیده گناه نگاه می کند و [همچنین] به خودش می گوید: اگر صاحب قدرتی شدم گردن مردم را می زنم آن هم به ستم.» [۸] .

۳ - ۷ - عدم تقوی : «رسول اکرم(ص) فرمود : دو رکعت نماز انسان پرهیزگار بهتر است از هزار رکعت نماز شخص لاابالی.» [۹] «نماز کسی که اهل تقوا نیست ... پذیرفته نیست.» [۱۰] .

۳ - ۸ - ریاکاری در نماز : خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید: «وای بر نمازگزارانی که ... ریا و خودنمایی کنند...» [۱۱] رسول خدا(ص) فرمود: «عملی که به مقدار ذره ای ریا در آن باشد خداوند آن را نمی پذیرد.» [۱۲] در رساله توضیح المسائل امام خمینی(ره) اینچنین آمده: «انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند، پس کسیکه ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.» [۱۳] ، «اگر قسمتی از نماز را هم برای غیرخدا بجا آورد، نماز باطل است، چه آن قسمت، واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت، بلکه اگر تمام نماز را برای خدا بجا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت، یا به طور مخصوصی، مثلاً با جماعت نماز بخواند، نمازش باطل است.» [۱۴] .

۳ - ۹ - بی تفاوتی در برابر برهنگان و آوارگان : «امام صادق(ع) فرمود: نماز کسانی که نسبت به برهنگان و آوارگان جامعه بی تفاوتند، قبول نیست.» [۱۵] .

۳ - ۱۰ - حرام خواری : «رسول خدا(ص) فرمود: نماز حرامخواران، مثل

بنای ساختمان بر ریگ است.» [۱۶] .

۳ - ۱۱ - زنان بی تعهد در خانه : پیامبر بزرگوار(ص) فرمود: «نماز زنی که از درآمد شوهر بهره مند می شود ولی به مسئولیت الهی خود عمل نمی کند، پذیرفته نیست.» [۱۷] .

۳ - ۱۲ - غیبت کردن : «حضرت ختمی مرتبت(ص) فرمود: کسی که از مرد یا زن مسلمانی غیبت کند، خداوند تا چهل روز نماز و روزه او را نمی پذیرد، مگر آن که آنان از غیبت کننده راضی شوند.» [۱۸] .

۳ - ۱۳ - به حال خشم و کینه به پدر و مادر نگاه کردن : «امام جعفر صادق(ع) فرمود: هر که با حالت خشم و کینه به پدر و مادرش نگاه کند، خداوند نمازش را قبول نخواهد کرد، گرچه آنها به او ستم کرده باشند.» [۱۹] .

۳ - ۱۴ - خیانت در معامله : «خداوند متعال به حضرت داوود(ع) فرمود:... چه بسیار رکعت های طولانی که نمازگزاری با گریه و خشوع بجا آورده است اما نزد من به فتیلی نمی ارزد، چون وقتی که به قلب او نظر می کنم، می بینم پس از آن که از نمازش فارغ شد، ... و مؤمنی با او معامله نمود، به او خیانت خواهد کرد.» [۲۰] .

۳ - ۱۵ - با عجله و سرعت نماز خواندن : «حضرت محمد(ص) فرمود: دزدترین دزدها کسی است که از نمازش بدزدد.» [۲۱] (یعنی آن را به صورت کامل بجا نیاورد). «مولای متقیان(ع) به مردی که با عجله و سرعت نماز می خواند، فرمود: مثل تو نزد خداوند مانند کلاغی است که از زمین دانه بر

[صفحه ۷۲]

می چیند. و اگر در این حالت بمیری، به دین غیرمحمد(ص) مرده ای. آن گاه فرمود: دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد.» [۲۲] .

۳ - ۱۶ - چیزهایی که ذهن نمازگزار را از نماز دور نماید : «پیامبر گرامی(ص) مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می کند فرمود: اگر دل او خاشع بود اعضا و جوارحش نیز خاشع بودند.» [۲۳] ، «روزی امام جعفر صادق(ع) به جهت آموزش صحیح خواندن نماز به یکی از اصحاب خود به نام حمّاد بن عیسی جُهَنی ابتدا نمازی را بجا آورد و سپس به وی اینگونه توصیه فرمود: ای حمّاد! این طور باید نماز بخوانی. آری، در حال نماز بازی نکن و به خود مشغول نباش، با دست و انگشت خود بازی نکن، به این طرف و آن طرف نگاه نکن و همچنین از روبرو هم به تماشاگری که موجب حواس پرتی میشود نپردازد.» [۲۴] ، «مکروه است نمازگزار در موقع نمازخواندن به اطراف نگاه کند و یا با ریش یا دست خود بازی نماید.» [۲۵] کسی که بول و غایط خود را نگاه می دارد و بدینوسیله به خود فشار آورده و دچار ضررهای جسمی می شود این کار، علاوه بر زیان برای سلامتی، در نماز هم موجب عدم تمرکز فکر می شود و حضور قلب را از بین می برد. «امام صادق(ع) فرمود: نماز چنین کسانی قبول نمی شود.» [۲۶] .

۳ - ۱۷ - نماز بدون شناخت امام معصوم(ع) : نماز بدون شناخت امام معصوم(ع) و بدون پیروی از او بی فایده است. «آنها که برای کشتن امام

[صفحه ۷۳]

حسین(ع) به کربلا رفته بودند، همه تارک الصلوٰۃ نبودند، بلکه نماز جماعت می خواندند. خود یزید و معاویه پیشنماز بودند.» [۲۷] «علی ابن ابی طالب(ع) شنید که مردی از خارجیان (خوارج نهروان) شب بیدار است در نماز خواندن و خواندن قرآن، فرمود: به یقین خفتن به که با دودلی نماز گزاردن.» [۲۸] .

۳ - ۱۸ - نقص در وضو، تیمم و خشوع : «پیامبر اکرم(ص) فرمود: کسی که وضو و رکوع و سجود و خشوعش کامل نباشد، نمازش ناقص است.» [۲۹] برای انجام یک وضو و تیمم صحیح و کامل عوامل و شرایطی در نظر گرفته شده که در کتب رساله های عملیه مراجع عظام قید شده است. [۳۰] «انجام هرکاری که خشوع و خضوع نمازگزار را از بین ببرد، مکروه است.» [۳۱] .

۳ - ۱۹ - نداشتن شرایط لازم برای لباس، مکان و بدن نمازگزار : «شرایط لازم برای لباس، مکان و بدن نمازگزار در کتب توضیح المسائل قید شده، توجه و رعایت این شرایط برای قبولی نماز در درگاه حضرت حق لازم و ضروری است.» [۳۲] .

۳ - ۲۰ - عدم رعایت واجبات و ارکان نماز : «بعضی از واجبات نماز رکن است؛ یعنی اگر انسان آنها را بجا نیاورد، یا در نماز اضافه کند، عمداً باشد یا سهواً، نماز باطل است. و بعضی دیگر رکن نیست؛ یعنی اگر عمداً کم یا زیاد

[صفحه ۷۴]

شود، نماز باطل میشود و چنانچه اشتبهاً (سهواً) کم یا زیاد گردد، نماز باطل نمی شود...» [۳۳] .

۳ - ۲۱ - عدم توجه عمدی به وقت نماز و قبله : «برای انجام نماز باید رو به قبله و آن هم در زمان و وقت معینی (در بعضی از نمازها) ادای وظیفه نمود.» [۳۴] .

۳ - ۲۲ - عوامل دیگر : غیر از موارد و عوامل ذکر شده فوق که باعث عدم قبولی و یا کم ارزشی نماز نمازگزار می شوند، عوامل دیگری هم وجود دارد که میتوان به آنها اشاره نمود. «تعدادی از این امور و عوامل در مبطلات نماز در کتب توضیح المسائل مراجع عظام قید شده.» [۳۵] .

[صفحه ۷۷]

- [۱] بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۳.
- [۲] نشانه حق گزاری نماز، ص ۶۸.
- [۳] منهج الصادقین، ج ۶، ص ۲۰۳.
- [۴] رساله، امام خمینی(ره)، مسائل ۸۲۰ و ۸۷۳.
- [۵] سوره ماعون.
- [۶] غررالحکم، ص ۳۸۰، ح ۱ و ص ۱۵۰، ح ۳۹.
- [۷] آداب الصلوٰۃ، امام خمینی(ره)، ص ۵۰.
- [۸] عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۹۱.
- [۹] نهج الفصاحه، ص ۳۵۰، ش ۱۶۷۲.
- [۱۰] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۳۱۷.
- [۱۱] سوره ماعون.
- [۱۲] میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۵.
- [۱۳] رساله امام خمینی(ره)، مسأله ۹۴۶.
- [۱۴] همان، مسأله ۹۴۷.
- [۱۵] بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۲۴۲.
- [۱۶] همان، ص ۲۵۸.
- [۱۷] نهج الفصاحه، حدیث ۵۴.
- [۱۸] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۸۷.
- [۱۹] همان، ج ۵، ص ۳۸۷.
- [۲۰] بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۳.
- [۲۱] سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۵.
- [۲۲] وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴.
- [۲۳] اطبیب البیان، سید عبدالحسین طیب، ج ۱، ص ۱۶۴.
- [۲۴] جلوه های نماز در قرآن و حدیث ص ۱۶۲ - ۱۶۴ (با تلخیص).
- [۲۵] رساله عملیه، امام خمینی(ره)، مسأله ۱۱۵۷.
- [۲۶] محجة البیضاء، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۳۵۴.
- [۲۷] تفسیر نماز، ص ۳۹.
- [۲۸] نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۹۷، ص ۳۷۶.
- [۲۹] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۱۱.
- [۳۰] در مورد عوامل و شرایط وضو به رساله عملیه، امام خمینی(ره) از مسأله ۲۳۶ تا ۳۴۴ و در مورد تیمم از مسأله ۷۰۰ تا ۷۲۷ رجوع کنید.

[۳۱] همان، مسائل ۱۱۵۸ و ۱۱۵۷ رجوع کنید.

[۳۲] شرایط لازم برای لباس، مکان و بدن نمازگزار در رساله عملیه امام خمینی(ره). به ترتیب در مسائل ۷۸۸ تا ۸۶۵ و ۸۶۶ تا ۸۹۹ و... ذکر شده است.

[۳۳] توضیح المسائل، امام خمینی(ره)، مسأله ۹۴۲.

[۳۴] ر. ک به همان، مسائل ۷۶۸ تا ۷۸۷.

[۳۵] ر. ک به همان، مبحث مبطلات نماز، مسائل ۱۱۲۶ تا ۱۱۵۶.

نماز و جامعه شناسی

اشاره

از نظر پارسونز، هر نظام اجتماعی از لحاظ سازگاری و هماهنگی با چهار مسأله بنیادی مواجه است که برای حیات و بقای خود باید به آنها پاسخ دهد. در نظام های اجتماعی چهار کارکرد اصلی را می توان یافت که برای پاسخگویی به مسائل بنیادی فوق الذکر در نظر گرفته شده؛ که از آنها به عنوان ضرورت های (لوازم) کارکردی نام برده می شود:

- ۱- کارکرد تطابق «Adaptation»: وسایل و ابزاری که نظام و اعضایش برای رسیدن به اهداف به کار می گیرند.
- ۲- کارکرد تحقق اهداف «attainment Goal»: تعریف اهداف و اقدام در جهت نظام کل و یا قسمت های اساسی

۳- کارکرد انسجام «Integration»: تأمین هماهنگی ضروری بین قسمت های یک سیستم با توجه به سهم آنان در سازمان و در کارکرد کل نظام.

- ۴- کارکرد حفظ الگو «Latency»: تأمین ارزش های جامعه و تشویق به پذیرش آنها و الزامات آن.
- این چهار شکل کارکردی را می توان تحت علائم اختصاری «AGIL» نام برد، [۱] که به عنوان چارچوب فکری در بررسی مسائل اجتماعی نماز از آن استفاده شده است. تعریفی که از نماز شده، مبنای این بررسی می باشد. [۲].

[صفحه ۸۱]

[۱] ر.ک به نظریه های جامعه شناسی، دکتر غلامعباس توسلی، ص ۲۴۷.

[۲] ر.ک به تعریف نماز.

مسائل اجتماعی نماز

همان طور که قبلاً بیان شد در تمام ادیان الهی، نماز مورد توجه و تأکید فراوان بوده است. نماز دارای جنبه های عبادی، روانی، فردی، اجتماعی و... و دارای منافع قلبی، عملی، عرفانی و ... می باشد. جنبه ها و منافع متعدد نماز دارای وسعت و فراوانی زیاد است و در اینجا تنها به بعد اجتماعی آن اشاره می شود.

مسائل اجتماعی نماز در دو سطح خرد و کلان قابل بیان است. [۸].

[۸] در نوشتن این قسمت، از کتاب جامعه شناسی نظم، دکتر مسعود چلبی استفاده فراوانی شده است.

مسائل اجتماعی نماز در سطح خرد

عناصر سازنده جامعه

از نظر جامعه شناسی، عناصر اساسی سازنده جامعه در سطح خرد عبارتند از «فرد»، «تعامل اجتماعی»، «ما» و «گروه».

[صفحه ۸۲]

فرد

با دیدی نه صرفاً فردگرایانه یا نه جمع گرایانه؛ نظام شخصیتی در ارتباط با ارگانیسم، نظام رفتاری، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی می باشد. فرد از طریق نظام شخصیتی خود با جمع رابطه برقرار می کند. برای شخصیت می توان چهارقطب را بیان نمود. هوش (استعداد یادگیری)، ظرفیت اجرا (خود - مستقل)، هویت - خود (هویت فردی) و تعهد (هویت جمعی). [۹] در نتیجه ارتباط نمازگزار با محیطهای مختلف (مساجد، تکایا و جاهایی که نماز در آنجا برگزار می شود) هوش او که همان استعداد یادگیری تعمیم یافته است در بعد رفتاری شخصیت تمرکز یافته گسترش می یابد. در نتیجه برخورد با محیطهای مختلف، نمازگزار نقشه های شناختی محیطهای مختلف را درونی می کند. هوش یکی از عوامل تغییردهنده موجود در شخصیت فرد است. هرچه این هوش توسعه یافته تر باشد، نمازگزار آمادگی پذیرش تغییر و نوآوری بیشتر و پذیرش اعضاء بیشتر نمازگزار را جهت سیر به کمال مطلوب دارد.

نقطه مقابل تأثیر هوش (ایجادکننده و زمینه ساز تغییر) وابستگی عاطفی است (نقش نظم دهنده رفتار را ایفاء می کند) که بوسیله نفوذ متقابل تمایلات فردی و نظام اجتماعی بوجود می آید. وابستگی عاطفی در اثر برخورد با محیطهای مختلف اجتماعی (در جامعه اسلامی) رشد و بسط یافته و نمازگزار را آماده می سازد تا رفتار خود را با دیگر نمازگزاران و مسلمانان تنظیم نموده و بیشتر ملاحظه ی انتظار آنها را بنماید. نمازگزار یاد

می گیرد که خود را چنان با محیطهای مختلف جامعه اسلامی منطبق سازد که نیازهای واقعی و اساسی خود را ارضاء و از محرومیت دوری نماید. نمازگزار با درونی کردن نقشه های شناختی محیطهای مختلف قید شده، آماده می شود تا بتواند جهت رفتار خود را مشخص سازد. هرچه فرد نمازگزار با محیطهای متفاوت تری (محیطهای قید شده و تا حدودی سایر محیطها) برخورد و تماس داشته باشد، در تعیین جهت رفتار خود کمتر دچار اشکال شده، هدف داری و امکان عمل کردن را بصورت مستقل بوجود می آورد که تحت عنوان ظرفیت اجرا از آن یاد می شود. «در اسلام آنچه سبب تضعیف عقل می شود (مثل مشروبات الکلی)، ممنوع است و به هرچه که سبب افزایش عقل و درک گردد تشویق شده است؛ مانند: تعلیم، تعلّم، مطالعه، مسافرت، مشورت و...» [۲] بکارگیری نمادها توسط فرد نمازگزار در ارتباط با محیطهای مختلف موجب انگاره ای شدن تمایلات نیازی و تعمیم نمادی آنها می شود و این به ایجاد «هویت - خود» برای شخصیت کمک می نماید. نماز باعث می شود که نمازگزار در هر وضعیتی دارای هدف بوده، استعداد یادگیری تعمیم یافته (هوش) خود را بکار گیرد و همچنین دارای هویت فردی باشد و در همان حال دارای تعهد تعمیم یافته نسبت به دیگر نمازگزاران و مسلمانان و در مواردی حتی غیرمسلمانان نیز باشد و این بدین معنی است که «هوش، ظرفیت اجراء، وابستگی عاطفی و هویت - خود» فرد نمازگزار هم از یکدیگر منفک هستند و هم دارای انسجام می باشند و نهایتاً یعنی اینکه نماز باعث می شود که شخصیت فرد نمازگزار

به تدریج پیشرفته شود. گرایش مثبت نمازگزاران نسبت به دیگران باعث پیدایش وابستگی و پیوند عاطفی می شود. هم آوایی نمازگزار با دیگر نمازگزاران و مسلمانان باعث سازگاری وی با جامعه و انتظارات اجتماعی می شود؛ بخصوص زمانی که نمازگزار حس کند که با دیگر نمازگزاران و مسلمانان هم ذات باشد، این سازگاری عمیق شده و درونی میشود. در نتیجه ی ارتباط نمازگزار با معانی و نمادها و دیگر اجزای فرهنگی جامعه حالات زیر ایجاد می شود:

۱- تأثیر معانی و نمادها و دیگر اجزای فرهنگی بر نمازگزار باعث منظم شدن و آراستن نیازها و آرزوهای نمازگزار می شود؛ (مانند تقاضاهایی که نمازگزار در سوره حمد، در قنوت و یا مواضع دیگر نماز از خداوند متعال دارد) که تحت عنوان خردورزی از آن یاد می شود.

۲- تأثیر نمازگزار بر اجزای فرهنگی برای غلبه بر محیط جهت تأمین منافع آنی بدون اینکه نیازها تعدیل و تغییر مهمی را تجربه کنند؛ که تحت عنوان فعال گرایی از آن یاد می شود؛ برای مثال: اگر نمازگزار مسافر بوده و وقت نماز در حال اتمام است ولی راننده توقف نمی کند و یا...، مسافر می تواند در همان حالت نماز بجا آورد و یا اگر نمازگزار بیمار بوده و نتواند ایستاده نماز را بجا آورد، می تواند نشسته و یا خوابیده نماز را بجا آورد. با توجه به این که انسان ها میل به لذت و انطباق با محیط را دارا هستند و از طرف دیگر با توجه به خردورزی و فعال گرایی فوق الذکر، نمازگزار تمایل به کنترل نیازهای خود و تحت کنترل در آوردن تأثیرات عوامل خارجی را دارد. البته این کنترل ها خود باعث افزایش خردورزی در فرد نمازگزار می شود. همچنین نمازگزار کوشش می نماید تا به اهداف خود برسد (کوشش برای موفقیت)

[صفحه ۸۵]

البته این کوشش بیشتر جنبه فعال گرایی دارد. یعنی نمازگزار تلاش می کند تا نمادها و اجزای فرهنگ موجود در جامعه را به نظم در آورده و بیاراید به نحوی که سیر به کمال مطلوب را با بهترین نحو ممکن عملی کند. پیوند و وابستگی عاطفی و سازگاری همراه با فعال گرایی و خردورزی باعث تمایل به «خود تنظیمی» می شود تمایلی که نمازگزاران واقعی از آن بهره مند هستند. این روش ضمن اینکه حائز وابستگی عاطفی است، در عین حال بیشتر دارای استقلال هست. علاوه بر این دارای توجیه عقلانی و خردورزی نیز می باشد و در عین حال فعال بوده و مقید به قواعد است. وابستگی و پیوند عاطفی و سازگاری همراه با فعال گرایی و خردورزی باعث تمایل به کنش با پایه عاطفی تعمیم یافته می شود. این تمایل دارای تأکید عاطفی بین نمازگزاران و مسلمانان به شکلی فعال، عقلانی و معطوف به قاعده است. مجموعه خردورزی، فعال گرایی، کنترل محیط درونی و بیرونی، کوشش برای موفقیت، کنش با پایه عاطفی تعمیم یافته و «خود تنظیمی هسته ای» از تمایلات شخصیت کاملاً پیشرفته ایجاد می کند. این هسته دو تمایل کنش روشمند و مسئولیت شخصی را بوجود می آورد. در نتیجه ترکیب دو تمایل فوق الذکر، نمازگزار در رابطه با محیط های مختلف منفعل نمی شود و در مقابل جامعه عقب نشینی و انزواطلبی را پیش نمی گیرد. همچنین

نمازگزار از حالت های خودخواهانه، فرصت طلبانه و غیراخلاقی دست کشید، با سعه صدر با موانع و ناملازمات اجتماعی روبرو می شود. چنین افرادی در فرایند رشد، توسعه، ترقی و تعالی جامعه به عنوان کارگزارانی فعال و خلاق نقش مؤثر و مبتکرانه ایفا می نمایند.

دکتر چلبی در کتاب جامعه شناسی نظم، برای شرایط رشد و تکثیر

[صفحه ۸۶]

شخصیت پیشرفته، چهار قضیه بیان می کند که عبارتند از:

قضیه ی اول؛ اگر محیط های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر و متنوع تری درونی شوند، در این صورت امکان رشد شخصیت بیشتر می شود.

قضیه ی دوم؛ تحرکات فردی در ابعاد تحرک فیزیکی، اقامتی، شغلی، موضعی، رابطه ای میسر باشند.

قضیه ی سوم؛ فرصت های فردی در ابعاد امکان آموزشی، شغلی، سیاحتی، گروهی و مادی وجود داشته باشند.

قضیه ی چهارم؛ جامعه کل از نوع اجتماع عام بهره مند باشد به طوری که در آن میزان اختلالات نمادی، هنجاری، رابطه ای و توزیعی حداقل باشند و یا حداقل در حال کاهش باشند.» [۳] .

- در مورد قضیه اول؛ با توجه به این که کارکردهای نماز مجزا از کارکردهای دین نیست، لذا تأکید قرآن و اسلام بر جمعی خواندن نماز، تأکید بر اقامه نماز، تأکید بر گردش در روی زمین و درک و شناخت عاقبت تکذیب کنندگان راه حق، تأکید بر رسیدگی به امور مسلمانان، تأکید بر مکارم اخلاق، تأکید بر صله ارحام، تأکید بر اهمیت علم، و با توجه به کلام قرآن که می فرماید: «بشارت ده به بندگان من که سخنان [مختلف] را شنیده و نیکوترین را اطاعت نمایند.» [۴] و سایر تأکیدات، مؤید این مطلب است که فرد نمازگزار با محیط های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر و متنوع تری مواجه شده و آنها را درونی می نماید.

[صفحه ۸۷]

- در مورد قضیه دوم؛ با اشاره به تأکیدات فوق الذکر و با توجه به تأکید اسلام بر مهاجرت برای حفظ ارزش های والا و پایبندی به راه حق و حقیقت و همچنین نماز خواندن در اماکن مختلف (تا این اماکن گواه نمازخواندن

نمازگزار باشند) و مواردی از این دست، تحرکات فردی را در ابعادی چون تحرک فیزیکی، اقامتی و... میسر می سازد.

- درباره قضیه سوم: تأکیدات قرآن و اسلام عزیز بر ارزشمندی تعمق، تفکر و علم و تشویق مسلمانان به یادگیری علوم و تسری آن در زندگی خود (عمل نمودن به علم) به نمازگزاران و مسلمانان کمک می نماید تا افق هنجاری و نمادی خود را تعمیم بخشند و با آراستن و منظم کردن نمادها و اجزای دیگر فرهنگ جامعه و محاسبه دقیق، اهداف خود را در چارچوب کلی جامعه به صورت واضح و روشن مشخص گردانند. تأکیدات اسلام در مواردی مثل: عدم توجه به رهبانیت و احساس مسئولیت در قبال یکدیگر [۵]، احساس عضویت در جامعه را به نمازگزاران و مسلمانان تلقین می کند و به فرد اجازه می دهد تا احساس تعلق و تعهد خود را نسبت به جامعه تعمیم داده، تقویت نماید. تأکید اسلام بر کارکردن و بوسه زدن پیامبر بر دست کارگر و اینکه اسلام کار کردن را عبادت می داند، شرایط و فرصت های شغلی را برای مسلمانان و نمازگزاران فراهم می نماید. نماز خواندن در اماکن مختلف و تأکید اسلام بر سیر و سفر، زیارت عتبات و...، به افراد مسلمان اجازه می دهد تا تحرک فیزیکی خود را افزایش دهند از این طریق با محیط های اثباتی، فرهنگی و

[صفحه ۸۸]

اجتماعی در جامعه آشنا شوند و در نتیجه باعث گسترش افق هنجاری فرد نمازگزار شده و عام گرایی (توجه به کل افراد جامعه و دوری از قوم مداری و خودمحوری) را در وی گسترش می دهد. تأکید اسلام بر عدالت و قسط و برخورداری مردم از نعم مادی به طوری که از پیامبر اسلام نقل شده است: «برخورداری از نعم مادی راهی برای تقوی است.» [۶] و کمک به فقرا و ضعفا، امکان فرصت های مادی را برای مسلمانان و نمازگزاران و حتی سایر افراد فراهم می کند. در قضیه سوم، فرصت های فردی در بعد گروهی هم قید شده است. مراد از این عنوان، امکان تشکل گروهی به صورت داوطلبانه و عضویت داوطلبانه در گروه به منظور شرکت در نماز و دیگر فعالیت های اجتماعی متعاقب آن می باشد. به بیان دیگر، شرکت داوطلبانه نمازگزار در گروه نمازگزاران، باعث روابطی با دیگر نمازگزاران در عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می شود. توجه به این مطلب که در بعضی از مساجد و تکایا، افراد صنف خاصی به نماز مشغول می شوند [۷] و همچنین اشاره به اینکه تکرار روابط در عرصه های مختلف می

تواند زمینه بروز روابط انجمنی و تداوم آن را فراهم آورد؛ نمونه ها و مصداق های این گونه انجمن ها عبارتند از: انجمن های دینی و ذهبی - انجمن های خیریه جهت کمک به فقرا، مستمندان و نیازمندان و انجمن های سیاسی. ارادی بودن عضویت و داوطلبانه بودن فعالیت در این انجمن ها باعث می شود تا روابط گرمی بین اعضای این انجمن ها به وجود آمده و این روابط بر اساس، اصل مجاب سازی تنظیم شود.

[صفحه ۸۹]

همچنین این انجمن ها باعث تقویت و تعمیم همبستگی اجتماعی بوده، مشارکت اجتماعی را در امور مختلف افزایش می دهد و جلوی تراکم قدرت در جامعه و بروز استبداد و خودکامگی را می گیرد. علاوه بر این روابط انجمنی که در زیر سایه نماز ایجاد می شود باعث گسترش مشورت و ابراز عقیده جهت حل معضلات اجتماعی، بالا بردن تحمل اجتماعی افراد در برخورد با سلايق و نقطه نظرها می شود. نمونه این نوع رفتار را در سخنان مولای متقیان حضرت علی(ع) می توان دید؛ که فرموده: «اندیشه را پاره ای به پاره ای دیگر بزنید تا رأی درست زاید و بدست آید». [۸] و «همانطور که سقا آب را در مشک بجنبانید، اندیشه را همانطور به جنبانید تا درست ترین رأی بدست آید». [۹] و «آگاه باش خردمند کسی است که با اندیشه درست رو به سوی رأی ها آرد و پایان کارها را بنگرد». [۱۰] و «آن کس که از آراء و اندیشه های مختلف استقبال کند، زمینه های اشتباه و مواضع لغزش ها را خواهد شناخت». [۱۱].

- در مورد قضیه چهارم: تحقق شخصیت رشد یافته و شکوفا به عنوان شخصیت غالب در بین نمازگزاران جامعه ای، ممکن است که در آن نوعی اجتماع عام به وجود آورده، اختلالات چهارگانه هنجاری، نمادی، توزیعی و رابطه ای را تنزل دهد. (بعداً توضیح داده خواهد شد) نماز باعث می شود فرد نمازگزار هم با افراد نمازگزار و هم با «ما» و «گروه های» نمازگزار ارتباط برقرار نموده عضو آن «ما» و «گروه ها» شود. در نتیجه فرد نمازگزار مشارکت خود را در جامعه افزایش می دهد که این امر باعث می شود فرد

[صفحه ۹۰]

نمازگزار بیگانه از جامعه نشود. علاوه بر این نمازگزار تنها به خانواده خود متکی نبوده و در عرض جامعه به صورتی بیشتر عام گرایانه برخورد نماید. نماز باعث می شود مشارکت و اشتغال ذهنی نمازگزار در امور اجتماعی افزایش یابد و این امر وی را وادار می سازد تا نقش یک فرد مسؤول را به صورتی صحیح و آزادانه در چارچوب فرهنگ جامعه ایفا نماید و در تصمیم گیری گروهی، با حضوری فعال و بعنوان ناظری بصیر به فعالیت پردازد. تحقق این امور منوط به این موضوع است که نخبگان در جامعه چگونه عمل نمایند. اگر نخبگان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه متأثر از فرهنگ نماز باشند؛ هم نوعی مفاهمه بین آنها بوجود آمده، هم به هویت مسلمانی و جمعی نمازگزار توجه داشته و هم راغب به تغییراتی در جامعه می شوند تا جامعه بسوی کمال مطلوب سیر نماید. در این شرایط، جامعه بدون تشتت و شکاف های مختلف راه خود را جهت رسیدن به اهداف والا طی می نماید.

[۱] همان، ص ۱۷.

[۲] پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص ۴۹.

[۳] جامعه شناسی نظم، ص ۲۳۹.

[۴] زمر آیه ۱۷.

[۵] پیامبر اکرم (ص) فرمود: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة.

[۶] ر. ک به تحف العقول، ص ۴۹، حدیث از حضرت محمد (ص).

[۷] حضور نمازگزاران بازاری در مساجدی که در بازار است و....

[۸] غرالحکم، ص ۱۳۹، ح ۸۹.

[۹] همان، ص ۱۳۹، ح ۹۱.

[۱۰] همان، ص ۱۶۴، ح ۲۷.

[۱۱] نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳.

تعامل

«تعامل دارای دو وجه ابزاری و اظهاری است. برخلاف وجه ابزاری، آنچه افراد را با یکدیگر پیوند می دهد و باعث تداوم و شکل گیری تعاملات می گردد، وجه اظهاری تعامل است. نماز بیشتر وجه اظهاری تعامل را به وجود می آورد. تعامل دارای انواعی است شامل مبادله ای، قدرت، ارتباطی و گفتمانی.» [۱] نماز بر روی انواع تعامل بیان شده اثر می گذارد.

نماز بر تعامل یا روابط مبادله ای بصورت رد و بدل نمودن پول، کالا و خدمات (مثل کمک به نیازمندان و ...) بین نمازگزاران، بر تعامل یا روابط قدرت، پیروی از دستورات (مانند پیروی از فرامین مراجع عظام، ولی امر و ...)، بر تعامل یا روابط ارتباطی بصورت رد و بدل نمودن عاطفه، حق و تکلیف و بر تعامل یا روابط گفتگویی بصورت رد و بدل شدن اطلاعات و برداشت ها جهت رسیدن به فهم و تفاهم، تأثیر فراوانی دارد.

[۸] جامعه شناسی نظم، ص ۱۸.

ما و گروه

در نتیجه ی ترکیب دو عنصر «فرد» و «تعامل» عنصر سومی بنام «ما» و «گروه» بوجود می آید. این عنصر از طریق وجه اظهاری تعامل بوجود می آید.

«ما» و «گروه» نمازگزاران هم رابطه خود را با محیط خویش تنظیم می نمایند (بعد ابزاری) و هم امام جماعت را به عنوان رهبر خود تلقی می کنند. (بعد سیاسی) و هم در بین اعضای آن نقش اطلاعات، انتقال آنها و یادگیری دارای اهمیت فراوانی است (بعد فرهنگی) و هم دارای تعاملاتی هستند (بعد اجتماعی). با تشکل «ما» و «گروه» نمازگزاران می توان از نوعی نظم اجتماعی خُرد سخن به میان آورد. این «ما» و «گروه» بوجود آمده جهت حفظ خود و همچنین حفظ الگوهای تعاملی خود با مسائل زیر روبرو است: الف. همفکری مشترک، ب. همگامی (هماهنگی) مشترک، ج. همدلی مشترک، د. همبختی مشترک. [۹].

الف. همفکری مشترک: نماز مجموعه ای از نمادها، اطلاعات و ارزش های مشترک را در بین نمازگزاران منتقل می کند که این امر باعث پایداری نسبی تعاملات و «ما» و «گروه» نمازگزاران می باشد. وجود این مجموعه نمادها، اطلاعات و ارزش های مشترک باعث ایجاد و حفظ نظام شخصیتی پیشرفته ای در نمازگزاران می شود. علاوه بر

این وجود این مجموعه نمادها، اطلاعات و ارزش های مشترک، باعث جلوگیری از اختلال در هر سه عنصر فرد، تعامل، «ما» و «گروه» می شود.

ب. همگامی (هماهنگی) مشترک: نمازگزاران در موقع نماز از سلیقه های شخصی دست بر می دارند و در نماز جماعت، مصالح جمعی و بلندمدت را تحت الشعاع مصالح فردی و کوتاه مدت قرار نمی دهند. نمازگزاران حتی در مواقع غیرنماز هم از نوعی وحدت عمل و هماهنگی لازم برخوردارند.

ج. همدلی مشترک: همدلی مشترک در واقع احساس بین «ما» و «گروه» نمازگزاران است که در بین افراد نمازگزار بوجود می آید. این احساس، تعهد و وابستگی عاطفی را در بین نمازگزاران بوجود آورده و تعامل اجتماعی را در بین آنها معنی دار می سازد.

د. همبختی مشترک: همبختی مشترک یعنی نفع و اقبال مشترک. نمازگزاران نیازهای مشترکی دارند که ریشه نفع مشترک آنها را تشکیل می دهد. تأمین این نیازها در جمع بیشتر امکان پذیر است و یکی از دلایل جمعی خواندن نماز می تواند همین امر باشد. تأمین این نیازها یک تشریک مساعی را در بین نمازگزاران ایجاد و برقرار می کند. این نیازها و نفع مشترک و تشریک مساعی تنها در زمان نمازخواندن نیست؛ بلکه به قبل و بعد از نماز خواندن هم مربوط می شود. (مشروط بر اینکه «ما» و «گروه» نمازگزاران

[صفحه ۹۳]

بوجود آمده، تداوم یابد) وجود فعالیت های گروه ها و افراد خیر جهت کمک به مستمندان، فقرا و نیازمندان، کمک به ساخت و تعمیر مساجد و تکایا، کمک به جبهه و جنگ در زمان دفاع مقدس، کمک به سیل زدگان و زلزله زدگان در موقع لزوم، همکاری افراد نمازگزار در اوج گیری انقلاب اسلامی در انتهای دوره رژیم گذشته، تلاش و فعالیت نمازگزاران برای کمک به یکدیگر جهت بالا بردن اطلاعات دینی و مذهبی و بالا بردن تقوی و ایمان و... نمونه هایی از این نیازها و نفع مشترک و تشریک مساعی می باشد.

[۱] برگرفته از جامعه شناسی نظم، ص ۱۹.

نماز بعنوان نظام

نماز مجموعه ای از مفاهیم، معانی، نمادها و... بوده که به ۲ بخش؛ هدف اصلی (مانند: ارکان و واجبات نماز) و غیراصلی (مانند: مستحبات نماز) تقسیم شده، دارای اجزای عام (مانند: قبول یگانگی خداوند سبحان و یا کرنش و تعظیم در برابر او) و اجزای خاص (مانند قبول رسالت پیامبر اکرم(ص) و یا قبول ولایت حضرت علی(ع)) [۱] می باشد که با سایر موارد فروع دین، فضایل اخلاقی و ارزشهای والای انسانی همپیوندی داشته دارای ساختار و کارکردهایی است. [۲] نماز خرده نظامی از نظام دین اسلام است. این خرده نظام «نماز» مفاهیم، معانی، نمادها و... را طوری از دین اسلام گرفته تا

[صفحه ۹۴]

ثبات و تعادل خود را حفظ نماید. تعادلی که در نماز وجود دارد از نوع تعادل در نقطه ثابت نبوده؛ بلکه تعادلی پویا است و می تواند نمازگزار را به سطوح بالای ایمان و اخلاص برساند. بیان مفاهیم و معانی و انجام اعمال نماز توسط نمازگزار بعنوان بازخوران (back feed) برای این سیستم محسوب می شود.

در صورتی که نمازگزار آنها را درست و بجا بکار برد، بازخوران مثبت است و اگر بیان مفاهیم و معانی و انجام اعمال توسط نمازگزار بطور صحیح بکار برده نشود، می توان بعنوان بازخوران منفی از آن یاد کرد. در صورتی که نمازگزار از بازخوران منفی نماز خود مطلع شود، متوجه تفاوت یا انحراف از هدف سیستم نماز خود شده و می تواند به تنظیم و تصحیح نماز خود بپردازد. رکعت را می توان بعنوان خرده نظام نماز محسوب نمود. اجزای نماز دارای وابستگی نسبت به یکدیگر هستند. درجه وابستگی این اجزا به یکدیگر متفاوت است. بعضی از اجزای نماز، اصلی و مهم بوده و مرکز وابسته بودن قرار می گیرند؛ ولی بعضی اجزا غیراصلی بوده و بیشتر وابسته می شوند. در صورتی که اجزای اصلی در نماز آسیب ببینند (مثلاً نمازگزار ارکان یا واجبات نماز را رعایت نکند) سیستم نماز آسیب می بیند (ابطال یا کم ارزشی نماز را به دنبال دارد). این نظام دارای دو محیط داخلی و خارجی است. در محیط داخلی، میان اجزای نماز، حد و مرزی وجود داشته که هر جزء دارای نقطه شروع و حدّ نهایی عملیاتی - مفهومی است. نهایتاً نماز از نقطه ای شروع شده و به جایی ختم می شود؛ خارج از این محدوده، محیط خارجی

نماز محسوب می شود. نماز، سیستم باز و گشوده ای است (مثلاً: نمازگزار می تواند در رکعت‌های اول و دوم نماز، هر سوره ای را که مایل باشد

[صفحه ۹۵]

و یا در قنوت هر خواسته ای را که دارد، عنوان نماید و یا در رکعت های سوم و چهارم، یک تسبیحات اربعه و یا بجای آن سوره حمد بخواند) باز بودن این سیستم هم دارای حد و مرزی است. نماز برای قسمت مستحبات، باز بوده و برای قسمت واجبات بسته است. در وندادهای سیستم نماز شامل مفاهیم، معانی، نمادها و... می باشند که در قالب های مختلف از جمله: شهادت دادن بر یگانگی خداوند سبحان با ویژگیهای خاص، قبول رسالت پیامبر اکرم(ص) و ولایت حضرت علی(ع)، بیان بهترین عمل بودن، یاری جستن از خداوندی که فقط او لیاقت عبادت را دارد، قبول معاد، درخواست صراط مستقیم از خداوند متعال[۳] و... توسط نمازگزار اظهار می شود. این دروندادها بصورتی فشرده، خلاصه، لطیف و شیوا توسط نمازگزار با یک سری حرکات جسمی خاص و در بعضی مواقع نمادین به زبان آورده شده که فراگرد تبدیل یا دگرگون سازی عملیات معرفی می شود. برون دادها یا تولیدات این سیستم که جزء اهداف آن به حساب می آیند عبارتند از: اظهار بندگی توسط نمازگزار، جلوگیری از کبر و غرور در نمازگزار، جلوگیری از فحشا و منکرات، ایجاد اطمینان قلبی و ... در صورتی که نمازگزار توجه کافی و لازم به اجزای نماز نداشته باشد، برون دادهای نماز وی بصورت ضایعات درآمده، در وی بندگی خدا، اطمینان قلبی، دوری از منکرات، عدم کبر و غرور و ... چندان متجلی نمی گردد. در این حالت چرخه فعالیت در نماز وی چندان مطلوب نمی باشد و تکرار نماز برای او شادی و نشاط به همراه ندارد. در صورتی که نمازگزار از انرژی، اطلاعات، اخلاص و ایمان کافی برخوردار باشد می تواند

[صفحه ۹۶]

در دوره های بحرانی مثل وسوسه های شیطانی به دوام و بقای نماز خود پرداخته و از نابودی سیستم نماز خود جلوگیری نماید.[۴] چه بسا نمازگزارانی که پس از مدت ها نماز خواندن، فراگردی را طی نمایند که به حالات نهایی مغایر با اهداف نماز برسند. (مثل: معاویه، یزید، خوارج نهروان نماز می خواندند اما حالت نهایی فراگرد نماز

آنها مغایر با اسلام و اهداف نماز بود) و یا نمازگزارانی که نماز شب هم می خوانند ولی حالت نهایی آنها مانند نمازگزارانی است که فقط نمازهای واجب را بجا می آورند؛ که اولی به چندپایانی و دومی به هم پایانی تعبیر می شود.

[۱] عام یا خاص بودن اجزای نماز نسبی است؛ به طوری که قبول رسالت پیامبر اکرم(ص) برای کل مسلمانان در مقابل فرقه ای از مسلمانان عام است ولی همین قبول رسالت در مقابل پیروان ادیان دیگر خاص است.

[۲] جهت اطلاع از اجزاء ساختار، کارکرد و همپوندی سیستم، به کتاب کم توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی، دکتر فریرز رئیس دانا صص ۲۵۹ - ۲۶۲ رجوع کنید.

[۳] رجوع کنید به مبحث شناخت شناسی، جهان بینی و ایدئولوژی نماز.

[۴] با توجه به اینکه نماز یک سیستم باز است و از انرژی و اطلاعات فراوانی برخوردار است؛ لذا توانایی این را دارد که بر آنتروپی و بی سازمانی فائق آید.

نماز جماعت به عنوان نظام اجتماعی

وقتی نماز به صورت جماعت برگزار می شود، نقش های اجتماعی مختلفی (نمازگزاران، امام جماعت، مکبر و ...) بوجود می آید. در این حالت، نماز به عنوان یک سیستم، پیچیده تر می شود. در این وضعیت، نماز جماعت، نظامی اجتماعی می گردد؛ چرا که پدیده ای اجتماعی و روانی است؛ هم واحدی از جامعه (وجه اجتماعی سیستم) محسوب شده و هم شامل افراد نمازگزار است (وجه روانی سیستم). وجه اجتماعی قید شده، بعد هنجاری و وجه روانی آن، بعد شخصی آن را تشکیل می دهد. رفتار نمازگزار هم تحت تأثیر بعد شخصی و هم تحت تأثیر بعد هنجاری قرار می گیرد. بعد هنجاری، به جوانب ساختاری اشاره می کند و بعد شخصی، جوانب فردی را شامل می شود. بعد شخصی از عناصر: نمازگزار، شخصیت

[صفحه ۹۷]

نمازگزار، نیازها و پیش آمادگی های نمازگزار که بر یکدیگر تأثیر دارند، تشکیل می شود. بعد هنجاری از عناصر: ساختار، نقش های اجتماعی و الگوی انتظارات جمع نمازگزاران که به طور متقابل با هم ارتباط دارند، تشکیل می شود. رجوع کنید به شکل (۱)

شکل (۱) ابعاد شخصی و هنجاری نماز جماعت

در نمازهای جماعت، رفتار یک نمازگزار نتیجه تعامل الگوی انتظارات جماعت نمازگزاران با نیازها و پیش آمادگی های خود وی می باشد. ایده آل ترین حالت آن است که نمازگزار هم انتظارات نقش خود و هم نیازهای شخصی خود را تحقق بخشد؛ و این امر پیش نخواهد آمد مگر بین این دو، هماهنگی لازم و کافی وجود داشته باشد. ملاک های رفتار نمازگزار در نماز جماعت مهم ترین ملاکهای رفتار نمازگزار در نماز جماعت عبارتند از: اثربخشی در نماز، کارایی در نماز، رضایت از نماز. رجوع کنید به شکل (۲)

شکل (۲) «ملاک های رفتار نمازگزاران در نماز جماعت» [۱].

الف. اثربخشی در نماز، به معنای میزان توافق رفتار نمازگزار در نماز جماعت با انتظارات جماعت است.
ب. کارایی در نماز، به معنای رابطه میان رفتار نمازگزار در نماز جماعت با نیازها و پیش آمادگی های نمازگزار است.
ج. رضایت از نماز، به معنای رابطه میان نیازها و پیش آمادگی های نمازگزار با انتظارات جماعت است. هرگاه میان رفتار نمازگزار در نماز جماعت با انتظارات جماعت توافق وجود داشته باشد، اثربخشی در حد بالایی است. زمانی که میان رفتار نمازگزار در نماز جماعت با نیازها و پیش آمادگی های نمازگزار هم خوانی باشد، کارایی در حد بالایی است. موقعی که میان انتظارات جماعت با نیازها و پیش آمادگی های نمازگزار توافق و هم خوانی وجود داشته باشد، رضایت در حد مطلوبی خواهد بود؛ در این حالت نمازگزار تمایل شرکت در نمازهای جماعت را از خود بیشتر بروز می دهد.

[صفحه ۹۹]

[۱] برگرفته از مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، ص ۱۶۸ (با تغییر).

ساخت (ساختار) نماز

با توجه به این که نماز یک نظام است، دارای ساخت می باشد. ساخت نماز عبارت از مجموعه مفاهیم، معانی، نمادها، اجزا و ... و نحوه ترکیب آنها می باشد. ساخت نماز دارای عناصری است که می تواند نظم آن را محفوظ دارد؛ ولی این ساخت شدیداً متحجر و متصلب نبوده بلکه انعطاف پذیر است و امکان تغییر و دگرگونی را میسر می سازد؛ بعنوان مثال: نماز مسافر و نماز غرقا یا آزادی فرد نمازگزار در خواندن مستحبات نماز، نوع سوره ای که در رکعتهای اول و دوم می تواند بخواند، نوع ذکر قنوت، در مورد تسبیحات اربعه، یا وقت نماز خواندن البته در محدوده خاص و سرعت نماز خواندن.

ساخت نماز دارای ابعاد هنجاری، نمادی، تعاملی و فرصتی می باشد.

بعد هنجاری ساخت نماز

نماز بوجود آورنده قواعد اجتماعی می باشد. این قواعد، بالقوه قدرت انسجام و نظم دهنده گی جامعه را در عرصه های گوناگون افزایش می دهند.

بعد هنجاری ساخت نماز شامل چهار نوع هنجار می باشد. شکل (۳)

شکل (۳) انواع قواعد اجتماعی نماز

الف. هنجارهای رویه ای نماز : هنجارهای رویه ای نماز

[صفحه ۱۰۰]

دستورالعمل هایی مربوط به چگونگی انجام نماز است. این هنجارها بر اساس مقتضیات زمان و مکان صورت خارجی به خود می گیرد و غالباً همراه با دگرگونی در جامعه و گذشت زمان دگرگون می شود. نمونه آن را می توان نظر امام راحل (ره) در مورد نماز در بلاد کبیره و یا نظر آیت ... صانعی در مورد سن تکلیف شرعی دختران و موارد دیگر را بیان نمود. هنجارهای رویه ای نماز می توانند کاملاً ابزاری و عقلانی باشند. این هنجارها جزء عناصر تغییر اجتماعی محسوب می شوند

ب. هنجارهای سازمانی نماز: این نوع هنجارها بر مبنای هنجارهای اجتماعی و اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز با توجه به مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی و عوامل دیگر، توسط گروهها، سازمانها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و حکومت وضع می شود. بعنوان مثال: مقرراتی را که در ارتباط با برگزاری نماز در ادارات، مؤسسات و کارخانه ها و تأثیر آن در ترفیعات و اعتبار پرسنل آن اداره، مؤسسه، کارخانه و ... وجود دارد، می توان نام برد. هنجارهای قانونی و سازمانی می توانند کاملاً ابزاری و عقلانی باشند.

ج. هنجارهای اجتماعی نماز: هنجارهای اجتماعی نماز، وظایف و حقوق نمازگزاران را بر اساس هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) مشخص می کنند. مانند تعطیل شدن بازار در موقع نمازهای یومیه در بعضی از جوامع اسلامی، یاری طلبی از نمازگزاران برای کمک به فقراء، مستمندان و نیازمندان در هنگام نماز در مساجد، تکایا و ... د. هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز:

این هنجارها بر اساس ارزش ها و باورهای دینی و مذهبی شکل می گیرند. این نوع هنجارها اساساً به تعیین حق می پردازند و خصلت آمرانه دارند؛

[صفحه ۱۰۱]

مثال: تعداد رکعت های نماز، ارکان و واجبات نماز و ... در این نوع هنجارها است که مشخص می شود چه فردی می تواند نماز بجا آورد و چه کسی نمی تواند نماز بخواند؛ بعنوان مثال: کسی می تواند نماز بخواند که شرایطی چون ایمان و اعتقاد به حضرت حق، روز جزاء و پیامبر اکرم (ص) و ... داشته باشد. در قرآن مجید آمده است که: «وقتی در حالت مستی هستید به نماز نزدیک نشوید.» [۱] در این هنجارها است که مشخص می شود چه نمازی مورد قبول حضرت حق قرار گرفته و چه نمازی کم ارزش و یا بی ارزش است. [۲] در هنجارهای اخلاقی ارزش و جایگاه نماز، توسط هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) مشخص می شود. [۳] لازم به ذکر است که هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز دارای دو بعد نظری و عملی است.

بعد نظری هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز، اصول و قواعد مربوط به حق و تکلیف است و بعد عملی آن به احساس تعهد و مسئولیت نمازگزاران نسبت به اصول و قواعد فوق مربوط می شود. در صورتی که بین بعد نظری و عملی هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز شکافی بوجود بیاید، شکاف بوجود آمده متوجه بعد نظری نیست؛ زیرا این بعد از هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) از جانب حضرت حق و بوسیله وحی و بر اساس نیازهای فطری انسان

می باشد. ریشه این شکاف را باید در بعد عملی اینگونه هنجارها جستجو نمود؛ بعدی که برپایه شبکه روابط اجتماعی و چگونگی آن استوار است.

[صفحه ۱۰۲]

خالی از لطف نیست، اگر بیان شود که تفاوت هنجارهای رویه ای با هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز عبارتست از:

هنجارهای رویه ای نماز نسبت به هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز از ثبات کمتری برخوردار هستند. منشاء پیدایش هنجارهای ایدئولوژیک (اخلاقی) نماز، کلام حضرت حق بوده که از طریق وحی ابلاغ شده، در صورتی که منشاء پیدایش هنجارهای رویه ای، نظرات مجتهدین و مراجع عظام می باشد. این نظرات دارای پایه ها و مایه های عقلی است.

در ادامه بحث درباره هنجارهای نماز باید گفت: چون نماز هنجارهایی را ایجاد می کند که دارای بار عاطفی می باشد، تا حدودی اثر انسدادی بر تغییرات اجتماعی دارد؛ ولی این اثر انسدادی نماز زیاد نیست؛ [۴] زیرا: تعداد هنجارهای غیراجباری (مستحبات نماز) که در نماز وجود دارد اگر نگوئیم زیاد هستند، می گوئیم کم نیستند. روابط هنجارهایی که نماز ایجاد می کند دارای میزانی از هماهنگی بوده موجب ایجاد تعارضی نمی شود. نوع هنجارهای اجتماعی که نماز بوجود می آورد برخاسته از مفاهیم و معانی غنی اسلامی و نیازهای واقعی و اساسی انسان است و متعلق به گروه یا قشر خاصی نیست.

[صفحه ۱۰۳]

حوزه پوشش هنجارهای اجتماعی بیشتر جنبه عام گرایانه داشته، سعی در اتصال نمازگزاران به اسلام دارد، که این امر باعث کم اهمیت شدن «گروه» و «ما»های کوچک در مقابل مسلمانان می شود.

چون هنجارهای اجتماعی را که نماز بوجود می آورد، برخاسته از مفاهیم و معانی غنی اسلامی و نیازهای واقعی و اساسی انسان است، به میزانی جنبه عقلانی دارد؛ بنابراین، اولاً: نماز و قواعد اجتماعی بوجود آمده از آن مانعی بر

سر راه خلاقیت ها و نوآوری های انسانی نبوده بلکه مشوق تفکر و تعقل می باشد؛[۵] که این امر خود باعث بروز خلاقیت و نوآوری، و نشو و نما می باشد.

ثانیاً: نماز و هنجارهای اجتماعی بوجود آمده از آن باعث افزایش نیروی هنجاری جامعه می گردد و این افزایش مترادف با افزایش انسجام اجتماعی است. افزایش نیروی هنجاری جامعه باعث فزونی و تقویت امکان تشریک مساعی و همکاری اجتماعی می گردد. این امر خود از پیش نیازهای سازندگی جمعی است. ترکیب منظم و هماهنگ نمازگزاران در نماز جماعت باعث این امر می شود که این نمازگزاران به شکل جمعی قادر به انجام اعمالی شوند که به صورت فردی از انجام آن ناتوانند؛ در نتیجه نماز جماعت، باعث تشریک مساعی و همکاری اجتماعی می شود.

اگر هنجارهای رویه ای نماز و هنجارهای اجتماعی نماز، متضاد نبوده، مکمل یکدیگر باشند، به نحوی که هنجارهای رویه ای نماز بتوانند انرژی مادی فزاینده ای را برای جامعه مهیا نمایند[۶] و در همان حال هنجارهای

[صفحه ۱۰۴]

اجتماعی نماز بتوانند انرژی عاطفی جامعه را تأمین نمایند؛ امکان نشو و نما و بروز خلاقیت افزایش پیدا می کند، که این امر توسعه اجتماعی را آسان می کند.

[۱] سوره نسا، آیه ۴۲.

[۲] رجوع کنید به مبحث تعریف نماز، بند فضایل اخلاقی؛ همچنین مبحث آفات نماز.

[۳] رجوع کنید به مبحث مبنای تئوریک نماز.

[۴] نماز زمینه و شرایط را برای تغییر اجتماعی تا آن جا آزاد می گذارد که جامعه در مسیر منطبق با ارزشهای والای انسانی قرار گیرد. از طرف دیگر با پیروی نمازگزاران از معانی، مفاهیم، نمادها و ... نماز، نوعی اشتراک و یکسانی در هنجارهای اجتماعی آنها بروز می کند و از تعداد زیاد هنجارهای اجتماعی درحد خود جلوگیری می کند.

[۵] در جای جای (آیات فراوانی از) قرآن و کتب حدیث دعوت به تفکر و تعقل شده است.

[۶] این امر بر عهده ی مراجع عظام می باشد.

بعد نمادی ساخت نماز

اولاً: توجه و تأکید اسلام بر تفکر و علم، و نماز همراه با تفکر و تعقل، زمینه را برای گسترش علوم فراهم آورده و مآلاً امکان تغییر جهت دار و اصلاح جامعه و طبیعت را افزایش می دهد.

ثانیاً: تکلیف شناسی در بالاترین سطح فرهنگی مشخص کننده رابطه و وظایف انسان نسبت به خدا، خود، جامعه و جهان می باشد.

همراه و مکمل بودن دو بند فوق الذکر با هم که زیر سایه نماز تحقق پیدا می کند، امکان بالقوه تکامل و تعمیم اخلاقی را در جامعه فراهم می کند. انسان به عنوان موجودی ذی شعور و خلاق، متناسب با سیر و درجه رشد و تکامل خود محتاج دانستن بوده، است. این احتیاج برای نمازگزاران هم مطرح بوده، مثل سایر انسان ها چهار سؤال اساسی برای او نیز مطرح بوده است. این سؤالات عبارتند از: این جهان چیست؟ چگونه می توان در این جهان جاودان ماند؟ امور مطلوب و پسندیده در این جهان چیست؟ رابطه و نسبت انسان با آنچه وجود دارد چیست؟ (از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ وطن اصلی و نهایی من کجا است؟ تکلیف من در این جهان چیست؟). در واقع آگاهی و پاسخ به این سؤالات است که پایه فرهنگ یعنی نظام های نمادین، معانی، اندیشه های منظم و متنوع بشری را در خلال زمان تشکیل می دهد. نماز بصورتی کامل و شیوا به سؤالات فوق پاسخ می دهد.

[صفحه ۱۰۵]

شکل (۴) انواع علقه شناخت [۱].

میل به دانستن و شناختن به چهار صورت امکان پذیر است. شکل (۴)
نماز مشوق نمازگزاران برای دستیابی به انواع این شناخت ها می باشد.

الف . میل به درک عقلی از جزئیات (منشاء علم تجربی) : تأکید اسلام و قرآن بر سیر و سفر در زمین و شناخت عاقبت تکذیب کنندگان راه حق و مواردی از این قبیل، باعث درک عقلی از جزئیات می شود. نمونه های آن را می توان در بوجود آمدن و گسترش علوم تجربی در بین مسلمانان (نمازگزاران) در گذشته بیان نمود. روش تجربی که در بین علمای مسلمان بوده، مستند به متون اسلامی است. مولای متقیان(ع) در موارد زیادی لزوم تکیه علم را بر تجربه گوشزد فرموده است [۲].

ب . میل به درک حسی از جزئیات (منشاء هنر) : توجه مسلمانان (نمازگزاران) به هنر معماری بکار رفته در مساجد، آهنگ و موسیقی بکار رفته در قرائت قرآن، اذان، روضه خوانی، نوحه خوانی، تعزیه و پرده خوانی و هنر بکار رفته در سجاده، مهر و تسبیح (سبحه) و دیگر انواع هنر موجود در بین

مسلمانان و نمازگزاران نمونه ایی از میل به درک حسی از جزئیات می باشد.

ج . میل به درک حسی از کلیات (منشاء عرفان) : تعدادی از نمازگزاران به درجه ای از شناخت میرسند که می توانند حقایق را با چشم ملکوتی و بصیرت الهی دریابند.

د . میل به درک عقلی از کلیات (منشاء علم تفسیری) : نظرات فلسفی، فلاسفه اسلامی و برداشت ها، تأویل و تفسیری که نمازگزاران، مفسران و علما از قرآن، نهج البلاغه و احادیث دارند نشانه ای از این میل به درک عقلی از کلیات می باشد.

[۱] جامعه شناسی نظم، ص ۶۴.

[۲] رجوع کنید به کتاب علم، از دیدگاه اسلام، مرحوم استاد جعفری (ره)، ص ۱۸.

بعد تعاملی ساخت نماز

رابطه ای که بین نمازگزاران در نماز جماعت برقرار می شود هم رابطه ای ابزاری است یعنی از آن نوع رابطه که نمازگزاران وقتی با هم رابطه برقرار می کنند، دارای هدفی هستند؛ به عبارت دیگر این رابطه خود هدف نمازگزاران نیست. این رابطه باعث می شود که راه برای ورود نمازگزاران جدید در نماز باز بماند؛ که این خود باعث رابطه اجتماعی بین گروهی می گردد. این رابطه اجتماعی بین گروهی، خود می تواند باعث تحکیم انسجام کلی اجتماعی گردد. همانطور که قبلاً ذکر شد. (در نظام شخصیتی) بالا رفتن قدرت خردورزی و فعال گرایی که در فرد نمازگزار بوجود می آید؛ در صورت گسترش دامنه نفوذ خردورزی و فعال گرایی در جامعه، امکان محاسبه و طراحی، نوآوری و خلاقیت را در جامعه افزایش می دهد. از طرف دیگر رابطه ای که بین نمازگزاران در نماز جماعت بوجود می آید تنها رابطه ای ابزاری نیست بلکه رابطه اظهاری هم می باشد. در این رابطه، ارتباط اجتماعی بین نمازگزاران گرم و از روی صمیمیت و همراه با تعهد و اعتماد

است. در این رابطه نمازگزاران به فکر یکدیگر می باشند. به دلیل دوستی و معاشرت هایی که بین نمازگزاران بوجود می آید، نوعی پاداش روانی و ذهنی را کسب می نمایند و این خود نفعی است که از طریق این رابطه اظهاری بدست می آورند. در این نوع رابطه اظهاری طرفین ارتباط، از قبل می توانند رفتارهای اجتماعی یکدیگر را پیش بینی نمایند.

در رابطه ابزاری، امکان بروز خصوصیات خودخواهانه، فردگرایانه و خصومت آمیز وجود دارد و همچنین در رابطه اظهاری، امکان بروز انسجام کلی در سطح کل جامعه و مسلمانان از بین می رود؛ زیرا نمازگزاران با افراد محدودی رابطه اظهاری برقرار می کنند؛ ولی در واقع در بعد تعاملی ساخت نماز، ترکیب این دو نوع رابطه ابزاری و اظهاری و حذف جنبه های منفی هرکدام از این دو نوع رابطه، گامی مؤثر برای کسب انرژی عاطفی و حفظ طراوت فرهنگی می باشد. این امر خود باعث تقویت هویت اجتماعی مسلمانان شده، تعهد عمومی را افزایش می دهد. در ادامه مبحث بعد تعاملی ساخت نماز باید بیان کرد که نماز، نمازگزاران را وادار به کنش خاصی می نماید. این کنشها دو نوع هستند:

اول؛ کنش هایی که زمینه را در نمازگزاران فراهم می سازد تا به طرف ارزش های والای انسانی سیر نمایند که این امر نشان دهنده تغییر است.

دوم؛ کنش هایی که زمینه را در نمازگزاران ایجاد می نماید تا در مسیر ارزش های والای انسانی ثابت بمانند که نشان دهنده ثبات و دوام می باشد.

در دسته اول از کنش های فوق الذکر، تأکید نماز بر یادگیری نمازگزاران شامل کار و تلاش جهت بهتر برقرار کردن نماز، محاسبه، دقت و هماهنگی با معانی و نمادهای نماز در اسلام است. در نتیجه تماس نمازگزاران با معانی،

[صفحه ۱۰۸]

نمادها و ارزش های اسلامی و همچنین تجربه شخصی و تجربه ای که از دیگران آموخته و عمل نموده است، تغییری در رفتار نمازگزاران بوجود می آید، که از آن به عنوان یادگیری یاد می شود. با افزایش یادگیری، هوشمندی و نقشه شناختی نمازگزار افزایش می یابد. در واقع نماز تکرار نیست؛ بلکه تذکر و عروج است. «... نماز تکرار نیست؛ بلکه معراج است. پله های یک نردبان همه مثل هم است؛ اما هر پله یک قدم انسان را رو به بالا می برد» [۸].

«تذکر و یاد کردن خدا باعث اطمینان و صفای قلب می شود.» [۲].

اگر انسان توانست آنچه را که تحلیل می کند و به آن علم دارد، عمل کند، در این صورت مشهود (عمل، فعل و حس) همان معقول (تعقل و علم) می شود. وقتی مشهود و معقول یکی نشوند، تضاد حاصل می شود؛ یا باید مشهود به طرف معقول برود که در این حالت، فرد، انسان کاملی می شود (یکی از راههای رسیدن مشهود به معقول ذکر است). و یا باید معقول به طرف مشهود برود که در این حالت، فرد کافر می شود. و راه رسیدن معقول به مشهود، غفلت است. بدین وسیله دو راه فوق راه حل محو تضاد بین مشهود و معقول است. اگر نماز، ذکر باشد، می تواند مشهود انسان را به معقول برساند. نماز باید یادآوری باشد نه عادت؛ نماز برای سلب عادت است، پس باید مواظب بود که خودش عادت نشود و گرنه قدرت عادت شکنی اش را از دست می دهد. [۳].

[صفحه ۱۰۹]

نماز به نوعی کار و صرف انرژی برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب است تا نیازهای فطری انسان را برآورده سازد. نمازگزار برای این تبدیل نیازمند برآورد، طراحی و انتخاب کنشی است تا این مهم را عملی سازد (محاسبه) در زیر سایه تقسیم وظایف و کار، تشریک مساعی و همگامی با دیگر نمازگزاران در نماز جماعت بهره وری نماز افزایش می یابد.

در دسته دوم از کنش های فوق الذکر، تأکید نماز بر توجه و درونی کردن ارزشهای اسلامی و وفاداری به پندارها و اندیشه ها، تقلید و انجام اعمالی که مشخص شده است، می باشد. بر اساس نفوذ کنش های مختلف نمازگزاران بر یکدیگر، بی هویتی فردی و اجتماعی، بی ثباتی و سردرگمی از بین رفته، جای آن را، پیدایش هویت فردی و جمعی، خلاقیت، سازندگی و تکامل انسان می گیرد. ترکیب کنش های مختلفی که امکان بروز بین نمازگزاران را داشته باشد، اشکال پیچیده و متنوعی را به خود می گیرد.

شکل (۵) انواع کنش [۴].

از طرف دیگر، در بین انواع کنش (شکل (۵))، نماز کنشی ارزشی است؛ این کنش (نماز) مسئولیت عمده تولید اندیشه ها و علائم را بر عهده دارد. نماز در عین اینکه خود در چارچوب اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و... است؛ به شیوه ای استدلالی به تولید، باز تولید و ترکیب ارزش ها، اندیشه ها و علائم

[صفحه ۱۱۰]

می پردازد

[۱] تفسیر نماز، ص ۳۲.

[۲] رجوع کنید به ذکر الله، سید کاظم ارفع، ص ۱۳؛ و قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۲۸.

[۳] نماز، استاد محی الدین حائری شیرازی، ص ۱۵ - ۲۹ (نقل به معنی).

[۴] جامعه شناسی نظم، ص ۶۵.

بعد فرصتی ساخت نماز

وجود امکانات ابزاری و مادی در اقامه و برگزاری نماز تأثیر دارد. در قطب مخالف، مضیقه های مادی و ابزاری حاد، مانعی بر سر راه اقامه و برگزاری نماز می باشد.

ایجاد و برقراری قسط و عدل در جامعه، وجود مساجدی با امکانات لازم و شایسته، و همچنین نوسازی و زیباسازی مساجد، تأثیر فراوانی در ایجاد، گسترش و تعمیق فرهنگ نماز در جامعه می گذارد.

در ارتباط با بحث تغییر اجتماعی، ساخت نماز، هم ایجاد کننده تغییر و هم محدود کننده تغییر است؛ عوامل ایجاد کننده تغییر در ساخت نماز عبارت از، هنجارهای رویه ای، معانی، مفاهیم، علم و معرفت، روابط ابزاری و امکانات بوده، عوامل محدود کننده تغییر در ساخت نماز عبارت از: هنجارهای اجتماعی، رابطه و تکالیف انسان (نسبت به خدا، خود، جامعه و جهان) از روابط اظهاری و... می باشد. همانطور که قبلاً گفته شد، نماز آن تغییرات اجتماعی را قبول دارد که انسان را در مسیر ارزش های والای انسانی و نیازهای فطری قرار می دهد. تغییرات اجتماعی که انسان را از مسیر ارزش های والای انسانی دور کند، مورد تأیید نماز نبوده با آن مخالفت می کند.

[صفحه ۱۱۱]

ابعاد نماز

ابعاد نماز عبارتند از: بعد اثباتی، بعد شخصیتی، بعد اجتماعی، بعد فرهنگی. (شکل (۶)).

شکل (۶) ابعاد نماز

بعد اثباتی نماز

در بعد اثباتی نماز، نمازگزار در برخورد اثباتی با محیط با صرف انرژی فکری، جسمی و هماهنگ با دیگران (اگر بصورت جماعت باشد) حداقل، نیاز معنوی (ذاتی) خود را برآورده می سازد. در ارتباط با این بعد، چهار وجه قابل بیان است. (رجوع کنید به شکل (۷)).

شکل (۷) ابعاد اثباتی نماز

الف . موضوع نماز :

موضوع نماز در واقع عبارت از: توجه و نیاز عبد به معبود، نیاز مخلوق به خالق، نیاز انسان به ماوراء است. نیازی که اگر به انحراف کشیده نشده

[صفحه ۱۱۲]

باشد. در همه انسان ها وجود دارد.

ب . فعالیت در نماز (فعالیت نمازگزار) :

این فعالیت، انجام یک سری حرکات جسمی خاص، منظم و منسجم می باشد. که اگر بصورت جماعت برگزار شود، این حرکات توسط امام جماعت، نظم و انسجام خاصی بخود می گیرد و با سرعت و صلابتی خاص انجام می شود.

ج . روابط در نماز (روابط بین نمازگزاران) :

این روابط از دو جهت قابل بررسی است. ۱- وقتی نماز به صورت فردی برگزار شود؛ در این حالت فرد نمازگزار تحت تأثیر قرار می گیرد و ارتباط خود را با دیگران و بخصوص نمازگزاران بر اساس روابط اظهاری و ابزاری برقرار می کند. ۲- وقتی نماز به صورت جماعت برگزار شود؛ در این حالت قبل از شروع نماز یا بعد از اتمام نماز، فرد نمازگزار بر اساس انواع روابط با دیگر نمازگزاران ارتباط برقرار می کند. این روابط عبارتند از: روابط گفتگویی (از نوع روابط ابزاری - اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی و اعتقادی و...) روابط اجتماعی «ارتباطی» (از نوع برادری و انجمنی)، روابط قدرت «سیاسی» (از نوع مجاب سازی و موظف نمودن) و روابط اقتصادی (از نوع مبادله نامتقارن گرم «مانند ایثار و کمک به نیازمندان» و مبادله متقارن گرم «مانند یاری و بیمه اجتماعی بین نمازگزاران» و مبادله متقارن سرد «مانند مبادله کالا و خدمات»).

[صفحه ۱۱۳]

د . کیفیت نماز نمازگزاران :

کیفیت نماز نمازگزار بستگی به این دارد که آیا شرایط صحت، قبولی و کمال را تا چه میزان رعایت نماید. میزان رعایت این شروط، بستگی به میزان ایمان، اعتقاد، تقوا، حضور قلب و موارد دیگری در نمازگزار دارد. بعضی از افراد که درجه ایمانی قوی ندارند و مجاهدت ها و ریاضت های لازم را جهت نیل به تقوی انجام نداده اند، از نماز خواندن خود نشاطی حس نمی کنند؛ که در نتیجه ، کیفیت نماز آنها بالا نیست. برعکس افرادی که در مدت های زیاد مجاهدت ها و ریاضت های فراوانی را تحمل نموده اند و دارای ایمان و تقوای زیادی هستند، نماز خواندن را هم صحبتی با معبود و معشوق خود می دانند؛ از نماز خواندن لذت برده، سعی در تداوم آن دارند و علاوه بر نمازهای واجب، نمازهای شب و نوافل را نیز بجا می آورند. در این حالت نماز دارای کیفیت بسیار بالایی می باشد.

نماز آن عزیزان و سرورانی که موقع نماز، معشوق و محبوب و یار زیبا و مطلق خود را ملاقات می کنند طوری که تن شریف آنها را یارای آن ملاقات نیست و یا نماز خواندن آن بزرگوارانی که در موقع نماز تیر از پایشان درمی آورند و متوجه نمی شوند مواردی از این دست، دارای بالاترین کیفیت ممکن است.

بعد شخصیتی نماز

انسان در چارچوب اجتماع و نظام فرهنگی و از طریق فرایند جامعه پذیری و براساس توانمندی های مختلف خود، نظام شخصیتی خاصی را کسب می نماید.

[صفحه ۱۱۴]

شکل (۸) ابعاد شخصیتی نماز

بر اساس شکل (۸) چهار جنبه را می توان برای بعد شخصیتی نماز قائل شد.

۵ - ۲ - ۱ - مهارت در نماز: مهارت در نماز از طریق آموزش و تجربه به دست می آید. این مهارت ها نه تنها در خانواده، که از طریق نظام آموزشی، رسانه های گروهی، سخنرانی ها، دوستان و همسالان و... صورت می گیرد. این مهارت ها در نماز، برکمیت و کیفیت نماز تأثیر فراوانی دارد.

۵ - ۲ - ۲ - محرک در نماز: محرک های زیادی را می توان برای نماز خواندن قائل شد؛ عده ای نماز می خوانند تا از عذاب دوزخ در امان باشند جمعی نماز بجا می آورند تا در بهشت جایی برای خود پیدا کنند و معدودی نماز می خوانند؛ چون خداوند سبحان را لایق و شایسته حمد، ستایش و ثنا می دانند؛ در روایتی آمده است: «عبادت کنندگان سه دسته اند: اول؛ گروهی که خدای عزّ و جل را از ترس عبادت می کنند و این عبادت بردگان است. دوم؛ مردمی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب عبادت می کنند و این عبادت مزدوران است. سوم؛ دسته ای که خدای عز و جل را برای دوستی اش عبادت می کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت ها

[صفحه ۱۱۵]

می باشد.» [۱] ؛ همچنین «امام صادق (ع) می فرمایند: چون روز قیامت فرارسد، بنده ای را می آورند که اهل نماز بوده و خود نیز چنین ادعا می کند. به وی می گویند تو بدان جهت نمازگزاری که تو را ستایش کنند؛ پس به ملائکه دستور می رسد او را بسوی آتش ببرید.» [۲] .

بنابراین، از طرفی، محرک های عبادت و نمازخواندن در افراد، گاه مطلوب و پسندیده است و آن زمانی است که اظهار عبودیت و جلب رضایت حضرت حق باشد، و زمانی محرک عبادت و نماز خواندن در افراد اظهار علاقه و عشق به محبوب واقعی و والا نبوده و شائبه ی شرک در آن عبادت و نماز مشاهده می شود.

از طرف دیگر، «...به طور کلی آثار و فواید عبادت از سه ناحیه به ما می رسد:

- فایده ای که از خود عبادت و نماز بطور مستقیم، عاید ما می شود؛ یعنی خداوند برای خواسته ها و مطلوب های فوق مادی ما، وسیله ای قرار داده است تا به واسطه آن به کمال مطلوب و خواسته های معنوی خود برسیم و یا به واسطه آن خویشتن سازی کنیم.

- ثمره ای که از خود نماز به طور مستقیم عاید ما نمی شود؛ بلکه چون به واسطه عبادت ما، اطاعت خدا می شود؛ خداوند نیز در مقابل آن، مشکلات ما را حل خواهد کرد.

- ثمراتی که از خود عبادت به طور مستقیم نصیب ما نمی گردد؛ بلکه عبادت کردن، زمینه رشد فعالیت ها و موفقیت ها را فراهم می آورد» [۳] علاوه

[صفحه ۱۱۶]

بر اینها نمازهای مستحبی بسته به نوع نماز، محرک های خاصی را می توان تصور نمود؛ مانند: نماز باران، نماز رفع گرفتاری و غمناک بودن، نماز رفع فقر و غنی شدن، نماز زیادی حافظه، نماز به خواب دیدن حضرت محمد(ص) [۴]

در یک تقسیم بندی می توان محرک های موجود در نماز را به دو دسته، محرک های بیرونی و درونی تقسیم نمود. الف . محرک های بیرونی در نماز: در محرک های بیرونی، نمازگزار تحت تأثیر عوامل بیرونی و آنی قرار دارد و نماز وسیله ای برای دست یافتن به هدفی خاص بوده، خود هدف نمی باشد؛ در این حالت رضایت از نماز در نتیجه اجرای نماز حاصل نمی شود؛ بلکه زمانی حاصل می شود که نتیجه و پیامدی مورد نظر برای نمازگزار داشته باشد.

محرک بیرونی در نماز دارای چهار بعد است. شکل (۹)

شکل (۹) ابعاد محرک بیرونی نماز

- پاداش مادی : یکی از محرک های بیرونی در نماز، پاداش مادی است که تعدادی از نمازگزاران از خداوند دارند. قبل و بعد از نماز و حتی در ضمن نماز، نمازگزار از خداوند طلب پاداش مادی (رزق و روزی، دوری از فقر و...)

[صفحه ۱۱۷]

می نماید؛ با توجه به این امر، نماز وسیله ای می شود تا نمازگزار به هدف خود برسد.

- وابستگی به دیگران (تحت حمایت و مراقبت بودن): در بعضی از مواقع (گرفتاری و مشکلات) فرد، در جریان ارتباط با دیگران، نیاز به حمایت و مراقبت را حس می کند. جمع نمازگزاران می توانند این حمایت و مراقبت را از افراد نمازگزار به عمل آورند؛ این امر به عنوان یک عامل ایجاد کننده رضایت (رضایت از نمازخواندن، رضایت از شرکت در نمازهای جماعت و...) برای فرد نمازگزار تلقی شود.

- پیوستگی اجتماعی: در افراد به میزانی میل به پیوستگی به دیگران وجود دارد (زمانی که پیوستگی به دیگران در راستای اعتقادات افراد باشد این میل افزایش می یابد و برعکس اگر پیوستگی به دیگران متفاوت یا متضاد با اعتقادات افراد باشد، میل به پیوستگی اجتماعی کاهش یافته و یا حتی قطع می شود). شرکت در نمازهای جماعت می تواند پاسخی به این میل درونی افراد باشد.

- احترام (عزت) : هرچه افراد جامعه ایمان و اعتقاد اسلامی بیشتر و قوی تری داشته باشند؛ نماز خواندن و شرکت در نمازهای جماعت را بعنوان یک عامل ایجاد کننده احترام مورد شناسایی قرار می دهند. کسب احترام از طریق نماز به عواملی مانند: تقوی، مردم داری، خوش خلقی، ایثار، وارستگی و عدم حب دنیا بستگی دارد.

ب . محرک های درونی نماز: بر خلاف محرک های بیرونی که نماز

[صفحه ۱۱۸]

بعنوان وسیله ای برای رسیدن به هدفی قرار می گیرد؛ محرک های درونی، خود نماز را هدف قرار می دهد و نماز خواندن باعث رضایت فرد نمازگزار می شود. در نتیجه، محرک های درونی عامل مهمی برای بالا بردن کیفیت نماز و بازدهی آن می باشد. منشأ این محرک های درونی، هم می تواند فردی و هم می تواند اجتماعی باشد. منشأ فردی این محرک به مواردی چون درجه ایمان، تقوی و عرفان نمازگزار بستگی دارد. منشأ اجتماعی محرک درونی به رشد شخصیت و نوع جامعه پذیری، میزان شفافیت فرهنگی و نوع فرهنگ جامعه، طرز تلقی فرهنگی غالب از نماز، میزان ارضای نیازهای افراد، نوع تغییرات اجتماعی و موارد دیگر بستگی دارد.

محرک های درونی نماز دارای چهار بعد است شکل (۱۰)

شکل (۱۰) ابعاد محرک درونی نماز

میل به فعالیت:

- نماز طوری طراحی شده که در لابلای آن حرکاتی که بی شباهت به ورزش نیست وجود دارد.
- شرکت در نمازهای جماعت، نوعی فعالیت را برای نمازگزار ایجاد می کند و آن رفتن به مکان نماز (مسجد) و فعالیت جهت رفع مشکلات دیگر نمازگزاران و مسلمانان است.

[صفحه ۱۱۹]

- شرکت در نمازهای جماعت، جلوگیری از منفعل شدن، نمازگزار و فعال بودن در صحنه های مختلف جامعه می باشد.

- میل به خودیابی :

- تمایل به آگاه شدن از توان مندی های خود و یا نمازگزاران (در نماز جماعت) جهت رویارویی و مقابله با نیروها و گروه های مخالف و محارب با مسلمانان یکی از محرک های درونی نماز است. نمازگزار در نماز از خداوند سبCHAN طلب کمک می کند تا در صراط مستقیم قرار گیرد. این کمک طلبی به وی حداقل، یک انرژی روانی می دهد.

نمازگزار به خود القا می کند و خود را به تدریج به عنوان یک انسان با ویژگی های والا و رشد یافته، می یابد و سعی می کند رفتاری مطابق با شخصیت پیشرفته (انسان تقریباً کامل) از خود بروز دهد؛ به خصوص در نمازهای جماعت (از جمله نماز جمعه) نمازگزاران از توانائی های خود جهت مقابله با نیروها و گروه های مخالف و محارب آگاه شده ، در صورت نیاز با بسیج نیروها و امکانات به مقابله با آنها پردازند.

- میل به موفقیت :

نمازگزار در ابتدای نماز و همچنین در ضمن نماز تصمیم دارد که تمام مراحل و اجزای نماز را درست و به موقع انجام داده و با بیشترین اثربخشی و کارایی نماز خود را به پایان برساند.

- میل به شناسایی:

میل به درک و آگاهی از جهان هستی و خالق آن در درون نمازگزار یکی از

[صفحه ۱۲۰]

محرک های درونی وی می باشد. در واقع این میل اصلی ترین انگیزه نماز محسوب می شود. مولای متقیان، حضرت علی(ع) فرمود: «برترین عبادت ها اندیشیدن است.» [۵] همچنین «رسول اکرم (ص) فرمود: خواب همراه با علم بهتر است از نماز همراه با جهل.» [۶] و باز فرمود: «مقدار اندکی از علم از مقدار زیاد عبادت بهتر است.» [۷] و موارد دیگر [۸] مؤید اهمیت شناخت، علم و تمایل به آن است.

۵ - ۲ - ۳ - احساس مسئولیت در نماز : در شکل (۸) یکی دیگر از ابعاد شخصیتی نماز، احساس مسئولیت در نماز است. این احساس یکی از اجزای شخصیت مستقل و رشد یافته نمازگزار است. احساس مسئولیت نمازگزار، برگرفته از فعال گرایی، کوشش برای موفقیت، کنترل محیط درونی و بیرونی، خردورزی و خود تنظیمی است.

۵ - ۲ - ۴ - هویت نماز : منظور از هویت نماز (در شکل ۸) عبارتست از معانی نماز، انتظارات و خواسته های نماز، ارزش های نماز (ابزاری و درونی) و خویشتن پنداری و نمونه هایی از معانی نماز عبارتست از اظهار عبودیت و بندگی، اتصال به معبود، درخواست از معبود، ستایش و حمد معبود، قبول نبوت و موارد دیگر.

[صفحه ۱۲۱]

نمونه هایی از خواسته ها و انتظارات نماز عبارتند از: پاکی درون، حضور قلب، توجه به مطالب نماز، امرار معاش از طریق صحیح، حسن خلق، وقت شناسی.

نمونه هایی از ارزش های نماز:

الف. ارزش های ایزاری: ارزش های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مادی. نماز حائز ارزش مادی است؛ زیرا از طریق نماز می توان نیکی در دنیا را طلب و رضایت خداوند در افزایش رزق و روزی جلب نمود. نماز دارای ارزش سیاسی است، به جهت این که فرد از طریق نماز می تواند دارای اقتدار و قدرت شود. از طریق ارزش اجتماعی نماز از طریق نماز می توان منزلت اجتماعی، عزت و اعتباری کسب نمود. از طریق ارزش فرهنگی نماز است که نمازگزار می تواند به معرفت و سرچشمه های حکمت دست یابد.

ب. ارزش های درونی: ارزش هایی چون توحید، نبوت و امامت، ارزش هایی هستند که خود هدف قرار می گیرند؛ و نه وسیله ای برای رسیدن به هدف.

خویشتن پنداری یکی از اجزاء هویت نماز است که نتیجه ارزیابی فرد نمازگزار از استعداد، ظرفیت و توانایی خود در انجام نماز است؛ یک نمونه ی خویشتن پنداری این است که: آیا نماز نمازگزار درست برگزار شده است یا نه؟ لازم به ذکر است که برگزاری صحیح نماز کار بسیار مشکلی می باشد؛ زیرا «نماز چهار هزار «حد» دارد.» [۹] و رعایت تمام حدود آن فقط برای معصومین (ع) امکان پذیر می باشد. اگر فرد ظرفیت و توانایی ایمانی و عملی

[صفحه ۱۲۲]

خود را در انجام نماز منفی ارزیابی نماید، در این صورت به همان میزان احتمال دارد که نماز نخواند. (شاید یکی از دلایل لزوم عدم توجه نمازگزاران کثیرالشک، به شک در نماز همین مطلب باشد که خویشتن پنداری منفی، بخصوص در وجه عملی، از خود پیدا نکنند.) اگر فردی ظرفیت و توانایی ایمانی و عملی (خویشتن پنداری) قوی داشته باشد، آمادگی بیشتری دارد تا به انجام نماز بپردازد.

هویت نماز تأثیر فراوانی بر شخصیت نمازگزار داشته، می تواند جزئی از هویت فرد شود؛ بطوری که معانی، خواسته ها و ارزش های نماز جزء هویت نمازگزار شود. اگر اکثریت افراد جامعه در نتیجه روندی چون جامعه پذیری از هویت نماز به مقیاس بالایی برخوردار باشند، امکان سالم سازی، بهبود اجتماعی، توسعه و تعالی برای جامعه فراهم می شود.

- [۱] اصول کافی ، جلد ۳ ، ص ۸۴.
- [۲] بحارالانوار جلد ۶۹ ، ص ۳۰۱.
- [۳] حضور قلب در نماز، علی اصغر عزیزی تهرانی، ص ۱۶۸ - ۱۶۹.
- [۴] رجوع کنید به نمازهای مستحبی، عباس عزیزی.
- [۵] غررالحکم، ص ۱۷۷، ح ۷۹.
- [۶] بحارالانوار ، ج ۱ ، ص ۲۰۷.
- [۷] همان ، ج ۱ ، ص ۱۷۰.
- [۸] جهت اطلاع بیشتر از اهمیت شناخت و علم از دیدگاه اسلام، رجوع کنید به آداب تعلیم و تعلم در اسلام، سید محمد باقر حجتی، ص ۳۲ - ۱۰۳.
- [۹] سفینه البحار، ج ۲ ، ص ۴۳ (از امام صادق (ع)).

بعد اجتماعی نماز

شکل (۱۱) ابعاد اجتماعی نماز

بعد اجتماعی نماز شامل چهار بعد فرعی می باشد شکل (۱۱)

۵ - ۳ - ۱ - شرایط نماز :

شرایط نماز نیز، خود دارای چهار بعد است شکل (۱۲)

شکل (۱۲) ابعاد شرایط نماز

الف . امکانات و تسهیلات ابزاری : وجود امکانات و وسایل ابزاری تأثیر فراوانی در جذب افراد به نماز خواندن و برقراری نماز جماعت (اقامه نماز) دارد؛ این امکانات شامل مسجد، فرش، وضوخانه، بلندگو و وسایل صوتی، امام جماعت، متولیان مسجد، خادم مسجد، مکبر، مؤذن و موارد دیگر می باشد.

ب . امکانات و تسهیلات رفاهی : امکانات و تسهیلات رفاهی هم به نوع

[صفحه ۱۲۴]

خود در گسترش فرهنگ نماز و نمازخوانی مؤثر است. این امکانات شامل نوع مدیریت متولیان مسجد، وجود آراستگی، زیبایی و بهداشت مسجد، خوش صورت بودن مؤذن و مکبر، آراستگی و زیبایی لباس نمازگزاران و ... می باشد. شاید تأکید اسلام عزیز بر پوشیدن لباسهای زیبا و معطر در موقع نماز تا حدودی مؤید این مطلب باشد. نمازگزار واقعی چون می داند که به دیدار معبود خود می رود، صحیح ترین شکل، زیباترین ظاهر، با شور و شغف و بهترین حالت روانی در مکان نماز حاضر می شود.

ج . تقسیم کار : تقسیم کار در نماز، در نمازهای جماعت متجلی می شود. در نمازهای جماعت نوعی تقسیم کار بین امام جماعت، نمازگزاران، متولیان مسجد، مؤذن، مکبر و دیگر دست اندرکاران بوجود می آید که هماهنگی بین آنها ایجاد نموده، همیاری میان آنها را افزایش می دهد؛ در نتیجه نماز بصورت کمی و کیفی درست تر انجام می شود. علاوه بر این، تقسیم کار در نماز جماعت، میزان وابستگی متقابل میان آنها را افزایش می دهد. افزایش همیاری و وابستگی متقابل میان آنها (امام جماعت، نمازگزاران، متولیان مسجد، مؤذن، مکبر و...) به جامعه تسری پیدا می کند.

د . زمان نماز : زمان نماز از دو جهت قابل بررسی است؛ اول: زمان برگزاری نماز، طبق زمانبندی هایی است که حضرت حق تشریع نموده است. دوم: مقدار زمانی که باید صرف نماز کرد؛ این موضوع بسته به این دارد که نماز به صورت جماعت یا فرادی برگزار شود. در نمازهای جماعت، توصیه شده تا حال ضعفا در نظر گرفته شود و از طولانی کردن نماز توسط امام

[صفحه ۱۲۵]

جماعت خودداری شود. مقدار زمانی که صرف نماز در نمازهای فرادی میشود باید به اندازه ای باشد که به واجبات، ارکان و اجزای نماز خللی وارد نشده، نماز از درجه اعتبار ساقط نشود؛ در ضمن وقت نماز نیز از دست نرود. علاوه بر این، مقدار زمانی که باید صرف نماز نمود بسته به نوع نماز متفاوت است. در نتیجه در زمان

نماز(زمان برگزاری نماز و مقدار زمانی که صرف نماز می شود) بعد از تعیین حد و حدودی،بقیه به انتخاب و اختیار نمازگزار گذاشته شده و آزادی عمل وی بطور کامل محدود نشده است.

۵ - ۳ - ۲ - ضمانت اجرایی نماز : با توجه به مبحث محرک های نماز و با توجه به این نکته که همه افراد در جامعه برای جلب رضایت خداوند سبحان و اظهار عبودیت در مقابل پروردگار توانا، نماز را به جا نمی آورند؛ بلکه در جامعه افرادی وجود دارند که نماز را بنا به جهات دیگر که شرک آمیز است، به جا می آورند؛ لذا موضوع ضمانت اجرایی نماز بیان میشود.

یکی از جنبه های اجتماعی نماز، ضمانت اجرایی نماز است.

شکل (۱۳) ابعاد ضمانت اجرایی نماز

ضمانت اجرایی نماز دارای چهار بعد می باشد شکل (۱۳)

[صفحه ۱۲۶]

الف . پاداش نماز : ابتدایی ترین بعد ضمانت اجرایی نماز،پاداش نماز است. این پاداش می تواند اموری از قبیل: نعم مادی،بهشت باشد. در واقع نمازگزار در این مرحله می خواهد پاداشی را در مقابل نماز بدست آورد. این بعد از ضمانت اجرایی نماز بیشتر مختص مسلمانان عادی (مسلمانانی که درجه ایمان پائینی دارند) می باشد. در این مورد روایات و احادیثی وجود دارد که می توان به آنها مراجعه نمود[۸] .

ب . امنیت در نماز : مرحله بعدی ضمانت اجرایی نماز،احساس امنیتی است که نمازگزار در نتیجه انجام نماز احساس می کند. هرچه درجه ایمان نمازگزار بیشتر باشد،این احساس عمیق تر و وسیع تر است.

ج - احترام در نماز : این بعد مربوط به نفوذ و احترامی است که نمازگزار در بین مردم مسلمان دارد. هرچه مسلمانان بیشتر به فرهنگ نماز آشنا و پایبند باشند، نفوذ و احترام بیشتری را برای نمازگزاران قائل هستند.

د . رضایت از نماز : آنچه در بحث رضایت از نماز مطرح می شود، نشان دهنده ی آن سطح از اعتقاد و ایمان نمازگزار نسبت به حضرت حق است که تکلم و مصاحبت با معشوق و معبود خود برای او رضایت ایجاد می کند.

رضایت در اثر بجا آوردن نماز است که باعث می شود فرد نماز را بجا آورد. در این مرحله که مختص افرادی است با درجه ایمانی بالا؛ صرف برگزاری نماز باعث رضایت نمازگزار می شود. علت این ایجاد رضایت این است که نمازگزار خود را در مقابل معبود، محبوب، معشوق و یار مطلوب خویش حس کرده، وی را حمد و ستایش می کند. در واقع این مرحله، مرحله

[صفحه ۱۲۷]

حضور قلب است که شامل چهار بعد می شود. شکل (۱۴)

شکل (۱۴) ابعاد حضور قلب

- ذکر (قرائت مفاهیم): در این مرحله نمازگزار موقع ذکر یا قرائت مفاهیم، آنها را در قلب خود حاضر می کند. «یک طائفه هستند که از نماز و سایر عبادات جز صورت و قشر و هیئت ملکی آن را نمی دانند؛ ولی مفاهیم عرفیه ی اذکار و ادعیه و قرائت را می فهمند و حضور قلب آنها فقط آن است که در وقت ذکر یا قرائت مفاهیم آن را در قلب حاضر کنند و دل آنها در مناجات با حق حاضر باشد.» [۲].

- ذکر حقایق و محامد: در این مرحله نمازگزار حقایق نماز، ذکر و قرائت را بر اساس عقل و فکر می فهمد. «طائفه دیگر آنانند که حقایق عبادات و اذکار و قرائت را می فهمند به قدم عقلی و فکری. و این طائفه حضور قلبشان در عبادت آن است که به تفصیل قلبشان در ذکر این حقایق و محامد حاضر باشد و بفهمد چه می کنند و چطور ثنا و حمد می گویند.» [۳].

- آشنایی قلب با حقایق: در این مرحله، نمازگزار، مرحله درک عقلی حقایق نماز، ذکر و قرائت را طی نموده و به مرحله درک قلبی حقایق نماز، ذکر و قرائت می رسد. «طائفه دیگر آنانند که حقایق را که به قدم فکری و عقلی

[صفحه ۱۲۸]

ادراک کردند، با قلم عقل به لوح قلب رسانند و قلب آنها نیز به آن حقایق آشنا شده، ایمان آورد؛ زیرا که مرتبه ایمان قلبی با ادراک عقلی بسیار فرق دارد» [۴].

- کشف و شهود: در این مرحله نمازگزار حقایق را با چشم ملکوتی و بصیرت الهی درمی یابد. «طایفه دیگر آنانند که علاوه بر آن که این حقایق را به قلب رسانده، به مقام کمال اطمینان رسیدند با مجاهدت ها و ریاضت ها به مرتبه کشف و شهود رسیده و حقایق را با چشم ملکوتی و بصیرت الهیه به مشاهده حضوری و حضور عینی دریابند.» [۵].

۵ - ۳ - ۳ - تعهد در نماز : تعهد در نماز، جنبه ای از بعد اجتماعی نماز است. منشأ این تعهد، نوعی علاقه و دلبستگی عاطفی است.

شکل (۱۵) ابعاد تعهد در نماز

تعهد در نماز دارای چهار بعد می باشد. شکل (۱۵)

الف . تعهد نسبت به روابط اجتماعی : نمازگزار احساس تعلق و وظیفه نسبت به نمازگزاران و افراد جامعه می نماید. نمازگزار احساس تعلق متقابل نسبت به ارزشها و اهداف نماز می کند. میزان این تعهد بسته به روابط اظهار نمازگزار با دیگران و دیرینگی این روابط دارد.

[صفحه ۱۲۹]

ب . تعهد نسبت به جماعت نمازگزار : این بُعد مربوط به تطبیق نمازگزار با جماعت نمازگزاران، وفاداری نسبت به ارزش ها و اهداف و انتظارات آنان می باشد. هر چه جماعت نمازگزاران از وفاق و انسجام بیشتری برخوردار باشند، این تعهد هم بیشتر می شود.

ج . تعهد نسبت به اجتماع : این تعهد، احساس مسئولیت و علاقه نمازگزار نسبت به کلیه نمازگزاران بوده؛ در صورتی که طراوت و شادابی اجتماعی بیشتر باشد، تعهد نمازگزار نسبت به اجتماع افزایش پیدا می کند.

د . تعهد نسبت به مسائل فرهنگی: تعهد نمازگزار نسبت به مسائل فرهنگی، تطبیق و پاسخ عاطفی به کل جامعه است. این تعهد عام ترین و عمیق ترین شکل تعهد است. در واقع از جنبه تعهد نسبت به روابط اجتماعی، هرچه به طرف تعهد نسبت به مسائل فرهنگی برویم، تعهد عام تر می شود و از خرد بودن آن کاسته می گردد.

محرك های درونی و بیرونی، شرایط نماز و ضمانت اجرایی نماز، تأثیر مهمی بر تعهد در نماز دارد.

۵ - ۳ - ۴ . هنجارهای نماز : یکی دیگر از ابعاد چهارگانه بعد اجتماعی نماز، هنجارهای نماز می باشد (شکل ۳) که توضیح آن گذشت.

[۱] رجوع کنید به اصول کافی، ج ۳، ص ۸۴ و بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۰۱ و نمازهای مستحبی، عباس عزیزی و....

[۲] اسرار نماز، امام خمینی (ره)، ص ۲۰ - ۲۱.

[۳] همان، ص ۲۱.

[۴] همان، ص ۲۱.

[۵] همان، ص ۲۳.

بعد فرهنگی نماز

بعد فرهنگی نماز در طرز تلقی جامعه از چه بود آن خلاصه می شود. شکل (۱۶)

[صفحه ۱۳۰]

شکل (۱۶) ابعاد فرهنگی نماز

برای انجام نماز، نمازگزار باید فعالیت فیزیکی خاصی را انجام دهد. انجام این فعالیت همراه با تخصیص و صرف انرژی جسمی و فکری خاصی می باشد. صرف این انرژی ها برای این است که وضع موجود نمازگزار به وضع مطلوب تبدیل شود؛ که این خود به معنی تغییر و سازندگی بوده، وجود یک ادعا در نماز را اثبات می کند. در آخر این که در نماز هدف یا اهدافی غایی نهفته است؛ بطور مثال یکی از این اهداف می تواند رستگاری نمازگزار باشد. در صورتی که جامعه طرز تلقی مثبتی از نماز داشته باشد، آنرا فعالیتی خیر، دارای ارزش ذاتی و ضروری می داند؛ در این حالت صرف انرژی جسمی، فکری و روانی برای انجام نماز را عین ایمان و تقوا می بیند. این دید نسبت به صرف انرژی جسمی، فکری و روانی در نماز می تواند باعث برتری اجتماعی برای نمازگزاران شود. صرف انرژی جسمی، فکری و روانی که نشان دهنده ی ایمان و تقوای افراد بوده، دارای ارزش ذاتی باشد، راهی را باز می کند تا افراد بتوانند به سلامت فکری، آرامش روانی، اطمینان قلبی، رستگاری اخروی و واقعی برسند. با توجه به مطالب فوق، جامعه راهی برای توسعه اجتماعی می یابد.

مسائل اجتماعی نماز در سطح کلان

همان طور که در سطح خرد مسائل اجتماعی نماز بیان شد، دو عنصر اساسی فرد نمازگزار و تعامل بین آنها دست اندرکارند و از ترکیب این دو، عنصر سوّم به عنوان «ما» و «گروه» نمازگزاران بوجود می آید، در نتیجه در سطح جامعه کل، تعداد زیادی «ما» و «گروه» نمازگزاران بوجود می آید. از طرف دیگر در جامعه، اقشار، طبقات و گروه های متعدد دیگر و همچنین «ماهای متعدد» مانند تماشاگران برنامه های مسابقه ورزشی و هنری، باعث تفکیک اجتماعی شده، سپس به گروه بندی های اجتماعی مبدل می شود؛ این تفکیک و گروه بندی های اجتماعی اهمیت مسائل اجتماعی نماز در سطح کلان را هویدا نموده، تشدید می گرداند.

ابعاد کلان مسائل اجتماعی نماز

مسائل اجتماعی نماز در سطح کلان دارای چهار بعد است. شکل (۱۷)

شکل (۱۷) ابعاد مسائل اجتماعی نماز در سطح کلان

تعمیم ساختاری

با توجه به دگرگونی هایی که در جوامع (به خصوص جوامع توسعه نیافته) بوجود می آید، تعمیم ساختاری دارای اهمیت خاصی است. تعمیم

[صفحه ۱۳۲]

ساختاری زمینه بروز توسعه اجتماعی را بوجود می آورد. تعمیم ساختاری دارای چهار بعد می باشد. شکل (۱۸)

شکل (۱۸) ابعاد تعمیم ساختاری

الف . ارتقاء انطباقی : نماز می تواند با تأثیر بر خرده نظامهای جامعه آنها را وادار به بیشترین جذب، استقلال و آفرینش نموده؛ طوری که بهترین راه حل مشکل را از خود نشان داده و قدرت انطباقی بالایی نسبت به محیط از خود نشان دهند. تحت تأثیر فرهنگ نماز، نظام شخصیتی نمازگزار قابلیت یادگیری و حل مسأله بیشتری را دارا بوده، سایر خرده نظام های موجود در جامعه بیشترین کسب انرژی، تولید و ذخیره سازی و توزیع را از خود نشان می دهند. این امر خود امکان تغییرات مطلوب و منظم اجتماعی را فراهم می سازد.

ب . فردیت : نماز می تواند باعث حفظ کرامت، رضایت و هویت فردی فرد را در جامعه فراهم سازد؛ در واقع فرد نمازگزار بصورت فرد نقاد و سازنده در جمع حرکت می کند.

ج . ادخال : نماز جماعت باعث ارتباط افراد و گروه ها و داخل شدن گروه ها در یکدیگر و ایجاد اجتماع جامعه ای می گردد. این امر باعث مهم شدن هویت جامعه ای نسبت به هویت های کوچکتر مانند هویت های خانوادگی، محله ای، قومی، قبیله ای و زبانی می شود. اهمیت هویت

[صفحه ۱۳۳]

جامعه ای هم باعث بسط اعتماد اجتماعی شده و تعاملات اجتماعی را روان و با سوگیری عام گرایانه جریان یافته و هم باعث تقویت جامعه در مقابل محیط بیرونی (شرایط بین المللی) می گردد.

د . تعمیم ارزشی : با توجه به وجود گروه های متعدد و خرده فرهنگ های موجود در جامعه، لازم می آید تعدادی از ارزش های اجتماعی تعمیم یافته، در عین حال متعالی باشند. نماز به خوبی می تواند اینگونه ارزش های متعالی را برای پوشش خرده فرهنگ های متعدد در جامعه ارائه داده و وفاق اجتماعی را در سطح جامعه کل فراهم آورده، باعث حفظ آن جامعه می گردد.

تنظیم سیاسی

به دنبال همگامی که در سطح خُرد میان نمازگزاران در نماز جماعت بحث شد، با گسترش این همگامی در سطح کلان به موضوع تنظیم سیاسی می رسیم؛ که خود همگامی بین افراد، گروهها و «ما»های نمازگزار باشد. به دنبال ایجاد «ما» و «گروه»های نمازگزار و تفکیک اجتماعی که پیامد آن است، ضرورت یک نظارت بیرونی هم برای افراد و گروه های نمازگزار مشاهده می شود. از طرف دیگر، با ایجاد افراد، «ما» و «گروه»های نمازگزار و ایجاد

گروه‌های دیگر و تفکیک اجتماعی و سپس گروه بندی های اجتماعی در سطح جامعه و امکان رسیدن بعضی از افراد و گروه ها به قدرت سیاسی، موضوع تنظیم سیاسی و نظارت بیرونی مطرح می شود. در صورتی که فرهنگ نماز حاکم بر جامعه باشد، همگامی بین افراد (در درون گروه)، گروه ها و «ما» های موجود در جامعه تحقق پیدا می کند؛ در صورتی که بعضی از افراد، گروه ها و «ما» های موجود در جامعه نخواهند از

[صفحه ۱۳۴]

این همگامی پیروی نمایند، تحت تأثیر نظارت بیرونی قرار گرفته، به ناچار همگام با افراد، گروه ها و «ما» های دیگر در جامعه خواهند شد.

نماز (بخصوص نمازهای جماعت و جمعه) می تواند عاملی برای بسیج و تراکم قدرت باشد. نماز و بالطبع اسلام میزان تمرکز قدرت و اختیارات را به دور از خود محوری و تکبیر برای ناظران (نظارت کنندگان)، دولت مردان و مسئولین تا آنجا که جزء گروه صالحان باشند و نه مغضوبین و ضالین مشخص می کند. نماز، باعث بروز زمینه ای در مردم می شود تا دولت مردان و مسئولین را پذیرفته (مقبولیت و مطلوبیت) و باعث اعتماد اجتماعی اکثریت مردم نسبت به مسئولین و دولت مردان جامعه می شود. شکل (۱۹)

شکل (۱۹) ابعاد تنظیم سیاسی

تنظیم اجتماعی

در جامعه کل، گروه های متعددی وجود داشته که می توانند دارای هویت ها و مرزهای فرهنگی متفاوتی باشند. بحث تنظیم اجتماعی از چهار جهت قابل بررسی است. شکل (۲۰)

شکل (۲۰) ابعاد تنظیم اجتماعی

نماز (بخصوص نمازهای جماعت و جمعه) و فرهنگ نماز باعث بروز

و بستر مناسبی برای تعاملات بین گروهی («ما» و «گروه‌های» نمازگزار و اقشار و طبقات مختلف) شده و این تعاملات باعث بروز تفاهم بین گروهی می‌گردد که خود می‌تواند باعث : تکرار منظم مبادلات بین گروهی، تقویت انسجام در جامعه کل و تضعیف انسجام محلی می‌شود.

تعاملات بین گروهی که در زیر سایه نماز بوجود می‌آید، می‌تواند باعث:

الف. ایجاد هنجارهای نو و جدید که این امر می‌تواند پاسخی برای رفع نیازهای جدید باشد؛

ب. گسترش افق هنجاری اعضای جامعه که این امر باعث می‌شود افراد گروه‌های مختلف همدیگر را بهتر تحمل کنند؛

ج. کمک به گسترش وابستگی عاطفی افراد و تعمیم تعهد درونی افراد نسبت به دیگران؛

د. بروز زمینه عینی برای تعمیم و تجرید ارزشی، جهت نظام فرهنگی جامعه شود.

نتیجه چهار بند فوق، باعث هموار شدن راه برای نظارت درونی تعمیم یافته و تشکل اجتماع عام می‌گردد.

تفاهم نمادی

برای افراد نمازگزار، «ما»، «گروه»‌های نمازگزار و گروه‌های مختلف موجود در جامعه، وجود یک تفاهم نمادی دارای اهمیت فراوانی است. وجود این تفاهم نمادی در سطح جامعه کل، از ضروریات و واجبات بوده و جامعه‌ی بدون آن قابل تصور نیست.

تفاهم نمادی دارای ابعادی است. شکل (۲۱)

شکل (۲۱) ابعاد تفاهم نمادی

الف . تفاهم شناختی بین نمازگزاران :

نماز با ایجاد زبانی مشترک (قرائت نماز، کلمات و واژه هایی که نمازگزاران در محاورات و مکاتبات از آن استفاده می کنند) و شناختی مشترک در زمینه های علمی، دینی، فلسفی و ... بین نمازگزاران، تفاهم شناختی بوجود می آورد.

ب . تفاهم رویه ای بین نمازگزاران :

در سطح کلان، افراد نمازگزار، «ما» و «گروه» های نمازگزار، از مراجع تقلید مشخصی پیروی می کنند که این مراجع هنجارهای رویه ای مشترکی را برای این نمازگزاران ایجاد کرده، تفاهم رویه ای بین آنها بوجود می آید.

ج . تفاهم اجتماعی بین نمازگزاران :

وجود هنجارهای اجتماعی نماز در سطح جامعه کل، نوعی تفاهم اجتماعی بین نمازگزاران برقرار می کند.

د . تفاهم ارزشی و اخلاقی بین نمازگزاران :

چون مطالعه نماز بدون اسلام معنی نداشته و امکان پذیر نیست لذا، اسلام با ایجاد تعداد زیادی ارزش اخلاقی، نوعی تفاهم ارزشی و اخلاقی بین نمازگزاران ایجاد می کند.

نماز به طریقی که؛ بیان شد تفاهم نمادی بین افراد نمازگزار، «ما» و

[صفحه ۱۳۷]

«گروه» های نمازگزار ایجاد کرد، افزایش می دهد و از ایجاد اختلالات نمادی (ضعف در احساسات، پنداشت ها، رموز و اصول مشترک) [۱] جلوگیری می کند.

[۱] جامعه شناسی نظم، ص ۱۳۵.

نماز بوجود آورنده نظم

نماز علاوه بر تغییر در فرد و جامعه، باعث برقراری نظم در جنبه های مختلف می شود. تغییری که نماز ایجاد می کند برای رسیدن فرد و جامعه به کمال مطلوب است. نظمی که نماز ایجاد می کند برای این است که فرد و جامعه از مرحله و فاز قبلی به مرحله و فاز جدید رسیده اند، ثابت مانده و مستقر شوند تا بتوانند خود را برای تغییر بعدی و رسیدن به مرحله و فاز بعد آماده کرده و نهایتاً به کمال مطلوب برسند. معنی لغوی نظم عبارتست از: آرایش و ترتیب دادن اما معنی اصطلاحی (مفهومی) آن در دیدگاه و حوزه های مختلف، متفاوت است. بدون توجه به این

اختلاف نظرها، نظم اجتماعی در معنی «ترکیب و نفوذ متقابل مشبک آرمانی، هنجاری، تعاملی و فرصتی» شناخته می شود. [۱۸].

این شبکه ها هرکدام به تفکیک دارای اجزایی هستند که در ارتباط با نماز عبارتند از:

۲ - ۱ - شبکه آرمانی در نماز : ارزش شناسی در نماز، وجود شناسی در نماز، تکلیف شناسی در نماز و زیبا شناسی در نماز.

۲ - ۲ - شبکه هنجاری نماز: هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز، هنجارهای اجتماعی نماز، هنجارهای سازمانی نماز و هنجارهای رویه ای

[صفحه ۱۳۸]

نماز

۲ - ۳ - شبکه تعاملی نماز : روابط گفتمانی نماز، روابط اجتماعی نماز ، روابط سیاسی نماز و روابط مبادله ای نماز
۲ - ۴ - شبکه فرصتی در نماز : ذهنیت موضعی در نماز، نقش اجتماعی در نماز ، رتبه اجتماعی در نماز و سرمایه اجتماعی در نماز [۲].

نماز شبکه های فوق الذکر را ایجاد و به هم مرتبط می سازد.

[۱] همان ، ص ۳۶.

[۲] جامعه شناسی نظم، ص ۳۶ - ۳۵ (با اندکی تغییر).

شبکه آرمانی در نماز : (مجموعه آرمان های مشترک در نماز)

شکل (۲۲) نشان دهنده اجزا و ابعاد شبکه آرمانی در نماز می باشد.

شکل (۲۲) ابعاد شبکه آرمانی

الف . وجودشناسی نماز : در وجودشناسی نماز توجه وافر به روح و معنویت شده؛ ولی در عین حال از بعد جسمانی انسان غفلت ننموده؛ لذا تحت عنوان رئالیسم می توان از آن یاد نمود. در دین اسلام، انسان می تواند به امیال و آرزوهای معقول خود توجه کرده، از نعم مادی به عنوان وسیله ای جهت رسیدن به کمال مطلوب استفاده نماید. رسول اکرم(ص) فرمود: «توانگری (نعم مادی) چه خوب یاری است برای تقوی»[۱] .

[صفحه ۱۳۹]

ب . تکلیف شناسی در نماز (علم اخلاق در نماز) : تکلیف شناسی (علم اخلاق) در نماز دارای موارد زیر است:

- جهان اخلاقی و مذهبی تکالیف انسان نمازگزار را برای طی طریق بخاطر رسیدن به رستگاری و کمال مطلوب بوسیله نوعی عرفان معین می کند.
- اسلام وجود بعضی از هنجارها و قواعد عرفی را که کمک کننده به انسان نمازگزار بخاطر طی طریق برای رسیدن به رستگاری و کمال مطلوب است، می پذیرد و با آنها مخالفتی نمی کند.
- در اسلام توجه به این امر شده که انسان نمازگزار باید از خواسته ها و تمنیات خود که مانع رسیدن به رستگاری و طی طریق به کمال مطلوب می شود، دست بردارد. (زهد این جهانی)
- نمازگزار باید در بعضی از امور فعالانه شرکت نموده تا بتواند خود و جامعه (انسان های دیگر) را به کمال مطلوب سوق دهد. نمازگزار باید از اموری که مانع رسیدن و یا تأخیر در رسیدن به کمال مطلوب می شود، دوری نماید

ج . زیباشناسی در نماز : منشاء اصلی زیباشناسی در اسلام عبارتست از خداوند سبحان که خود زیبا است و زیبایی را دوست دارد. خداوندی که در ورای همه موجودات دنیا، یگانه ای بی همتا است. نمازگزار واقعی وقتی با دیده بصیرت به عالم هستی می نگرد (عالمی که بینهایت موجودات در آن وجود دارد) وجود آن یگانه زیبا را مشاهده می کند.

د . ارزش شناسی در نماز :

- منشاء ارزش های واقعی ماوراءطبیعت است. یعنی همان منشئی که دین اسلام از آنجا سرچشمه گرفته.
- انسان اشرف مخلوقات است.

[صفحه ۱۴۰]

- منشأ بعضی از ارزش ها، انسان ها و جامعه می باشند؛ مشروط بر اینکه این ارزش ها با ارزش های واقعی و ارزش هایی که مبتنی بر وحی می باشند مخالف نباشد (ارزش های عرفی)
 - دوری از اسراف و تبذیر و حفظ طبیعت دارای جایگاه خاصی است
- [۸] تحف العقول، ص ۴۹.

شبکه هنجاری نماز

(مجموعه هنجارهای مشترک نماز): با توجه به اینکه قبلاً درباره هنجارهای نماز بحث شده، فقط اشاره ای به آن می شود. شکل (۲۳)

شکل (۲۳) ابعاد شبکه هنجاری نماز

- الف . هنجارهای رویه ای نماز : این هنجارها، مقتضیات عقلی و فنی عمل (نماز) را مشخص می کند؛ به همین دلیل هنجارهای رویه ای نماز بر مبنای استدلال های فقهی، تحلیلی و عقلی بر مبنای عرف می باشد.
 - ب . هنجارهای سازمانی (جماعت) نماز:
- این هنجارها در مرحله اول، بر پایه ارزش ها و باورهای دینی و مذهبی بوده، در مرحله دوم، جنبه عرفی و قراردادی دارند.
- ج . هنجارهای اجتماعی نماز : این هنجارها غالباً از نوع هنجارهای مشترک بوده که رواج زیادی میان افراد دارد.
 - د . هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز : این هنجارها دارای دو بعد

[صفحه ۱۴۱]

نظری و عملی هستند بعد نظری هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز مبتنی و مربوط به اعتقادات، باورها و ارزش های دینی و مذهبی است. بعد عملی هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) نماز ریشه در اجتماع، رسوم، رفتارهای اجتماعی و سنت های اجتماعی دارد.

شبکه تعاملی نماز

(مجموعه تعاملی مشبک نماز) این شبکه تعاملی دارای چهار بعد است. شکل (۲۴)

شکل (۲۴) ابعاد شبکه تعاملی نماز

الف . روابط مبادله ای نماز :

روابط مبادله ای که بین نمازگزاران برقرار می شود عبارتند از:

- یک طرفه و گرم: این روابط عام و عاطفی است. نمازگزارانی که دارای ذخایر و منابع ارزشمند بیشتری هستند (امکانات فردی و منابع شخصی) در مبادلات اجتماعی بر اساس رفتارهای ایثارگرایانه عمل نموده و بدون هیچ گونه چشم داشتی، آن منابع و ذخایر ارزشمند را به دیگران (نیازمندان) منتقل می نمایند. پاداش جانشینی که در قبال این ایثارگری برای نمازگزاران ایثارگر مطرح می شود، شامل مواردی چون: رضایت خداوند سبحان، کمک خداوند به نمازگزاران ایثارگر، قبول دعاها و نمازگزاران ایثارگر از سوی

[صفحه ۱۴۲]

خداوند متعال، انسان دوستی و نوع پروری می باشد.

- دوطرفه، گرم و تعمیم یافته: این روابط بدین نحو است که نمازگزاران برای انجام کار و رفع معضلی با یاری یکدیگر و با چشم داشتی که از همدیگر دارند دست یاری به سوی همدیگر دراز می نمایند. اندیشه ها و علائم از طریق این نوع روابط میان نمازگزاران مبادله و منتشر می شود و بیشتر جنبه تحریکی دارد.

- دوطرفه و سرد: روابط مبادله ای از نوع دوطرفه و سرد که بیشترین روابط مبادله ای است به صورت مبادله کالا و خدمات خودنمایی می کند. در این مبادله، نمازگزاران بر اساس ارزش های موجود در اسلام و نماز به مبادله کالا و خدمات می پردازند. این نوع روابط خارج از مساجد و محل نماز و معمولاً در بازار صورت می گیرد.

ب . روابط سیاسی نماز :

روابط سیاسی نماز از طریق متقاعدسازی و مجاب سازی و احساس مسئولیت آگاهانه و خردمندانه و فعال سازی تعهد صورت می گیرد؛ یعنی هم از طریق احساس مسئولیت آگاهانه و خردمندانه در فرد نمازگزار و هم از طریق فعال سازی تعهد او را وادار به عمل می کنند. این وادارسازی ها و تشویق ها با استفاده از ذخایر هنجاری و آرمانی می باشد.

در سطح عوام، عامل محرکی (مانند پاداش و سودی که نمازگزار از نماز خواندن و یا شرکت در نماز جماعت بدست می آورد) می تواند فرد نمازگزار را وادار به انجام نماز نماید. اندیشه ها و علائم بین نمازگزاران در این رابطه، مبادله و منتشر شده که این تبادل و انتشار جنبه اجباری دارد.

[صفحه ۱۴۳]

ج . روابط اجتماعی نماز:

روابط اجتماعی که نماز بین نمازگزاران برقرار می کند، عاطفی و برادرانه است. این روابط تعمیم یافته بوده (در حد جامعه کل) و تا حد مسلمانان پیش می رود. در بعضی از شرایط و موقعیت ها، تعمیم یافتگی این روابط تا حد انسان هایی از پیروان ادیان و مذاهب الهی (اهل کتاب) هم پیش می رود. در این روابط اندیشه ها و علائم مبادله و منتشر می شود و بیشتر جنبه تکلیفی دارد. روابط اجتماعی که بین نمازگزاران برقرار می شود، کمتر توجه به این امر دارد که فرد نمازگزار چه عیب و نقصی دارد (چون مسلمان باید ستارالعیوب باشد، البته عیوب در حد غیراساسی) بلکه به صرف اینکه نمازگزار است با او ارتباط دارد.

د . روابط گفتمانی نماز:

روابط گفتمانی نماز عبارتند از:

- روابط گفتمانی (مبادله اطلاعات و برداشت ها جهت رسیدن به فهم و تفاهم) درباره مواردی چون تکالیف، وظایف، حقوق نمازگزاران و همچنین عدول از آنها می باشد.
- ارتباطات و مذاکرات بین نمازگزاران به صورت مباحثات فقهی و عقلی پیرامون نماز، خدا، انسان، جهان و ... می باشد.
- روابط گفتمانی در بین نمازگزاران بیشتر جنبه تأویلی و تفسیری دارد و بر اساس کنش ارزشی می باشد.
- روابط گفتمانی که بین نمازگزاران وجود دارد در زمینه های اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و... بوده و فارغ از محدودیت های سیاسی برگزار می شود؛ به همین جهت است که نماز و مسجد عامل و کانونی برای مقابله با حکومت ها و دولت های جابر و ظالم بوده است. در روابط گفتمانی که بین نمازگزاران بوجود می آید، اندیشه ها و علائم، به صورت استدلالی، توزیع، مبادله و منتشر می شود. این روابط گفتمانی منجر به نوعی مفاهمه فرهنگی داوطلبانه بین نمازگزاران می شود. در نظامی که نماز ایجاد می کند، اعتماد اجتماعی متقابل که یکی از لوازم مبرم تعاون اجتماعی و طراوت اجتماعی است دارای جایی مخصوص و والا است. اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته باعث تقویت تمایلات بین گروهی بوده؛ لذا شبکه تعاملات اجتماعی را گسترش می دهد.

شبکه فرصتی در نماز

(مجموعه مواضع اجتماعی مشبک در نماز) این شبکه دارای چهار بعد است. شکل (۲۵)

شکل (۲۵) ابعاد شبکه فرصتی نماز

- الف . سرمایه اجتماعی در نماز : نظامی که نماز برقرار می سازد به نحوی است که از معرفت و تعهد، بیشترین بهره را می برد و امکانات روابط عاطفی و نمادین وجه غالب سرمایه اجتماعی است.
- ب . رتبه اجتماعی در نماز : در وهله اول؛ رتبه اجتماعی نمازگزاران به

تقوای آنها بستگی دارد و در وهله ی بعد؛ رتبه اجتماعی نمازگزاران متناسب با توانمندی های آنها در زمینه های فرهنگی، علمی، اعتقادی، اطلاعاتی، معرفتی و دیگر زمینه ها می باشد. (علما و دانشمندان از رتبه اجتماعی بالایی برخوردارند؛ زیرا به معرفت، علم و اطلاعات بیشتری دسترسی دارند؛ دلیل آن هم اینکه علم از دیدگاه اسلام دارای

جایگاه بالایی است؛ علاوه بر این که حدود ۷۰۰ آیه قرآن درباره علم و شناخت است، [۱] احادیث فراوانی درباره ارزشمندی علم و دانشمند وجود دارد. [۲] و در مرحله آخر؛ رتبه اجتماعی نمازگزاران متناسب با نفوذ و احترامی است که در جامعه دارند. نمازگزاران دارای رتبه اجتماعی بالا، از نفوذ و احترام بیشتری برخوردار بوده، می توانند متناسب با نفوذ و احترام خود، عده زیادی را با فعال کردن تعهدات آنها وادار به انجام کاری مطابق با میل و هدف خود نمایند؛ مثال: نفوذ و احترامی که مراجع تقلید بر پیروان خود دارند، باعث می شود مقلدین کارهایی مطابق نظر ایشان انجام دهند.

ج. نقش اجتماعی در نماز: نقش اجتماعی غالباً اکتسابی بوده و افراد نمازگزار برحسب میزان تلاشی که نموده اند و موفقیتی که کسب می نمایند برای پایگاه اجتماعی معینی انتخاب می شوند (پایگاه اجتماعی معینی را برای خود کسب می کنند).

- نقش اجتماعی در محدوده ای محولی است و افراد نمازگزار بر اساس خصایل محول، پایگاه اجتماعی معینی را برای خود مشخص می کنند؛ مانند سید بودن (منتسب بودن به امام معصوم) مراجع، علما

[صفحه ۱۴۶]

- نقش اجتماعی تا محدوده ای، عام گرا است. در این محدوده، از افرادی که این نقش را احراز می کنند، انتظار می رود که روابط خود را با دیگران به صورت عام گرایانه تنظیم کنند؛ برای مثال: فرد نمازگزار رابطه خود را با غیرمسلمان با توجه به اینکه انسان است، تنظیم می کند.

- نقش اجتماعی تا محدوده ای خاص گرا است. در این محدوده، از افراد نمازگزاری که این نقش را احراز می کنند، خواسته می شود که به صورت خاص گرایانه با دیگران رابطه برقرار کنند؛ برای مثال: نمازگزار رابطه خود را با دیگران با توجه به این که شیعه، همشهری، دوست و ... هستند، تنظیم می کند.

د. ذهنیت موضعی در نماز (وجه آرمانی و اعتقادی پایگاه اجتماعی در نماز):

باور اساسی و بنیادین وجه آرمانی و اعتقادی پایگاه اجتماعی نمازگزاران عبارت است از:

- فقط بنده خدا بودن و در مقابل او کرنش کردن.

- تقوای الهی داشتن (عضویت در گروه یا پایگاه اجتماعی خاصی، برتری برای کسی ایجاد نمی نماید و نباید باعث تفاخر گردد).

- بازگشت به سوی خداوند سبحان.

وجه آرمانی و اعتقادی پایگاه اجتماعی در نماز، دارای باورهای دیگری هم می باشد که عبارتند از:

- قرار گرفتن در صراط مستقیم دارای ارزش و امتیاز است؛ نه راه مغضوبین و ضالین

ب - ایجاد یک «ما» و «گروه» نمازگزار.

[صفحه ۱۴۷]

ج: برادری مؤمنان. [۳].

- حفظ کرامت انسان، حتی اگر غیرمسلمان باشد.

کرامت و ارزش انسان در اسلام تا آن حد است که:

۱- حیات و مرگ یک انسان مساوی است با حیات و مرگ همه انسانها. [۴].

۲- انسان «خليفة الله» است. [۵].

۳- فرشتگان بر انسان سجده نمودند. [۶].

۴- برخورداری انسان از عقل. [۷].

۵- انسان امانت دار خدا است. [۸].

۶- موجودات جهان در تسخیر انسان می باشند. [۹].

[۱] علم از دیدگاه اسلام، علامه محمدتقی جعفری(ره)، ص ۱۴.

[۲] رجوع کنید به آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۳۲ - ۱۰۳.

[۳] سوره حجرات، آیه ۱۰.

[۴] سوره مائده، آیه ۳۲.

[۵] سوره بقره، آیه ۳۰.

[۶] همان، آیه ۳۴.

[۷] مبانی انسان شناسی در قرآن، جلد اول؛ ذکر، دفتر ششم، ص ۱۸۸-۱۸۹.

[۸] سوره احزاب، آیه ۷۲.

[۹] سوره ابراهیم، آیه ۳۲.

اجتماعات نمازگزاران

دلبستگی ها و علائق مشترک اجتماعی بین نمازگزاران از یک طرف و تعهدات مشترک و نسبتاً پایدار بین نمازگزاران از طرف دیگر، از عناصر اساسی اجتماعاتی است که در بین مسلمانان و نمازگزاران بوجود می آید. برای روشن شدن موضوع هرکدام از این علائق و تعهدات را جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

دلبستگی ها و علائق مشترک اجتماعی بین نمازگزاران

این علائق و دلبستگی به چهار بعد قابل تفکیک است. شکل (۲۶)

[صفحه ۱۴۸]

شکل (۲۶) ابعاد علائق اجتماعی

تعهدات مشترک و نسبتاً پایدار بین نمازگزاران

این تعهدات نیز دارای چهار بعد می باشد و شکل (۲۷) گویای آن است.

شکل (۲۷) ابعاد تعهد در بین نمازگزاران

تعهد نسبت به حفظ منابع طبیعی، به صورت جلوگیری از اسراف و تبذیر خودنمایی می کند؛ به عنوان مثال: «در وضو شستن صورت و دست ها، مرتبه اول واجب، مرتبه دوم مستحب و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام است.» [۸] در تعهدات چهارگانه فوق، نوعی الزام وجود دارد؛ در بعضی از این تعهدات، الزام جنبه ی درونی و در بعضی دیگر، جنبه بیرونی دارد. تعهداتی که نمازگزار داشته و جنبه الزام درونی دارد، مطابق با انگیزه های درونی نمازگزار است. الزامی که جنبه بیرونی دارد، مطابق با انگیزه های بیرونی نمازگزار می باشد.

[۸] توضیح المسائل امام راحل(ره) ، مسأله ۲۴۸.

هنجارهای مشترک بین نمازگزاران

در نتیجه ترکیب ابعاد چهارگانه تعهد و علائق، انواع هنجارها بین

[صفحه ۱۴۹]

نمازگزاران بوجود می آید.

الف . هنجارهای رویه ای : در نتیجه ی ترکیب تعهد نسبت به حفظ منابع طبیعی با علاقه به ایثار، کمک و مبادله بین نمازگزاران، هنجارهای رویه ای نماز بوجود می آید؛

ب . هنجارهای سازمانی : در نتیجه ترکیب تعهد نسبت به اهداف جمعی نمازگزاران با علاقه به نظم اجتماعی محیط، هنجارهای سازمانی (جماعت) نماز بوجود می آید؛

ج . هنجارهای اجتماعی : در نتیجه ترکیب تعهد اجتماعی بین نمازگزاران با علاقه به پیوند و دوستی متقابل بین نمازگزاران، هنجارهای اجتماعی نماز بوجود می آید؛

د . هنجارهای اخلاقی : در نتیجه ترکیب تعهدات ارزشی مشترک بین نمازگزاران با علائق مشترک در فهم روابط بین ذهنی در بین نمازگزاران، هنجارهای اخلاقی بوجود آمده که بر مبنای تعاملات گفتمانی گرم با حریم فکری و نمادی نماز استوار است؛ این مبنا (تعاملات گفتمانی گرم با حریم فکری و نمادی نماز) باعث پیدایش «ما»ی بزرگی از نمازگزاران می شود که اعضای آن نسبت به هم احساس تعلق و وابستگی عاطفی مشترک خواهند داشت (اجتماع آرمانی)؛ این حریم فکری و نمادی نماز، نوعی هویت جمعی را برای نمازگزاران به ارمغان می آورد.

قوه محرکه هنجارهای اخلاقی (ایدئولوژیک) و اجتماعی، فشار اجتماعی می باشد و ضمانت اجرای آن در مرحله اوّل جنبه درونی و در مرحله دوم جنبه بیرونی دارد؛ که شامل عدم تأیید، ملامت کردن و حتی طرد نمودن توسط نمازگزاران می شود. قوه محرکه هنجارهای رویه ای و

[صفحه ۱۵۰]

سازمانی (جماعت نمازگزاران) دارای جاذبه ای است که ضمانت اجرای آن در وهله اول در بعد درونی می باشد و آن براساس احساس ترسی است که بخاطر بجا نیاوردن صحیح هنجارهای مربوطه ایجاد می شود. در مرحله دوم در بعد بیرونی می باشد و آن براساس هزینه هایی است که نمازگزار بخاطر بجا نیاوردن هنجارهای مربوطه باید پرداخت نماید؛ این هزینه ها می تواند جنبه های مختلف داشته باشد:

تعهد، اندیشه، پول و زور، پاسداران اصلی و ژنریک هر نظم اجتماعی هستند... میزان تکیه نظم بر هر کدام از آنها بستگی به عوامل بی شماری از جمله بستگی به فاز جامعه دارد. [۱] با توجه به اینکه اسلام می خواهد جامعه ای را بوجود آورد که در درجه اول در فاز فرهنگی است؛ در نتیجه تأکید بیشتر بر اندیشه دارد؛ این تأکید بر اندیشه در چهار وجه آن یعنی باورها، ارزشها، تکالیف و فنون می باشد. وجه باورها مربوط به شناخت شناسی و جهان بینی موجود در نماز می باشد [۲] ارزشها، بیانگر عمیق ترین تصورات پسندیده نمازگزاران در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و ... می باشند. فنون، نشانگر چگونگی انجام نماز، شرایط و آداب بجا آوردن نماز می باشد. قسمتی از ارزش های بیان شده مربوط به شناخت شناسی و جهان بینی موجود در نماز بوده، قسمت دیگر آن به علاوه ی تکالیف و فنون قید شده، مربوط به ایدئولوژی موجود در نماز است؛ [۳] علاوه بر این، در نتیجه ی ترکیب اندیشه ی

[صفحه ۱۵۱]

(باورها، ارزشها، تکالیف و فنون) نماز با کنش ارزشی که نماز بوجود می آورد، معرفتی فلسفی و دینی بوجود می آید.

[صفحه ۱۵۵]

[۱] جامعه شناسی نظم، ص ۸۶.

[۲] رجوع کنید به مبحث تعریف نماز، قسمت شناخت شناسی و جهان بینی نماز.

[۳] رجوع کنید به مبحث تعریف نماز، قسمت ایدئولوژی نماز.

نماز باعث بروز اختلالات

نماز، مانع بروز اختلالات هنجاری

اسلام عزیز و نماز به سهم خود جلو اختلالات هنجاری؛ یعنی قطبی شدن هنجاری «حالتی که بیش از نیمی از جمعیت جامعه تحت فشار هنجاری و تسلط اجتماعی نبوده، تعهدی نسبت به هنجارها نداشته باشند» [۱]، تضاد هنجاری، تناقض هنجاری، ضعف هنجاری و بی هنجاری را می گیرد.

نماز باعث می شود که اکثریت جمعیت جامعه (به خصوص نمازگزاران) تحت فشار هنجاری قرار گیرند. در این حالت از قطبی شدن هنجاری جلوگیری به عمل می آید؛ با این امر، یکی از زمینه های پیدایش تضاد هنجاری، محو می شود. (قطبی شدن هنجاری یکی از زمینه های پیدایش تضاد هنجاری است.) از طرف دیگر، نماز با ارائه هنجارهای هماهنگ جلو بروز تضاد هنجاری را گرفته، در نهایت باعث توسعه اجتماعی می گردد. نماز

[صفحه ۱۵۶]

در جلوگیری از تضاد هنجاری، کار تنظیم اجتماعی را بخصوص در بعد روابط بین گروهی ساده کرده، تراکم روابط بین گروهی را افزایش می دهد و مآلاً انسجام کلی را امکان پذیر می سازد. نماز با جلوگیری از تضاد هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل تعمیم یافته و کاهش نقش زر و زور در تنظیم روابط اجتماعی می گردد. دین اسلام و نماز با جلوگیری از تضاد هنجاری باعث می شود گستره دوستی ها افزایش و محدوده ی دشمنی ها کاهش یابد. همچنین زمینه را برای پیدایش و گسترش گروه ها، احزاب و دسته های ضد نظام اسلامی از بین می برد؛ خود این امر توسعه اجتماعی را تسهیل می کند. اسلام و نماز با ایجاد هنجارها و سامان دادن به هنجارها در جامعه از بروز تناقض هنجاری جلوگیری می نمایند. اسلام عزیز و نماز با ایجاد و گسترش علقه اجتماعی و تعهد در افراد نسبت به هنجارهای اجتماعی، جلو بروز ضعف هنجاری را در جامعه گرفته، اکثریت افراد جامعه را نسبت به هنجارهای اجتماعی پایبند می سازد. نماز با ایجاد ارزش های ثابت و استوار (که بیشتر مختص بعد فرهنگی و بعد اجتماعی هستند) و ارزش های غایی، خلأ هنجاری را که در نتیجه تغییرات مداوم و سریع بوجود می آید پر می کند. (با توجه به تحولات اجتماعی و دگرگونی های سریع در جوامع امروزی، نقش و تأثیر نماز در جلوگیری از خلأ هنجاری بیشتر آشکار می شود). با توجه به اینکه دین، زیربنای نهادهای اجتماعی (حداقل در جوامع اسلامی و

جوامع پایبند به اسلام) می باشد و توجه به این امر که نماز صورت کامل دین است، نماز با جلوگیری از اختلال هنجاری و چندگانگی نهادی، ابهام در اهداف اجتماعی، سردرگمی اجتماعی و تعهدات اجتماعی را از بین می برد؛ این امر باعث تقویت وفاق اجتماعی بین نمازگزاران و همچنین

[صفحه ۱۵۷]

مشخص شدن جایگاه، میزان و نوع حقوق نمازگزاران و افراد دیگر در نقش های اجتماعی می شود، به اضافه تقویت تعهدات جمعی باعث شفافیت نقش های اجتماعی (شفاف شدن انتظارات و تعهدات برای کنشگران در بستر روابط اجتماعی) می گردد؛ در نتیجه ارتباط و تفاهم بین نمازگزاران و به دنبال آن هماهنگی در روابط اجتماعی افزایش می یابد؛ این امر خود باعث جلوگیری از بروز زمینه فردگرایی خودخواهانه و خودسری فردی و عدم استفاده از زور، حيله، تزویر و ریا در بین نمازگزاران و همچنین باعث افزایش پیش بینی پذیری رفتارهای اجتماعی شده؛ سپس میزان تعمیم پذیری اعتماد اجتماعی بین نمازگزاران افزایش می یابد و به دنبال آن موجب عدم توجه به منافع فردی و مصالح عمومی می شود؛ در نتیجه دامنه کنترل رسمی تقلیل می یابد که این خود باعث:

الف: پائین آمدن هزینه های اقتصادی جامعه - افزایش پس انداز - افزایش سرمایه گذاری - رشد اقتصادی می شود.

ب: گسترش و افزایش نوآوری و خلاقیت - رشد علوم، فنون و تکنولوژی - رشد اقتصادی می شود.

ج: محو زمینه های بروز مفاسد اجتماعی و اداری - تعهد شغلی و کاری و انضباط مالی - بالا رفتن اثربخشی و کارایی می گردد.

د: افزایش قدرت انطباق جامعه ای و تقویت جامعه کل می شود.

[۸] رجوع کنید به جامعه شناسی نظم، ص ۱۱۳.

نماز؛ مانع بروز اختلال نمادی و باعث برقراری وحدت نمادی

نماز، فرهنگی را ایجاد می کند که پاسخ دهنده به سؤالات اساسی در هر فرهنگ می باشد. این سؤالات اساسی در چهار بعد: وجود شناسی فرهنگ،

[صفحه ۱۵۸]

امکان شناسی فرهنگ، اخلاق شناسی فرهنگ و ارزش شناسی فرهنگ می باشد. هر کدام از این چهار بعد دارای سؤالاتی می باشد که به تعدادی از آنها اشاره می شود.

۲ - ۱- در بعد وجودشناسی فرهنگ: چرا جهان بوجود آمد و هدف آن چیست؟؛ انسان چگونه موجودی است؟؛ آیا جامعه دارای یک وجود خارجی است، چه قوانینی بر آن حاکم است؟

۲ - ۲- در بعد امکان شناسی فرهنگ: امکانات بالقوه موجود در انسان چیست؟؛ امکانات بالقوه و توان درونی موجود در جامعه چه می باشد؟؛ امکانات موجود در فرهنگ جامعه چیست؟

۲ - ۳- در بعد اخلاق شناسی فرهنگ: وظایفی که انسان نسبت به معبود خود دارد چیست؟؛ وظایفی که انسان نسبت به خود دارد چه می باشد؟؛ وظایفی که انسان نسبت به جامعه دارد چیست؟؛ وظایفی که انسان نسبت به این جهان دارد چه می باشد؟

۲ - ۴- در بعد ارزش شناسی فرهنگ: زندگی و جهان موجود تا چه اندازه دارای زیبایی و احترام است؟؛ میزان کرامت و ارزش انسان تا چه اندازه ای است؟؛ جامعه تا چه میزان دارای اعتبار و ارزشمندی است و تا چه میزان باید مورد احترام باشد؟؛ آیا غایت و نهایی که مورد نظر انسان ها است دارای ارزشمندی، قداست و تعالی است؟

اسلام عزیز و نماز با پاسخهایی مناسب، دقیق، شفاف و قابل دفاع؛ و در عین حال کلی و تعمیم یافته به سؤالات فوق می تواند وحدت نمادی را در جامعه بوجود آورد؛ و یک چارچوب فراگفتمانی در جامعه ایجاد نماید. چارچوبی که نماز ایجاد می کند، چارچوبی است که انواع خرده فرهنگ های

[صفحه ۱۵۹]

قومی، زمانی، شغلی و حرفه ای؛ و گفتمانهای شناختی، ارزشی، هنجاری و رویه ای را در برمی گیرد. این امر در واقع یک استراتژی فرهنگی بسیار مناسب می باشد که تحت عنوان «سیاست وحدت در تکرر فرهنگی» از آن می توان یاد نمود. این استراتژی فرهنگی، امکان رشد و گسترش خرده فرهنگ ها را در کنار یکدیگر و به صورت هم عرض فراهم می نماید؛ و در عین حال از بروز ضعف در احساسات، پنداشت ها، رموز و اصول مشترک جلوگیری می نماید، که این امر یکی از ابعاد انسجام اجتماعی به شمار می آید.

تفکیک اجتماعی که تقریباً فرایندی است روبروی جوامع، در تاریخ معاصر با شدت و ضعف هایی روبرو بوده (در کشور ما این فرایند بیشتر جنبه بیرونی داشته)، باعث ایجاد گروه بندی های مختلف در جامعه می شود. ایجاد این گروه بندی ها خود باعث بروز خرده فرهنگ های مختلف، متنوع و گاه متضاد می گردد. این روند می تواند وحدت نمادی جامعه را برهم زند. در این بین وجود نماز و به تبع آن تأثیرات نماز جلو بروز اختلال نمادی را گرفته، وحدت نمادی را تقویت می کند.

گسترش روز افزون ارتباطات جمعی، باعث از بین رفتن فواصل مکانی و زمانی جوامع شده، کشورها و جوامعی که در این زمینه دارای توانمندی های ابزاری و اقتصادی بیشتری هستند (کشورهای استکباری) می توانند مردم کشورها و جوامع دیگر را تحت بمباران نمادی قرار داده و وحدت نمادی این جوامع را برهم زنند. نماز و تبعات آن می تواند بهترین عاملی باشند تا مردم (نمازگزاران) جوامع غیراستکباری و حتی استکباری را در مقابل بمباران نمادی مصون و محفوظ نگه دارد.

[صفحه ۱۶۰]

رشد سریع جمعیت بخصوص در قرن حاضر به همراه تحولات فنی در سیستم حمل و نقل و گسترش روزافزون ارتباطات جمعی، تحرک روانی و فیزیکی (مهاجرت) جمعیت ها را بطور قابل ملاحظه ای افزایش می دهد. اثر تعاملی افزایش جمعیت با فرایند تفکیک اجتماعی فوق الذکر، باعث افزایش تصاعدی خرده فرهنگ های مختلف و متنوع در جامعه می شود. این امور باعث ایجاد اختلال نمادی در جوامع می شود. اقامه نماز می تواند جلو این اختلال نمادی را گرفته، وحدت نمادی را در سطح جامعه برقرار کند. افزایش سریع جمعیت و انبوهی آن، وجود خرده فرهنگ های مختلف و متنوع، عدم ارتباطات بین گروهی و بمباران نمادی توسط امپریالیسم خبری، باعث بروز تضادهای ارزشی شده، امکان دسترسی به توسعه اجتماعی را کم می کند.

گسترش فرهنگ نماز (با ارائه ارزش های خاص) و برقراری ارتباطات بین گروهی و هماهنگی بین خرده فرهنگ ها و مصونیت در مقابل بمباران نمادی، جلو بروز تضاد ارزشی را گرفته، دسترسی به توسعه اجتماعی را امکان پذیر می سازد.

توجه و پابندی شدید و تعصب به خرده فرهنگ های قومی، زبانی و... در سطح نظام شخصیتی، باعث محدود شدن افق هنجاری و نمادی در افراد می گردد. نماز باعث می شود تا نمازگزاران پابندی شدید و تعصب به خرده فرهنگ های قومی، زبانی و ... را در مقابل تعهد و پابندی به جامعه کل از دست دهند و در سطح نظام شخصیتی باعث گسترش افق هنجاری و نمادی آنها می شود. این امر خود موجب بکارگیری اصول فرهنگی توسط نمازگزاران در میدان های تعاملی جامعه شده، که خود بتدریج باعث تقویت، گسترش و قداست این اصول فرهنگی در سطح جامعه می شود. به

[صفحه ۱۶۱]

علاوه این تقویت، گسترش و قداست اصول فرهنگی، به تقویت وحدت نمادی در جامعه کمک می کند. تقویت وحدت نمادی و مفاهیم فرهنگی باعث تقویت احساس تعلق به جامعه و اهمیت هویت جامعه می شود، که در نتیجه تعهد عمومی، تقویت و تعمیم می یابد و به دنبال آن اعتماد دو جانبه تعمیم یافته، افزایش می یابد. خود این اعتماد دو جانبه تعمیم یافته مجدداً باعث افزایش تعهد عمومی تعمیم یافته می گردد.

اقامه نماز مانع می شود تا اختلاف نظر ها در بین نخبگان جامعه به وحدت نمادی در جامعه آسیب وارد کند؛ در بعضی از شرایط در بین نخبگان جامعه تناقض ها و اختلاف نظر هایی پیش می آید و این اختلاف ها و تناقض ها تحت شرایطی می تواند زمینه اختلال نمادی را در جامعه فراهم سازد؛ در این صورت اقامه نماز، هم از بروز این اختلاف نظر ها جلوگیری نموده و هم به هنگام بروز، با شیوه های مناسب به حل این تناقضات می پردازد.

با توجه به تأکید اسلام بر تفکر، علم و علم آموزی و درخواست های نمازگزار در نماز از خداوند سبحان، میل به دانستن و علم در وی بوجود می آید؛ در صورتی که این میل عملی گردیده، گسترش کمی و کیفی یابد، افق هنجاری و ارزشی نمازگزار افزایش یافته و اشتراکات فرهنگی بین نمازگزاران بیشتر می شود؛ این امر خود باعث وحدت نمادی در جامعه می گردد.

چون نماز و اقامه آن مانع بروز خودخواهی و خودمحوری می گردد، سدی در مقابل استبداد سیاسی می باشد. لذا اگر نمازگزاران واقعی به قدرت سیاسی دست یابند، اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته گسترش می یابد و تعصب و پابندی شدید به گروه ها و خرده فرهنگ های

[صفحه ۱۶۲]

قومی، زبانی، حرفه ای و... در مقابل پابندی به جامعه کم می شود؛ فساد اداری کاهش می یابد؛ قانون شکنی و زورگویی کم می شود، عدم تمایل به فعالیت های سیاسی و اجتماعی کاهش می یابد؛ احساس ترس و ناامنی در زمینه هایی چون فکری، جانی، مالی کاهش می یابد. این همه جلوی بروز سمبولیسم ایمایی و اشاره ای را که منجر به ابهام معنایی و گنگی مفهومی می شود را گرفته، شفافیت معنایی و مفهومی جای آن را می گیرد؛ در نتیجه روابط گفتمانی را در سطح جامعه افزایش می دهد. این خود باعث وحدت نمادی در جامعه می شود. فرهنگ نماز ضدیتی آشکار با نابرابری های اجتماعی دارد؛ گسترش فرهنگ نماز در جامعه باعث گسترش برابری اجتماعی شده و منابع ارزشمند را در جامعه به شیوه ای درست توزیع می نماید؛ در نتیجه از بروز تضادهای توزیعی و ارزشی در جامعه جلوگیری می نماید و خود این امر زمینه بروز وحدت نمادی در جامعه را فراهم می سازد.

نماز مانع بروز اختلال سیاسی و باعث برقراری وحدت سیاسی

وجود «گروه»ها و «ما»های نمازگزار در جامعه بعنوان یکی از پل ها و گره های ارتباطی بین دولت و شهروندان محسوب شده، زمینه روانی روابط سیاسی و همکاری سیاسی را بین دولت و شهروندان افزایش می دهد؛ بخصوص تأثیر مثبت وجود این «ما»ها و «گروه»های نمازگزار زمانی آشکارتر می شود که متوجه شویم، نماز، هم در سطح خُرد و هم در سطح کلان بر استحکام، وفاق و نهادینه شدن اجتماعی تأثیر فراوان دارد. حضور نمازگزاران در نمازهای جماعت (بخصوص نماز جمعه) از بروز اختلال

[صفحه ۱۶۳]

رابطه ای سیاسی در جامعه جلوگیری می نماید؛ در نتیجه باعث سادگی در هدایت انرژی عاطفی جامعه، حفظ طراوت فرهنگی، تقویت تعهدات جمعی و تحکیم هویت جامعه ای می شود. در صورتی که مسئولین و دست اندرکاران جامعه از نمازگزاران واقعی باشند، زمینه برای پیدایش و گسترش روابط گفتمانی سیاسی با مردم نمازگزار (و یا شاید دیگر افراد) ایجاد می شود. این امر خود باعث ایجاد و افزایش تفاهم سیاسی و اعتماد متقابل نسبت به قضاوت، اجرا، تخصص و دانش طرفین می شود؛ علاوه براین در صورتی که روابط گفتمانی سیاسی، واقعی و صادقانه بوده و زیر سایه نماز ایجاد شده باشد، باعث:

الف - افزایش ظرفیت اجرا، قضاوت و آگاهی مسئولین و مردم نسبت به امکانات، مضیقه ها، نیازها و اهداف جامعه می گردد و این به نوبه خود باعث افزایش همدلی سیاسی و ملی می شود.

ب - آگاهی مسئولین و مردم از امکانات، مضیقه ها و نارسایی ها، امکان چاره جویی به موقع را افزایش می دهد.

ج - وجود روابط گفتمانی سیاسی بین مسئولین و مردم باعث افزایش توان مجاب سازی طرفین و بکارگیری آن می شود؛ همچنین واقع بینی سیاسی را در طرفین افزایش می دهد.

د - وجود روابط گفتمانی سیاسی که نماز و اقامه آن فراهم می کند، امکان جذب نیروهای مختلف در جامعه را که دارای توانمندی های لازم باشند، افزایش می دهد.

ح - وجود روابط گفتمانی سیاسی که زیر سایه فرهنگ نماز ایجاد می شود، زمینه پذیرش انتقادات سازنده را بین مسئولین و مردم فراهم نموده،

[صفحه ۱۶۴]

مانع بروز خشونت های سیاسی می شود؛ در نتیجه قابلیت جامعه برای حل مسالمت آمیز تضادها و اختلافات داخلی افزایش می یابد.

و - وجود روابط گفتمانی سیاسی که در زیر سایه نماز ایجاد می شود، مانع از بروز خودسری سیاسی و سوء استفاده از قدرت و هرگونه کثرتاری سیاسی می شود.

نماز مانع بروز اختلالات اجتماعی و موجب برقراری وحدت اجتماعی

نماز باعث بروز همکاری اجتماعی بین نمازگزاران می شود؛ اگر این همکاری بین مردم بصورت مبادله متقارن گرم (یاری و بیمه اجتماعی) در شئون مختلف زندگی اجتماعی باشد و این همکاری ها افزایش یابد، زمینه برای انجام کارهای خیر که جنبه عمومی دارد و همچنین، تعهدات اجتماعی نمازگزاران نسبت به جامعه و افراد آن افزایش می یابد. افزایش و گسترش همکاری های اجتماعی باعث ایجاد زمینه ی لازم برای افزایش مودت اجتماعی و موجب بروز مانعی عمده در مقابل نابرابری های اجتماعی می شود. نماز باعث ایجاد گسترش حمایت اجتماعی بین نمازگزاران با یکدیگر و با مردم دیگر می شود. این حمایت تنها در بعد مادی همچون کمک مالی به نیازمندان خلاصه نمی شود؛ بلکه در ابعاد مختلف عاطفی، معرفتی، منزلتی و ... بوده و هرچه این ابعاد گسترش بیشتری پیدا نمایند، میزان استثمار و بهره کشی، یأس و خودکشی، محرومیت اجتماعی و انفعال اجتماعی در جامعه کمتر می شود. حمایت اجتماعی بوجود آمده توسط نماز باعث می شود که افراد نیازمند، فرصتی دوباره پیدا نمایند و از استعدادهای خاص و منحصر به فرد خود استفاده ببرند و چه بسا که در

[صفحه ۱۶۵]

آینده بتوانند، خود با عمل خیر از دیگران حمایت نمایند. دین اسلام، با توجه به تبلیغ و گسترش نوع نگاه خود به حمایت اجتماعی، حمایت کننده و حمایت شونده (اسلام در بعضی از مواقع حمایت اجتماعی را یک واجب دینی معرفی و در موارد دیگر توصیه های فراوان در آن مورد می نماید)، سعی در این دارد تا حمایت اجتماعی را به صورت یک وظیفه و عادت اجتماعی در آورد؛ برای مثال:

الف - نودوستی را در بین نمازگزاران تقویت می نماید.

ب - در خلقت انسان ها تفاوتی نیست و برتری انسان ها به تقواست.

ج - انسان دارای کرامت است.

د - هر انسانی دارای استعداد خاصی است و لذا از ظرفیت های منحصر به فردی برخوردار است.

ح - کمک کردن و یاری رساندن به نیازمندان یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف است. حدیث نبوی معروف

- (اگر مسلمانی ندای کمک مسلمان دیگری را بشنود و کمک نکند مسلمان نیست) [۱] مؤید این مطلب می باشد.

و - اسلام این باور را ترویج می نماید که کمک گیرنده، خود می تواند یک کمک رسان هم باشد. اسلام، زکات علم را انتشار آن می داند و به آن، اهمیت و توجه وافر دارد. اسلام و فرهنگ نماز بر علم، دانش و آگاهی تأکید دارند؛ به عنوان نمونه: «هر رکعت نماز گزاردن پشت سر امام دانشمند برابر با هزار رکعت نماز است» [۲] و

[صفحه ۱۶۶]

یا «دو رکعت نماز دانشمند بهتر از هفتاد رکعت نماز غیردانشمند است.» [۳] همچنین، اهمیت علم و شناخت در اسلام تا جایی است که «در قرآن که در دسترس همه ی جوامع امروزی می باشد، حدود ۷۰۰ آیه در مورد حمایت از علم و شناخت واقعیات یافت می شود» [۴] ؛ (جهت اطلاع از فضیلت علم و علما از دیدگاه اسلام به کتبی که در این زمینه نوشته شده، رجوع نمایید) [۵] و آموختن علم را وظیفه می داند؛ برای مثال: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است.» [۶] یا، «زگهواره تا گور دانش بجوی.» موجب موارد ذیل می گردد:

- امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه های مختلف زندگی بوجود آمده، ملاک های عقلانیت در جامعه گسترش می یابد.
- امکان مشارکت عمومی برای خلاقیت های علمی و فرهنگی افزایش پیدا می کند.
- امکان گسترش دانش ها و بهنگام نمودن علوم افزایش پیدا می کند.
- بالا بردن سرمایه های فرهنگی و آموزشی در بین مردم، نقش اکثریت افراد را در جامعه فعال تر کرده و از تأثیرات جبر اجتماعی می کاهد.
- علم بیشتر جنبه عملی، کاربردی و تخصصی به خود می گیرد؛ به عنوان نمونه، مولای متقیان حضرت علی (ع) فرمود: «علم باعث رشد و هدایت می شود.» [۷] «نیکبختی، در عمل به علم است.» [۸] .

[صفحه ۱۶۷]

- امکان رشد و توسعه پایدار فراهم می شود.
- تمایل نماز گزاران و افراد جامعه به رفتاری روشمند و پذیرش مسئولیت افزایش پیدا می کند.

ز- امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به عنوان یک واجب مقرر شده است. با توجه به اینکه نماز آیینه تمام نمای اسلام بوده و اینکه کارکرد نماز مجزا از کارکرد اسلام نیست و همچنین با توجه به نگرش اسلام درباره انسان و کرامت او و نوع ارتباطی که مسلمان با مسلمانان و با غیرمسلمانان برقرار می کند و اینکه نمازگزار واقعی، با نوع ارتباط خاصی سعی در دعوت غیر مسلمانان به اسلام می نماید، لذا از دیدگاه اسلام (که دیدگاه فرد نمازگزار است) افراد غیرمسلمان که محارب نباشند الزاماً دشمن تلقی نمی شوند. از طرف دیگر با توجه به عدم اصالت قوم، قبیله، نژاد و گروه خاصی و توجه به نمازگزاران، جامعه و انسان ها در کل، برقراری پیوند اجتماعی بین نمازگزاران با یکدیگر و تا حدودی با غیرمسلمانان امکان پذیر می شود.

پیوند اجتماعی که در زیر سایه نماز بوجود می آید، باعث افزایش کمک های دو جانبه و تعهد مشترک بین نمازگزاران و همچنین نمازگزاران با دیگر افراد شده، موجب شادکامی، بشاشیت و سرخوشی در جامعه می شود. این امور باعث می شود که بین افراد در جامعه (نمازگزاران با یکدیگر و نمازگزاران با دیگران) ارتباطات تنگاتنگی در شبکه اجتماعی بوجود آید. با افزایش روابط بین نمازگزاران و گروه های نمازگزار حتی در حد دوستی ضعیف که مبتنی بر احترام متقابل باشد، جریان انتقال اطلاعات، آگاهی ها، خدمات و ... تسهیل شده، انسجام ملی تقویت می شود. سهولت در جریان انتقال این عوامل باعث افزایش شرایط ذهنی برای

[صفحه ۱۶۸]

همکاری اجتماعی و یاری اجتماعی می شود. بسط و گسترش روابط بین نمازگزاران و گروه های نمازگزار موجب افزایش تعهدات عمومی آنها در مقابل یکدیگر و کل جامعه می گردد. افزایش این تعهدات موجب می گردد تا اخلاق نظری و عملی به هم نزدیک شوند. علاوه بر این، گسترش روابط مزبور باعث افزایش اعتماد متقابل تعمیم یافته می شود.

افزایش روابط بین نمازگزاران و گروه های نمازگزار در حد دوستی قوی، باعث گرمی روابط بین این افراد و گروه ها شده، نوعی وفاداری نسبت به یکدیگر را فراهم می آورد و به عنوان ابزاری در مقابل نیروها و افراد محارب قابل استفاده است. این خود موجب نوعی تشکل گروهی شده، بقاء و دوام این افراد و گروه های نمازگزار را باعث می شود.

روابط گفتمانی اجتماعی، میزان تعهد را (که از پاسداران نظم است)، افزایش می دهد. افزایش تعهد تا حدی موجب افزایش تعلق عاطفی به جمع می شود و تعمیم می پذیرد؛ در نتیجه باعث کمک به تعمیم اعتماد متقابل می گردد. وجود روابط گفتمانی اجتماعی، باعث تقویت میزان پرهیزکاری در جامعه شده، میزان کنترل رسمی و هزینه های مادی و روانی مترتب بر آن را در جامعه تنزل می دهد؛ زیرا هرچه میزان پرهیزکاری افراد در جامعه افزایش یابد، ضرورت کنترل رسمی از سوی حکومت و دولت و سازمان های مربوطه کاهش می یابد. این امر خود باعث کاهش هزینه های مختلفی می شود که صرف کنترل رسمی می گردید. افزایش روابط گفتمانی اجتماعی، می تواند باعث بسط و گسترش عزت و کرامت انسانی و احترام متقابل بین نمازگزاران در شبکه روابط اجتماعی شده، مبانی اخلاقی را در جامعه تقویت نماید. افزایش روابط گفتمانی اجتماعی، بخصوص زمانی که براساس مجاب

[صفحه ۱۶۹]

سازی باشد، باعث تقویت، تعمیم و اشاعه ارزش ها در جامعه می شود. گسترش روابط گفتمانی اجتماعی باعث می گردد که مفهوم ارزش های موجود در جامعه، شفاف و روشن گشته، درکی صحیح و واقع بینانه از آنها توسعه یابد. با توجه به گروه بندی های فرهنگی در جامعه، وجود روابط گفتمانی فلسفی و هنری باعث گسترش و تعریض افق فکری و نمادی نمازگزاران شده، آنها در مقابل سلیقه ها و نقطه نظرهای یکدیگر تحمل و بردباری بیشتری از خود نشان خواهند داد. مآلاً کار پالایش، تغییر، اصلاح و یا حتی تعویض انگاشت ها و نقطه نظرها در جامعه تسهیل می شود و در نهایت شکاف بین اخلاق نظری و اخلاق عملی کاهش می یابد.

[۱] محجةالبیضاء، ج ۱، ص ۳۴۲.

[۲] محجةالبیضاء، ج ۱، ص ۳۴۲.

[۳] نهج الفصاحه، ص ۳۵۰، ش ۱۶۷۳.

[۴] علم از دیدگاه اسلام، ص ۱۴.

[۵] به عنوان نمونه رجوع کنید به آداب تعلیم و تعلم در اسلام، دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۲۳ - ۱۰۳.

[۶] اصول کافی، جلد ۱، ص ۳۵ - ۳۶.

[۷] غررالحکم، ص ۶۱۴، ح ۹۳ و ص ۶۱۵، ح ۱۱۲ و ص ۶۲۴، ح ۲۸۱ و ص ۸۴۷، ح ۳۴۹ و ص ۴۵، ح ۱۳۲۴.

[۸] همان، ص ۱۳۰، حدیث ۲۰۱.

نماز، و تراکم و تمرکز قدرت

همبستگی اجتماعی عام شامل اجزای: اعتماد اجتماعی متقابل، تعمیم یافته، وابستگی عاطفی، تعمیم یافته، احساس تعلق به جامعه، تعهد، تعمیم یافته نسبت به جامعه و بالا بودن میزان تعاملات اجتماعی می باشد. اگر در جامعه این اجزاء بوجود آید، سازگاری اجتماعی، بیشتر جنبه درونی داشته؛ و در نتیجه سطح تضادهای اجتماعی کاهش می یابد و کمتر نیاز به نظارت بیرونی پیدا می کند؛ در این صورت نیاز به تراکم و تمرکز قدرت کمتر حس می شود. توجه به این نکته ضروری است که تراکم و تمرکز قدرت زیاد، باعث بی میلی سیاسی در افراد جامعه و نمازگزاران می شود و آنها تمایل کمتری به فعالیت های سیاسی نشان می دهند؛ در نتیجه نوعی بیگانگی از نظام سیاسی در میان آنها بوجود می آید. تراکم و تمرکز قدرت بیش از حد، مانع گسترش روابط اجتماعی بین گروهی شده؛ اثر منفی بر گسترش روابط

[صفحه ۱۷۰]

اجتماعی داوطلبانه دارد. به دنبال آن وفاق اجتماعی به خطر می افتد، تراکم و تمرکز قدرت زیاد مانع از دسترسی به اطلاعات آزاد برای تصمیم گیری نمازگزاران و افراد جامعه شده، مشارکت اجتماعی مؤثر و آگاهانه آنها را کاهش می دهد، همچنین خود مختاری و انتخاب نمازگزاران و دیگر افراد را محدود نموده، بجای خودمختاری، دگرمختاری بوجود می آید که به دنبال آن چاپلوسی و دورویی رواج پیدا می کند و خلاقیت از نمازگزاران و دیگر افراد سلب می شود. و به تبع آن اعتماد اجتماعی تعمیم یافته کاهش می یابد.

تراکم و تمرکز قدرت زیاد و محو اختیارات و آزادی های واقعی باعث می شود افراد فرو دست نسبت به تخطی و تجاوز فرد قدرتمند آسیب پذیر شده، اضطراب و تشویش در جامعه بوجود آید؛ در صورت تکرار و تقویت این امر، اضطراب و تشویش حاصل از آن، بیماری روانی برای اکثریت افراد فاقد قدرت در جامعه بوجود می آورد. از طرف دیگر اگر صاحبان قدرت به اصول اخلاقی پایبند نباشند، احتمال این وجود دارد که قدرت خود را در روابط اجتماعی، حق مسلم خود دانسته و دیگر افراد را محق ندانند؛ در نتیجه هرگونه نقص بوجود آمده را متوجه دیگران نموده و خود را مبرّی از توبیخ و مجازات بدانند. در این مورد «دکتر چلبی» مطلبی را اینگونه بیان می کند: «اگر صاحبان قدرت، فاقد اصول اخلاقی باشند و صرفاً سیاست قدرت را در پیش گیرند، احتمال بسیار وجود دارد که

قدرت مازاد در روابط اجتماعی، درون فکن شود و آنها احساس تقصیر نمایند؛ بلکه با مسئول دانستن دیگران، احساس تقصیر خود را برون فکن کرده، گرایش توییخی را از خود به دیگران معطوف کنند. نتیجه به شکل خودبزرگ بینی بروز می نماید و توهم خودبزرگ بینی به فرد این اجازه را می دهد که سرنوشت مرگ و زندگی

[صفحه ۱۷۱]

دیگران را در دست بگیرد. [۱].

فرهنگ نماز برای جلوگیری از بروز این مسأله راهکارهایی اندیشیده است؛ که عبارتند از:

الف: مسئولین و قدرتمندان را پایبند به اصول اخلاقی می کند. در صورت عدم پایبندی به این اصول و انجام گناه (بصورتی که صفات و مشخصات لازم را از دست بدهند)، ایشان حق سرپرستی بر مردم را نداشته و شرعاً از مقام خود عزل می شوند. مولای متقیان حضرت علی (ع) در این زمینه فرمود: «و همانا دانستید که سزاوار نیست بخیل، بر ناموس و جان و غنیمتها و احکام مسلمانان ولایت یابد و امامت آنان را عهده دار شود تا در مالهای آنها حریص گردد؛ و نه نادان، تا به نادانی خویش مسلمانان را به گمراهی برد؛ و نه ستمکار، تا به ستم عطای آنان را ببرد؛ و نه بی عدالت در تقسیم مال، تا به مردمی ببخشد و مردمی را محروم سازد؛ و نه آن که به خاطر حکم کردن رشوت ستاند، تا حقوق را پایمال کند، و آن را چنانکه باید نرساند؛ و نه آن که سنت را ضایع سازد، و امت را به هلاکت دراندازد. [۲]»

همچنین حضرت امام خمینی (ره) در کتاب خود می نویسد: حکومت اسلامی، حکومت اسلامی، حکومت قانون خدا است؛ حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه؛ بلکه مشروطه است... مشروطه از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرایط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است، مجموعه شرایط همان احکام و قوانین

[صفحه ۱۷۲]

اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. [۳]

ب: فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در نظر گرفته تا نوعی مداخله در امور (از جمله امور سیاسی) مانع به خطا رفتن قدرتمندان گردد.

ج - اسلام اختیارات، قدرت و ولایت افراد را در هر موقعیت دارای حد و اندازه ای می داند که برای رهبر اسلامی در حد ولایت تشریعی و برای افراد دیگر و دولتمردان در حد معینی می باشد که قانون مشخص نموده است.

د: مشورت معصومین(ع) با افراد و یاران خود؛ حتی اگر نظر آن یاران با نظر معصوم(ع) تفاوت داشته باشد و در عمل ثابت شود که نظر معصوم(ع) صحیح بوده است؛ نمونه آن را می توان مشورت پیامبر اکرم(ص) با یاران خود در ارتباط با جنگ احد و صحیح بودن نظر پیامبر اکرم(ص) ذکر نمود؛ که نتیجه آن جنگ، شکست مسلمانان بود. خالی از لطف نیست اگر گفته شود که «وقتی آیه شریفه و شاورهم فی الامر نازل شد، پیغمبر (ص) فرمودند که خدا و رسولش بی نیاز از مشاوره هستند؛ ولی آن را در این امت قرار داد تا رحمتی برای آنها بوده باشد؛ بنابراین کسی که مشورت کند رشدی را از دست نداده و کسی که آن را ترک کند، از گمراهی مصون نخواهد ماند.» [۴] با توجه به مطالب بیان شده، آشکار می شود که هدف پیامبر اکرم(ص) و یا سایر معصومین(ع) از مشورت این نبوده که نیازمند آن هستند؛ بلکه اهداف دیگری داشته اند؛ از جمله:

احترام گذاشتن به نمازگزاران و بالا بردن شخصیت با ایجاد شخصیت رشد یافته در آنها، ایجاد زمینه برای مسئولیت پذیری در نمازگزاران، آماده

[صفحه ۱۷۳]

کردن نمازگزاران برای مداخله در امور و انجام کارهای محوله، تأسی نمازگزاران از معصومین(ع)، ایجاد گسترش رشد سیاسی در نمازگزاران ، به عنوان یک امر پیشگیرانه، عدم توهم استبداد در نظام اسلامی

[۱] وفاق اجتماعی، دکتر چلبی، ص ۷۲.

[۲] نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، خطبه ۱۳۱، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.

[۳] ولایت فقیه، امام خمینی(ره)، ص ۵۲ - ۵۳.

[۴] ترجمه تفسیرالمیزان، علامه طباطبائی، جلد ۷، ص ۱۲۰.

راه های افزایش تعداد نمازگزاران و جلب افراد به نماز خواندن

مسئولیت اصلی جلب افراد به نماز خواندن بر عهده نمازگزاران می باشد؛ لذا نمازگزاران باید دقت کافی و وافی نمایند تا نه تنها از محرمات دوری نموده و از منکرات فاصله بگیرند؛ بلکه باید طوری اندیشیده (با حفظ معیارها و ضوابط اسلامی) و عمل نمایند که با توجه به افکار و اعمال مردم، هرچه بیشتر آنها را به نماز و نمازخواندن هدایت نمایند. این هدایت بیشتر باید غیرمستقیم باشد؛ یعنی اینکه نمازگزاران باید با عمل خود، افراد دیگر را به نماز هدایت نمایند. در واقع افراد تارک نماز و یا کاهل در نماز، بیشتر به اعمال نمازگزاران توجه دارند تا به حرف آنها.

مسئولیت جذب افراد به طرف نماز بر تمام آحاد نمازگزاران است؛ اما در بین این نمازگزاران مسئولیت بیشتری متوجه افرادی است که قدرت تأثیرگذاری بیشتری را دارند و با کمیت و کیفیت بیشتری توانایی هدایت و جذب افراد را به طرف نماز دارا هستند. همانطور که در قرآن مجید آمده «لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» [۱] تکلیف افراد براساس توانایی آنها است؛ لذا در بین نمازگزاران بیشترین مسئولیت برای جلب افراد به نماز، برعهده رهبران و

[صفحه ۱۷۴]

مسئولان جامعه که توانایی بیشتری دارند، می باشد. با توجه به سخنان مولای متقیان حضرت علی (ع) که فرمود: «مردم به امیران خود مانند ترند تا پدران خود.» [۲] و همچنین «دو گروه از امت من هستند که اگر صالح شوند، مردم صالح می شوند و هنگامی که فاسد شوند مردم فاسد می شوند: اول، عالمان و دوم، سلاطین و حاکمان.» [۳] آشکار می شود که رهبران و مسئولان باید کمال دقت و ظرافت را در اعمال خود داشته باشند؛ تا وقتی الگوی افراد دیگر قرار می گیرند، الگوی مناسب بوده و افراد بیشتری را به نماز و نماز خواندن هدایت نمایند. این رهبران و مسئولان نه تنها باید از محرمات و منکرات دوری نمایند، بلکه باید از مرحله درک عقلی و ایمان قلبی از نماز گذشته و به مرحله دریافت حقایق با چشم ملکوتی برسند و با رفتاری پیامبر گونه، مردم را راهنما و الگو باشند.

در مجموع راه حل هایی را که برای جلب افراد به نماز خواندن و افزایش تعداد نمازگزاران می توان برشمرد، عبارتند از:

الف: تلاش برای اقامه واقعی نماز توسط نمازگزاران با توجه به مواردی چون:

۱- توجه به کلمات و معانی نماز

۲- درک عقلی و فکری محتوای نماز

۳- آشنایی و ایمان قلبی با محتوای نماز

۴- دریافت حقایق با چشم ملکوتی

البته لازم به بیان است که بند سوم، کار مشکلی است و بند چهارم با

[صفحه ۱۷۵]

مجاهدات و ریاضت های فراوان حاصل می شود.

ب: وقتی نمازگزار رفتاری نیکو از خود ارائه دهد، افراد غیرنمازگزار (تارک نماز و کاهل در نماز) تحت تأثیر این رفتارها قرار گرفته، تشویق به نمازخواندن می شوند. با توجه به اینکه رفتارها و کنش های افراد همیشه عقلانی نبوده و در بسیاری موارد عاطفی است، ارائه رفتارهای خوب و سنجیده از طرف نمازگزار می تواند باعث کشش افراد غیر نمازگزار به طرف نماز باشد.

ج: داشتن زندگی ساده دور از تجمل و اسراف و همراه با صدق و صفای نمازگزاران باعث جلب افراد غیر نمازگزار به طرف نماز می شود.

د: داشتن رفتارهای ملایم و نرم از سوی نمازگزاران، و چشم پوشی از خطای افراد و مواردی از این قبیل، باعث کشش و جلب آنها به طرف نماز می شوند.

ح: با توجه به اینکه انسانها می خواهند راهنما و رهبرانی از جنس خود و در مواردی، در زمان خود داشته باشند و همچنین انسان ها الگوپذیر بوده و از الگوهای مورد نظر خود پیروی می کنند؛ لذا، باید الگوها، رهبران و مسئولان دارای شخصیتی رشد یافته باشند

و: ایجاد و برقراری عدالت و قسط در جامعه:

با توجه به تأثیر تأمین معاش افراد بر معاد آنها، برقراری عدالت و قسط در جامعه؛ تأثیر فراوانی در نماز خواندن و اقامه آن دارد.

ز: محرک های درونی و بیرونی نماز:

وجود محرک های درونی و بیرونی می تواند تمایل به نماز را در افراد ایجاد نماید؛ «حتی اگر نماز به قصد قربت هم نباشد، لااقل برای تأمین

[صفحه ۱۷۶]

سلامت جسم، ذهن و روان امری واجب و ضروری است».[۴] .

ح: ایجاد و افزایش مهارت در نماز:

از طرق مختلف مانند: خانواده، نظام آموزشی و رسانه های گروهی می توان مهارت لازم را در افراد برای نماز خواندن و تمایل به نماز ایجاد نمود.

ط: درونی کردن نماز:

نماز و فرهنگ آن از طریق عجین شدن با وجود افراد، درونی شده و تداوم می یابد. اگر روند جامعه پذیری افراد در خانواده، دوستان و همسالان، محیطهای آموزشی، رسانه های گروهی و ... به نحوی صورت بگیرد که نماز خواندن و فرهنگ نماز درونی شود؛ یعنی با وجود فرد عجین گردد، تمایل افراد به نماز قوی می گردد.

ی: نهادی شدن نماز:

در صورتی که نماز در جامعه نهاده شده، در زندگی اجتماعی ماندگار شود، امکان این که افراد جامعه، نمازگزار(نماز خوان) شوند، زیاد می گردد.

[۱] سوره انعام ، آیه ۱۵۲.

[۲] تحف العقول ، ص ۲۰۷.

[۳] همان ، ص ۵۰.

[۴] هدایت نوجوان به سوی نماز، دکتر علی قائمی، ص ۲۲.

راه های جلب افراد به نمازهای جماعت

الف: ایجاد، تعمیق احساس همفکری، همگامی، همدلی و همبختی مشترک بین نمازگزاران
ب: ایجاد هماهنگی بین انتظارات جماعت نمازگزار با نیازها و پیش آمادگی های نمازگزار

[صفحه ۱۷۷]

ج: وجود امکانات مادی، ابزاری و رفاهی در مساجد و تکایا:

وجود مساجدی با ابزار و امکانات لازم و شایسته، نوسازی و زیبا سازی مساجد، رعایت بهداشت در مساجد، خوش صوت بودن مؤذن و مکتب، آراستگی، خوش بویی و زیبایی لباس نمازگزاران، تأثیر فراوانی در جلب افراد به طرف نماز جماعت دارد.

د: برقراری عدالت و قسط در جامعه تأثیر فراوانی در تمایل به شرکت در نمازهای جماعت و اقامه نماز دارد.

ه: محرک های درونی و بیرونی نماز:

وجود این محرک ها باعث تمایل و شرکت در نمازهای جماعت می شود